جغرافیای تاریخی

شهرستان شهرضا

(قمیشه)

نگارش

محمد علی بهرامی شهرضائی

۱۳۴۵

جغرافیای تاریخی

شهرستان شهرضا (قمیشه)

نگارش محمدعلی بهرامی شهرضائی ۱۳۴۵

چاپ ندای شهرضا

فهرست مآخذ

۱ـ تاریخ فارسنامه ناصری

۲ـ تاریخ روضة‌الصفا

۳ـ بستان السیاحه

۴ـ مجله ارتش و فرهنك جغرافیائی ایران جلد دهم

۵ـ اصفهان تالیف مهندس حسن عابدی

۶ـ بسوی اصفهان تالیف بدرالدین کتابی

۷ـ مجله یادگار

۸ـ نشریه فرهنك شهرضا

۹ـ اداره آمار و ثبت احوال شهرضا

۱۰ـ اداره فرهنك شهرضا

بسمه تعالی

مقدمه

علاقه به‌خواندن تاریخ ایران وآشنائی به‌سرزمین مقدس میهن در من ایجاد غرور وسربلندی مینمود باتمام وجودم به میهن خود وزادگاهم شهرستان شهرضا عشق می‌ورزیدم وهمواره آرزو داشتم درباره سوابق تاریخی و اوضاع جغرافیائی این شهر تحقیقاتی بعمل آورده و ازطریق معرفی زادگاه خود در راه تکمیل تاریخ جامع ایران منشأ خدمتی بوده باشم تاآنکه‌درسال ۱۳۲۷ اداره آمار وثبت احوال شهرضا تصمیم گرفت که نقشه‌ای جامع از شهرضا تهیه نماید اینجانب داوطلب تهیه وترسیم آن نقشه شدم وباکمك وراهنمائی دوستان توانستم برای اولین مرتبه نقشه‌ای‌ازشهرضا ترسیم‌وتقدیم نمایم که در همانموقع بنابه‌پیشنهاد اداره آمار شهرضا طی‌نامه شماره ۷۶۷-۷۱۵۴ الف مورخ ۲۷/۲/۱۱ ازطرف مقام محترم وزارت فرهنك مورد تقدیر وتشویق قرار گرفتم همین تقدیر وتشویق محرك اصلی اینجانب درتهیه وجمع آوری سوابق تاریخی شهرضا گردید وباوجود عدم وسیله ودسترسی به منابع تاریخی وازهمه مهمتر عدم توانائی اینجانب درانجام این امر مهم بامساعدت وراهنمائیهای ارزنده دوستان کتاب جغرافیای‌تاریخی شهرضا تهیه و به حضور علاقمندان به شهرضا تقدیم میگردد از محضر اساتید ودانشمندان معظم وبخصوص دانش آموزان و دانشجو باینکه زحمت خواندن این کتاب رابخود میدهند استدعا دارد باتوجه‌به‌مقدورات‌وامکانات‌اینجانب بادیده اغماض وبزرگواری نگریسته ومطمئن باشند که‌شاید باتقدیم‌این‌اثر ناچیز توانسته باشم علاقه واشتیاق دانشمندان و دانشجویان عزیز را درتهیه وتدوین جغرافیای تاریخی شهرضا برانگیخته وحداقل محرك آنان‌درمعرفی شهرضا بنحو شایسته ودرخور مقام شهر خود باشم .

محمدعلی بهرامی شهرضائی بهمن ۱۳۴۵

تاریخچه شهرضا

هنگام تحقیق درسوابق تاریخی شهرضا اولین مدرك تاریخی زنده که بچشم میخورد سنگهای لوح گورستان قدیمی امامزاده شاهرضا میباشد که درسه کیلو متری شمال شهر واقع وسنوات منقور روی این الواح سالهای بین ۱٤۲ تا ۱۹۱ هجری قمری را نشان میدهد ولی بطوریکه قرائن وامارات موجوده درنواحی و اطراف شهرضا نشان میدهد قمیشه (شهرضای فعلی) قبل از ظهور اسلام بصورت قریه‌ای در ۱٤ فرسنگی بلده‌اصفهان وجود داشته که دارای حصارهای محکم بوده‌و بنام قلعه‌سمیرم نامیده میشده وبسه بخش منقسم میگردیده .

بخش غربی آن سمیرم سفلی و بخش جنوبی — سمیرم علیا و بخش مرکزی قمیشه درضمن مطالعه تاریخ عمومی اولین مرتبه ای که باسم قمشه برخورد میکنیم درتاریخ زندگانی سلاطین آل مظفر است که در فاصله بین سنوات ۷۲۳ تا ۷۹۵ هجری قمری دراین حدود حکومت‌وفرمانروائی داشته‌اند واینك برای روشن شدن

موضوع بشرح حوادثی که درزمان ایـن سلسله اتفاق افتاده و باموضوع بحث ما ارتباط دارد میپردازیم ـ

درحبیب السیر تالیف غیاث الدین خواند میردرذکر سلاطین قراختائی کرمان متذکر میشود که موسس این سلسه شخصی بنام براق‌احاجب یاقتلغ خـان میباشد ودر نزدیکی اسفرجان یکی از قراء شهرضا درحـال حاضر سد محکمی باقی ست که بنام سد قتلغ شاه مشهور وهنوز آثار آن مشهود است وهمچنین درحبیب السیر نوشته شده که در تاریخ دهم رجب سال ۷۹۵ امیر تیمور گورگانـی آل مظفر را در قریه ماهیار ولایت قمیشه قتل عام کرده است درفـارسنامه نـاصری صفحه ٦٦ دربـاره دومین مسافرت امیر تیمور بشیراز شرحی نوشته که عیناً نقل میشود ـ

وروز دیگر حضرت صاحبقران گیتی ستان درظاهر شهر شیراز نزول اجلال فرمـود تمامـی اعیان آل مظفر مانند سلطـان احمد عماد الدین وسلطان مهدی پسر شاه شجاع از کرمان ونصرت الدین شاه یحیی و فرزندان او معزالـدیـن جهانگیر وسلطان محمد از یـزد وسلطان ـ

ابواسحق پسر سلطان اویس پسر شاه شجاع از سیرجان عازم اردوی کیوان شکوه گشته بعد از ورود قرین اعزاز شدند وحضرت صاحبقران بعد از مشاوره برای مصالح ملکی تمام آل مظفر را گرفته مقید داشت ومملکت فارس را بولد ارجمند خود امیرزاده عمر شیخ سیورغال فرمود و پسران شاه شجاع سلطان زین‌العابدین و سلطان شبلی که آن یك از جور وظلم شاه منصور واین یك بحکم پدر نابینا گشته بودند ازشیراز روانه بسمرقند فرمود درمیانه راه سلطان شبلی بهسمرقند سیور غال ومرسوم برای آنها قرار داده رحل اقامت را انداخته تاآخر عمر بآسایش زندگانی نمودند پس حضرت صاحبقران از شیراز بجانب اصفهان حرکت فرمود ودرشب دهم ماه رجب همین سال (۷۹۵) در قصبه قمیشه یاقریه مهیار اصفهان حکم بقتل تمامت آل مظفرازصغیر وکبیرفرموده آنهارا کشتند .

بعبرت نظر کن بآل مظفر
شهانی که گوی از سلاطین ربودند
که درهفتصد وپنج وتسعین زهجرت
دهم شب زماه رجب چون غنودند

ودر این قتل عام قریب هفتاد تن از آل مظفر مقتول شده که میتوان این اشخاص را نام برد : سلطان عماد الدین احمد وسلطان مهدی بن شاه شجاع ونصر الدین شاه یحیی وغیره

در صفحه ۲۰۸ فارسنامه ناصری درسال ۱۱۶۶ هنگام محاربه آزادخان و نواب وکیل چنین مسطور است « نواب وکیل صلاح خودرا درتوقف اصفهان ندیده وروانه فارس گردیدند وآزاد خان باصفهان آمده توقفی نکرده درعقب وکیل بجانب فارس رفت ونواب وکیل باستقبال آزاد خان شتافت ودرنزدیکی قصبه قمیشه تلاقی فریقین شده شکست بر آزادخان افتاده فرارنمود وسکندر خان برادر مادری نواب وکیل تاارچینی اصفهان آنهارا تعاقب نمود » ودرصفحه ۲۳۰ فارسنامه چنین مسطوراست : « جعفرخان زند درماه محرم ۱۲۰۳ بعزم تسخیر اصفهان از شیراز حرکت نمود وچون این خبر دراصفهان به علیقلیخان قاجار رسید نصرالله خان قراگوزلو را باهزار نفر سوار روانه قمیشه داشت ونواب جعفرخان چون باصفرجان رسید محمد خان برادر خود را بافوجی روانه

قمیشه نمود وبعد از ورود محمد خان قلعه قمیشه را بقهر
وغلبه تصرف نمود وتمامی هزار نفر را الا سه چهار نفر
اسیر کرده سلاح جنك را از آنها گرفته نصراله خان
وسرکردگان آنها را نگاهداشت وما بقی را رها نمود
تادر صفحه ۲۲۳ که مینویسد القصه چون لطفعلی خان
چند منزل بجانب گندمان حرکت نمود جناب حاجی
ابراهیم برخوردارخان ومحمد علیخان زند ایشك آقاسی
را ببهانه مشورت ملکی بخانه خود دعوت نمود و بمدد
فوجی ازاهالی شیراز که فراهم آورده محمد حسین خان
برادر کوچکتر خودرا سرکرده آنها نموده بود بدون
اینکه خونی ریخته شود امرای زندرا گرفته حبس نمود و
خبر این واقعه درروز بیست وهشتم ذی حجه همین سال
۱۰۲۳ برادران دیگر خود عبدالرحیم خان و محمد
علیخان که دراردوی لطفعلی خان سرکرده دوفوج سپاه
فارس بودند درمنزل سمیرم علیا شش فرسخی قمیشه
اصفهان رسانیده وسپاه نواب ولیعهد قاجار درقمیشه
توقف داشت

درروضة الصفا درشرح حال سلسله قراختای مینویسد

که امیر مبارز الدین یکی از مردان مشهور آل مظفر میباشد که درپایان کار بدست پسرانش شاه شجاع وشاه محمود کورشد پس از مرك امیر برسر جانشینی او بین دوپسرش شاه شجاع و شاه محمود اختلاف میافتد که بالاخره منجر بجنك و کشته شدن زوجه شاه محمودمیگردد بنا بگفته جناب آقای اقبال درتاریخ عمومی شـاه شجاع حاکم ابرقو بوده است - این قسمت در تاریخ فارسنامه ناصری درصفحه ٦٠ بدینطریق مضبوط است :

«درسال ٧٦٩خان سلطان خاتون زوجه شاه محمود بانفاذ رسل ورسائل شاه شجاع را برای تسخیر اصفهان تحریص نمود ،.... تابالاخره چون شاه محمود متوجه میگردد که مهیج این فتنه خان سلطان خاتون منکوحه خود اوست باآنکهجمالی مرغوب و کمالی مطلوب داشت شاه محمود اورا بکشت وپیغام به برادر داده از دوازده منزلی قمیشه بسمت اصفهان عودت نمود»

بیان مقدمات فوق ازنقطه نظر تاریخی واشاراتی بود که راجع بهحکومت آل مظفر در حدود قمیشه ذکر شدوآثار تاریخی که از آن ایام بجا مانده یکی سدقنلع

شاه ودیگری زیارتگاه سیده خاتون که از قرائن اینطور برمیاید، همان زوجه شاه محمود بوده که امروز برروی قبراو گنبد وضریح بناشده وزیارت گاه مردم میباشد

نام قمیشه

درصفحه ٤٤٧ بستان السیاحه چنین نوشته شده « قومشه گویند که چون قوم شاه آنجا را آباد نموده لهذا قمیشه گفته‌اند . قصبه ایست شهرمانند و بلده ایست خاطر پسند از توابع اصفهان وازاقلیم چهارم وهوایش سالم وآبش از کارین وملایم ودرزمین هموار واقع وسمت مشرقش فی‌الجمله گرفته وسه طرفش واسع است ومیوه های سرد سیریش فراوان وحبوب و غلاتش فی الجمله ارزان است ، نانش ممتاز وانگورش بامتیاز . گویندقدیم الزمان قمشه شهری بوده وآزاد خان افغان بعد از نادر شاه خراب نموده اکنون قریب ده هزار خانه دراوست وبیست قریه مضافات اوست مردمش شیعی مذهب واکثر ایشان کوفی مشربند ، راقم آندیار بسیار بوده وبااکابر واعیان آنجا معاشرت نموده عموما فسق وفجور در آنجا کم‌است امامانند اصفهان همیشه در میاه مردمش خلاف

ونفاق ومردم نیك محضر وستوده سیر دارد .

تصور میرود نویسنده محترم نظر سوئی داشته زیرا مردم شهرضا متصف به صفات حسنه مخصوصا آراسته بزیور وفای عهد هستند .

وهمچنین در بعضی از کتب خطی قدیمی ولغت نامه‌ها از قول مورخان ونویسندگان راجع بنام قمیشه نقل شده است که قمیشه از دو کلمه کوم شه که بمعنی شکار گاه میباشد گرفته شده ودراین باره گویند که درزمان ساسانیان قمشه بنام قلعه سمیرم مشهور بوده و دارای وسعت زیادی بوده است ودر ۱٦ فرسنگی آن چشمه ای بنام چشمه گوری وجود داشته (هنوزهم هست) که در مجاورت آن (پنج فرسنگی حنا) قلعه‌ای بهمان نام ساخته شده ودر این حدود گور خر فراوان بوده کما اینکه اکنون نیز فراوانست واینطور مشهور است که بهرام گور پادشاه ساسانی اغلب هنگام شکار در همان قلعه گوری فرود میامده وبشکار گورخر میپرداخته‌است ودر واقع حوالی قمشه شکارگاه بهرام گور بوده است

شاهرضا

درسه کیلومتری شمال قمشه واقع که ابنیه و ساختمانهای آن در دامنه کوه قرار گرفته و گنبد و بارگاه آن درزمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی ساخته شده دارای دوصحن وسیع وزیبامیباشد که از نظر معماری قابل توجه است و در زمان سلطنت ناصر الدین شاه قاجار قسمت داخلی حرم بطرز جالبی آئینه کاری گردیده .

در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ شمسی وسیله مرحوم حاج سید اسماعیل میر بد یکی از تجار محل وعده ای از خیرین نسبت به تعمیر گنبد آن اقداماتی بعمل آمد و در حال حاضر بوسیله اداره اوقاف و باستانشناسی در تعمیر و تزئین آن اقدام میشود چون برای اثبات قدمت شهرضا (قمشه سابق) شجره نامه امامزاده شاهرضا سند معتبری بنظر میرسد قسمتی از آن عینا نقل میشود در صفحه ۱۳۹ کتاب جامع النسب آمده است

" بسم الله الرحمن الرحیم . . . در ذکر احوال ولایت پناه هدایت دستگاه وارث آل طه سید محمدرضا بن حضرت سید شمس الدین محمد بن حضرت شاهزاده زید بن حضرت امام حسن ابن حضرت شاه ولایت علی ابن ابیطالب (ع) در باب حالات سید محمدرضا او را شاهرضا ساکن ده

قمشه مشهور بماهیار من توابع دارالیهود مشهور باسپاهان گویند درخدمت امـام العادل‌الکامل علی‌بن زین العابدین امام حسین علیهم السلام بسر میبرده و در پیش آنحضرت کسب علم میکرد وحضرت امام زین العابـدیـن ع اورا بسیار دوست میداشت‌ودرحین امامت خود حضرت شاهرضا را بقلاع سمیرم و آن ولایت (مقصود قمشه است) فرستاد تااقامت کند » درصورت صحت شجره نامه مذکور خود دلیل واضحی است که قمیشه ماهیار یـاسمیرم درصـدر اسلام ولایتی آباد بوده است .

روایت دیگری ازحسن‌زاهد گیلانی که ازحواشی الرجال کتاب حـل الاشکال شیخ اجـل عبدالصمد نقل کرده است حضرت شاهرضا را فرزند امـام مـوسی بن جعفر ع دانسته که بامر برادر خود امام رضا (ع) برای ارشاد مردم‌این حدود بدیار اصفهان وقمیشه رهسپاروسپس بدست ظلمه درکنار کوه شاهرضا شهید گردیده .

بهرحال بانقل مدارك وشواهد فـوق مسلم میشود که شهرضا شهری است قدیمی ومتاسفانه تاکنون تـاریخ جامع ومستندی از آن تدوین وتنظیم نشده است .

تغییر نام قمشه بشهرضـا

درسال ۱۳۰٤ شمسی درموقع مراجعت اعلیحضرت

فقید رضاشاه کبیر از مسافرت جنوب در چهار کیلو متری جنوب شهر توقف فرمودند وضمن اظهار تفقد نسبت به مستقبلین واستفسار از وضع عمومی از چادری که در آن غرفه از کلیه مصنوعات ومحصولات زراعتی واجناس صادراتی شهر ترتیب داده شده بود بازدید بعمل آوردند که بی نهایت جلب توجه معظم له رانمود وپس از آن درموقع ورود بشهر ومشاهده وضع اسفناك وخراب شهر اوامر موکدی نسبت باصلاح وضع شهری وبهداشتی و فرهنگی شهر صادر وضمناً دستور فرمودند که نام قمیشه بمناسبت نام نامی اعلیحضرت فقید ومجاورت با بقعه و مزارامامزاده شاهرضا به شهرضا تبدیل وتغییر یابد .



جغرافیای شهرضا

جغرافیای طبیعی :

موقعیت، حدود، وسعت

شهرضا یکی از شهرستانهای استان دهم بطول ۵۱ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و عرض ۳۲ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی نسبت به نصف النهار گرینویچ واقع است وارتفاع آن ازسطح دریا ۱۶۱۶ متر در ۴۹۵ کیلو متری جنوب شهر تهران و ۸۰ کیلو متری اصفهان و در سرراه اصفهان بشیراز قرار گرفته وفاصله آن از شمال بجنوب ۹۸ کیلومتر وعرض آن از مشرق بمغرب ۳۲ کیلومتر وسعت آن در حدود ۳۰۸۸ کیلومتر مربع میباشد .

حدود

شهرضا محدود است از شمال بشهرستان اصفهان واز جنوب بآباده وخاك بویر احمد از مشرق بـه‌بخشهای ابراقو وخضر آباد و کویر یزد واز مغرب بشهرستان ـ شهر کرد وچهار محال بختیاری و به چهار بخش داخلی وسه بخش سمیرم علیا (سمیرم‌بالا) سمیرم سفلی (سمیرم پائین) ، وحومه تقسیم میشود .

آب وهوا

چون مرکز شهرضا در جلگه وبخش سمیرم در

کوهستان و بخش جرقویه درمجاورت کویر واقعست آب وهوای آن بسه منطقه تقسیم میشود .

آب وهوای بخش مرکزی ـ که معتدل و تـوام بابادهای شدید موسمی ومیزان بارندگی در عـرض سال درحدود ۷ سانتیمتر میباشد .

۲ ـ آب وهوای دهستان جرقویـه وبخش ابرقـو بعلت مجاورت باکویر گرم ودرمسیر بادهای گـرم و سوزان تابستانی وبـادهای سرد زمستانی میباشد .

۳ ـ بخش سمیرم علیا بسبب واقع بودن در کوهستان سرد سیر تابستـان آن معتدل وزمستان آن سردوطولانیست ومیزان بارندگی در این نـاحیه اغلب بـه ۷۵ سانتیمتر تایك متر میرسد بطور کلی سرد ترین روزها در شهرضا اوائل بهمن و گرم ترین روزها اواسط مـرداد مـاه است حداقل درجه حرارت درشهر درحدود ۱۲ درجه زیرصفر میباشد ، فصل بارندگی از اواخر پائیز تااوایل بهار ودر بخش سمیرم علیا اغلب مدت سهماه بعلت نـزول بـرفهای سنگین رابطه آن باشهرضا قطع میگردد .

پستی وبلندی

بطور کلی شهرضا ناحیه ایست کوهستانی ودر بخش مرکزی ارتفاعات کوه قمیشلو و بیدکان از مغرب

به‌مشرق کشیده شده ورشته کوههای زرد کوه وطالخونی وسفید کوه ورشته کوه دمبه لار و کوه کلاه قاضی و سلسله جبال قفا وپشم کوه و کوه بانمك را میتوان نام برد گردنه وتنك های مهمی که ذکر آنها مناسبت دارد یکی تنك لاشتر که بطول شش کیلو متر وراه اصفهان بشیراز از این تنك میگذرد و گردنه کلاوار در کوه‌چال قفاو گردنه میل درشمال سمیرم علیا .

رودخانه

بعلت قلت بارندگی درشهرضا رود خانه مهمی وجود ندارد وانچه بآن‌درعرف محل رودخانه گفته میشود مسیل سیلهای بهاری میباشد که در تابستان خشك و آبی درآنها جریان ندارد واصولا کشاورزی در شهرضا و آب یاری دربخش مرکزی شهرضا بوسیله حفر قنوات و اخیراً تاحدی باحفر چاههای عمیق انجام میگیرد و در مناطق سردسیر این شهرستان که ریزش برف درآن نواحی‌قابل ملاحظه وممکن است ازآب های برف باایجاد سدهائی برای توسعه کشاورزی منابع وذخایر آب تهیه نمود تاکنون اقدامی نشده وتنها سدی که در ازمنه قدیم از آن استفاده میشده وفعلا خراب ومنهدم وقابل استفاده نیست سدقتلیغ شاه است .

در بخش سمیرم علیا چند رود خانه و نهر کوچك بنام رودخانه‌های گندمان ، شمس آباد ، رودخانه سمیرم رود خانه حنا وجود دارد که همگی برود خانه خرسان ملحق میشوند .

راه شوسه

راههای شوسه واساسی شهرضا عبارتند از راه شوسه شهرضا باصفهان بطول ۸۰ کیلومتر وراه شوسه شهرضا بدآباده بطول ۱۳٦ کیلومتر وراه عرابه رو شهرضا بسمیرم علیا بطول ۸۲ کیلومتر ضمناً از مرکز شهریه کلیه بخشها ودهات عمده تابعه راههای درجه سوم ساخته شده که تاحدی قابل استفاده وسائط نقلیه موتوری و کندرو میباشد .

معادن

نسبت به‌معادن شهرضا تاکنون تحقیقات علمی بعمل نیامده‌ولی تاآنجائیکه بطور اجمال‌از طرف مطلعین اظهار نظر شده از لحاظ معادن ومنابع تحت الارضی غنی میباشد از آنجمله معادن نمك طعام حسن‌آباد وینگ آباد ورامشه وبلوك جرقویه که مورد استفاده میباشد و رقم بزرك صادرات شهرضا میباشد معدن ذغال سنك شاه سیدعلی اکبر ، معدن سنك مرمر اسفندازان در شصت

کیلومتری ومعدن سرب کرویه در ۲۶ کیلو متری جنوب
که وسیله شرکت معادن استخراج میشود .

نقاط ییلاقی و گردشگاه ــ شهرضا از لحاظ مناطق
ییلاقی ونقاط خوش آب وهوا و گردشگاههای تابستانی
از اکثر شهرستانهای مشابه غنی تر و ازاین موهبت کاملا
بهره مند میباشد از آنجمله قصبه سمیرم علیا را میتوان
نام برد که بعلت وضع طبیعی محل ابنیه و ساختمانها
دردامنه کوه بنا شده ودر فصول سال مخصوصا بهارو
تابستان دارای مناظری بدیع وشاعرانه وهوائی فرح بخش
میباشد در گوشه و کنارش چشمه های بیشمار آب سرد
وخوشگوار که از ذوب برفهای قله های کوهها تولید واز
دل سنگ جاری میشود ودرختان انبوه مثمر وغیرمثمر و
سبزه ورياحين كه بالای كوه تادامنه صحرا را پوشانیده
وصدها آبشار بزرك و کوچك بارتفاعات مختلف که در برابر
اشعه خورشید و نورماهتاب منظره ای بس شگفت و تحسین
آمیز ودیدنی ایجاد مینماید همه ساله در بهارو تابستان عده
زیادی از اهالی شهرضا وحتی مردم نقاط دیگر برای تفریح
وهواخوری به آنجا میایند ، قصبات دهاقان ، اسفرجان
هونجان که اولی در ۲٤ کیلومتری ودومی در ۲٦ کیلو
متری وسومی در ٤۲ کیلومتری جنوب شهرضا واقع شده اند

بنوبه خود دارای آب وهوای سالم وانواع منسوجات بطور وفور وممتاز میباشند .

آثاروابنیه تاریخی

۱ ــ سد قتلغ شاه درتنك اسفرجان کــه درزمان سلطنت سلسله آل مظفر ساخته شده وهنوز آثار آن که باسنك وساروج ساخته شده باقی است ودرســالهای اخیر مورد توجه وزارت کشاورزی واقــع شده واز آن نقشه برداری شده وامید است اقدامات موثری از طرف دولت درباره آن بعمل آید .

۲ ـ صحن وبقعه وضریح امامزاده شاهرضا کــه بامر شاه اسماعیل صفوی بقعه آن ساخته شده ودرهمان ایام ازطرف حکام وامرای محلی دوصحن وسیع مستطیل شکل که اطراف آن غرفه‌هائی ساخته شده برای استفاده زائرین ایجاد گردیده وبدستور شــاه اسماعیل یك ضریح مفرغی برروی مزار امامزاده نصب گردیده که بعداً درعهد سلطنت ناصر الدین شاه قاجــار ضریح دیــگری از نقره وسیله بانو عظمی بآن اضافه شده وآئینه کاری داخل حرم وسیله شاهزاده مسعود (ضارم الدوله) انجام شده .

آرامگاه امامزاده شاهرضا دارای چهار درب منبت کاری بسیار نفیس ومذهب میباشد که از آثار دوره شاه

اسمعیل صفوی ویك مرتبه بدستور آقای مسعود میرزا مسعود تعمیر واز خرابی آن جلوگیری شده است .

۳ ـ کاروانسرای شاهرضا وزهجاورت صحن بزرك امامزاده شاهرضا که در عهد شاه عباس کبیر در نهایت استحکام بنا شده و تااین اواخر که حمل ونقل بوسیله چهارپایان انجام میگرفت مورد استفاده مکاریها و مسافرینی که از قسمت مرکزی کشور بجنوب میرفتند و بالعکس قرار میگرفت .

٤ مسجد جامع شهرضا که بظن قوی وباستنادلوحه کاشی کهدر مسجد کشف شده ودر روی آن پس از سوره جمعه باخط نسخ این جمله نوشته شده :

(ساخت درموضع قمیشه غیاث الدین جمشید ـ ابرقوئی فی سنه تسع وثلاثین سبع مائه ۷۳۹) از بناهای دوره سلاطین سلاحقهمیباشد باتوجه باینکه سبك ساختمان ومعماری مسجد بسبك معماری زمان سلجوقیان میباشد

٥ کاروانسرای مهیار در ۳٦ کیلومتری شمال شهرضا درسرراه کاروان روقدیم ودرمجاورت جاده شوسه کنونی که ازبناهای عهد شاه سلیمان صفوی و باکمال استحکام ساخته شده وفعلاچون مورد استفاده نیست واز آن مواظبت نمی‌شود روبویرانی است .

۶ گنبد وصحن امامزاده شاه سید علی اکبر در هیجده کیلومتری شمال شهرضا ودر قریه ای بمهین نـام که از ساختمانهای دوره صفویه ودارای گنبد کاشی کاری وضریح نقره ودرب ورودی منبت کاری میباشد .

۷ ــ مقبره سیده خاتون واقع دریك کیلو متری شرق شهرضا که محل تفریح وزیارتگاه بانوان میباشد وبطوریکه قبلا درتاریخچه شهرضا متذکر شد سیده‌خاتون همان زوجه شاه محمود بوده که بدست شوهـرش کشته شده ودراین نقطه دفن وبعداً برروی مـزار اوضریـح و گنبدی از کاشی ساخته‌اند .

۸ ــ منبر سنك سماق یك پارچه که درمسجد نو دربخش ٤ شهرضا میباشدواز آثار عتیقه ومـورد تـوجه - بشمار میرود .

جغرافیای سیاسی و اقتصادی

واجتماعی شهرستان شهرضا

شهرستان شهرضا به‌بخش داخلی شامل شهرشهرضا وسه بخش خارج سمیرم بالا ـ سمیرم پائین و بخش‌حومه تقسیم میشود که هر کدام بطور مفصل شرح داده میشود

۱ ـ بخش مرکزی شهر شهرضا مرکز شهرستان سرراه اصفهان بشیراز واقع شده از مشرق به‌کوه دمبه لار که درقله این کوه آثار سنك‌چین دیده میشود ازمغرب به‌کوه شترمهران‌وازشمال به امامزاده شاهرضا واز جنوب به اسفه سالار محدود میشود بطول ۵۱ درجـه ۲ دقیقه ـ شرقی وعرض ۳۲ درجـه و۵۷ دقیقه شمالی نسبت به نصف النهار گرینویچ ارتفاع آن ازسطح دریـا ۱۶۱۶ مترو ـ اختلاف ساعت آن باتهران درحدود ۳۲ ثانیه ، مسافـت آن تا اصفهان‌مرکزاستان‌ده ۸۰ کیلومتر و تا آباده از ـ استان ۷ فارس ۱۳۲ کیلومتر است طول شهر درحدود۲/۵ کیلومتر وعرض آن درحدود ۱۷۰۰ متراست بطور تقریب دارای ده هزار خانه میباشد ، هـوای شهرضـا سرد سیر ، تابستان آن معتدل وزمستان آن سـرد است ، آب ـ آشامیدنی اهالی ازچاههای بعمق ۱۵ تا ۲۰ متر تـامین میشود وعموماً دارای املاح گچی میباشد جمعیت شهر

بالغ بر ۲۹۸۷۵ نفر وزبان مادری آنها فارسی و مذهب اهالی عموماً شیعه اثنی عشری میباشد.

ب ـ محصولات کشاورزی ودامی : شغل عمده اهالی شهرضا زراعـت ومحصولات عمده آن عبارتست از گندم جوو بقولات وجوزق‌وحبوبات و میوجات مخصوصا انگور کـه محصول عمده راتشکیل میدهـد میباشـد واغلب باغستانهای آنها معنب و انگور شهرضـا درنوع خودممتاز است ، سابقا کشت تریاك معمول بـود وجـزء ارقام بزرك صادراتی شهر بشمار میرفت ولی اکنون کشت نمیشود

سایر میوجات سرد سیری از قبیل‌زرد آلو ، هلو ، بادام بمقدار کم یافت میشود درشهرضا گوسفند و گـاو ومرغ خانگی تربیت میشود وهـوای شهر بـرای تـربیت زنبور عسل مساعد وعده کمی کندوی زنبور عسل نیز یافت میشود از حیوانات وحشی گربه ، گرك پیدا میشود

آب یاری ـ آبیاری‌درشهرضا بطور کلی بـوسیله‌چندرشته قنات انجام میگیرد ومقدار آب موجود نسبت به اراضی کم وازاین لحاظ کشاورزان درمضیقه‌وچون منبع دیگری از قبیل رودخانه وغیره یافت نمیشود اخیراً باحفر چند حلقه چاه عمیق وموتوری تاحدی آب زراعتی را تامین نموده ، قنوات معروف شهرضا یـکی قنات فضل آباد کـه

مظهر آن در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر و تقریبا دارای
هشت سنك آب میباشد دیگر قنات های دست قمشه ، ـ
شریف آباد ، سودآباد ، موغان ، مهرقریه کـه اراضـی
زراعتی را مشروب میسازد ، مـدار تقسیم آب بتفاوت از
۸ روز تا ٦ روز واخیراً دوحلقه چاه‌عمیق از طرف‌شهرداری
درمرکـز وجنوب شهر حفر شده کـه آب آنها بمصرف
باغچه های شهر میرسد به‌اراضی مزروعی شهرضا باید همه
سـاله کود داده شود واستعداد کافی برای تربیت درخت
ندارد .

آفات نباتـی آن عبارتند از شته ، سیاه بـور مو ،
پاشله حوزن برای شخم زمینهای زراعتی از گـاو آهـن
های قدیمی وبیل دستی استفاده میشود در سالهای اخیر
شرکت تعاونی روستائی تأسیس گردیده .

مصنوعات ماشینی ودستی شهرضا

شهرضا دارای یك کارخانه ریسندگی بنام کارخانه
ریسندگی اتحاد شهرضا که سهامی ودر شمال خیابان ـ
خیام جنب فلکه اولی شهر واقع شده ودارای ٦۰۰۰ دوك
ریسندگی ودرحدود ۵۹٦ نفر کارگر است محصول کار ـ
خانه نخ نمره ۲۰ و ۱۰ خام که صادر میگردد و اخیراً
دودستگاه ماشین چوب بری وسیله دونفر درود گران

شهرضائی وارد شده که مورد استفاده میباشد ، از صنایع دستی پارچه بافی ، تهیه تحت گیوه ، تفل سازی ، نجاری چرم سازی ، کفش سازی ، قالی بافی و چیدن رویه گیوه که وسیله زنان انجام میگیرد میتوان نام برد . شهرضا دارای کارخانه های صابون پزی وکارخانه تهیه کوزه های سفالین وچند باب کارخانه روغن منداب گیری میباشد .

بازار صادرات ، واردات :

بازار شهرضا ار گوشه شرقی فلکه مرکزی شهر شروع وپس از تقریبا ۱۰۰ متر بطرف مشرق بطرف جنوب منحرف بطول ۲۰۰ متر در این محل چهار سوقی که یك شعبه بطرف جنوب وشعبه دیگر بطرف مشرق میرد وبجاده قدیمی شیراز ختم میگردد وجود دارد ، عرض بازار بتفاوت ازسه تا چهارمترو سقف ها آجری وخشتی وچوبی که روزنه هائی درآن تعبیه شده درطول بازار کاروانسرا وتیمچه های چندی است که محل انبار اجناس صادراتی ووارداتی وحجره بازرگانان میباشد دکاکین محل خرید وفروش اجناس خواربار ، قماش ، قند و چای ولوازم منزل وخرازی وتهیه کفش مرکزفروش وخرید قالی وپشم وپوست وروغن وسایر اجناس میباشد ، صادرات

عمده کشمش ، خشکبار ، روغن ، پشم ، پوست ، قالیچه وقالی ، جاجیم ، صابون ، گیوه ، حبوبات ، کتیرا ، کلاف خام ، پنبه وواردات عمده عبارتند از قند ، چای لوازم ماشینی ، قماش نخی وپشمی

توضیحا اینکه کتیرا وپشم وقالی جزو ارقام بزرك صادراتی است .

بانك ها

درشهرضا دو بانك یکی شعبه بانك ملی که معاملات عمده تجار بوسیله این بانك انجام میگیردودیگر بانك کشاورزی که وامهائی بکشاورزان بمدت های معین و شرایط مخصوص میدهدوجود دارد .

وضعیت شهری

اکثر خانه‌های مسکونی شهرضا قدیمی وبوسیله خشت وسقف آنها خشتی ویاچوبی میباشد فقط تعدادی ساختمانهای جدید الاحداث که اخیرا در شمال شهر بنا شده نمای آنها آجری ولی بطور کلی درساختمان‌ها مراعات بهداشت نشده جهت ساختمان منازل اغلب رو بجنوب ویارو بمشرق میباشد. در شهرضادوخیابان بزرك شمالی وجنوبی وشرقی وغربی احداث شده که اولی بنام خیابان خیام تقریبا بطول دو کیلو متر اسفالته میباشد و

راه اصفهان به شیراز از همین خیابان عبور مینماید منتهی الیه جنوبی خیابان خیام اخیراً خیابانی احداث و بنام خیابان رضا پهلوی نامگزاری شده این راه شهرضا را بسمیرم علیا اتصال میدهد خیابان شرقی و غـربی بطول تقریباً ۱/۵ کیلـو متر و عـرض ۱۲ متر میباشد ایـن خیابان اسفالته و ازمیدان ششم بهمن که در مرکز شهر قرار گرفته بسمت مغرب بنام خیابان بوستان نامیده شده این خیابان شهرضا را به بروجن بختیـاری اتصال میدهد قسمت شرقی بنام خیابان گلستان نامگزاری شده است ساختمانهای طرفین این خیابانها عموماً یك طبقه و منحصراً چند باب ساختمان دو طبقه احداث گردیده است کلیه گاراژ ها اعم از مسافربری و باربری و میهمانخانه و کافه های شهر در مسیر این دو خیابان واقع است از ابتداء خیابان خیام تا انتهای جنوبی شهر دو فلکه احداث شده است که فلکه مرکزی شهر بنام روز تاریخی ششم بهمن بهمین نام نامگزاری شده و از لحاظ علاقمندی مردم و برای اداء حقشناسی در میدان مرکزی شهر مجسمه تمام قد وایستاده اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی زینت بخش میدان است ودر اطراف آن دو حوض ودو باغچه گل ترتیب داده شده است در میدان مرکزی یك چاه عمیق حفر

شده که مورد استفاده اهالی است. در شمال شهر خیابان
شرقی وغربی احداث گردیده و بنام خیابان کیان نامگزاری
شده این خیابان بدون توجه باصول فنی و رعایت احتیاج
مردم از نظر رفت و آمد احداث شده [١] است خیابان چهل
متری که بنام خیابان دور شهر مشهور و فعلا در دست
ساختمان است خیابان کوچك دیگری در مدخل شهر
قسمت شمالی بنام خیابان اردیبهشت احداث گردیده است.
غیر از خیابانهای نامبرده فوق خیابان اساسی دیگری در
شهرضا وجود ندارد امیداست با توجه بلزوم دو خیابان شرقی
و غربی در طرفین فلکه ششم بهمن اولیاء امور نسبت با نجام
آن اقدامات لازمه را معمول دارند کلیه بخش های شهر
بوسیله کوچه‌های ناهموار و تنك وغیر مستقیم بایکدیگر
ارتباط دارند از طرف شهرداری باغی را در مدخل شهر
محصور نموده و با نصب چند دستگاه نیمکت وغرس چند
اصله درخت بنام باغ ملی شهر نامگزاری نموده‌اند. شهرضا
از لحاظ گرمابه های عمومی وضع بسیار نامطلوبی دارد
با اینکه متجاوز از ٣٠ باب گرمابه عمومی در شهرضا دایر
است هیچیك از آنها با اصول بهداشتی مجهز نیست در
مرکز شهر از طرف اداره همکاریهای فنی اصل چهار یکباب
حمام دوش مدرن ساخته ومورد استفاده قرار گرفته در سالهای

۱۳٤۲ و ۱۳٤۳ از طرف شهرداری اقدام بساختمان دو باب حمام مدرن با آخرین اصول بهداشتی در منتهاالیه خیابان خیام مسیر راه شیرازودر خیابان بوستان سرراه شهرضا بروجن احداث که تا حدی رفع نیاز عمومی را مینماید شعبه شرکت نفت ملی ایران و انبار نفت وبنزین شهرضا در سر راه اصفهان به شهرضا در قسمت شمال شهر جنب کارخانه ریسندگی شهرضا واقع گردیده است از طرف شهرداری سه باب رختشویخانه در سه نقطه شهر دائر گردیده است کشتارگاه شهر درمحل یك کیلو متری شهر در قسمت شرقی ایجاد شده ولی این کشتار گاه بدون رعایت اصول بهداشتی واحتیاجات روز ساخته‌شده ازطرف شهرداری جهت تغییر آن اقداماتی صورت گرفته است

ادارات دولتی وموسسات وابسته بدولت. شهرضا مرکز فرمانداری است فرمانداری شهرضا در ساختمان متعلق به شهرداری در قسمت خیابان خیام شمالی واقع ساختمان آن دولتی و باشهرداری شهرضا توأماً ازاین محل استفاده میگردد ۲ـ اداره ژاندارمری در مشرق شهرضا واقع ساختمان آن دولتی وقدیمی ساز است ۳ ـ دادگستری شهرضا درخیابان کیان واقع ومحل آن استیجاری است ٤ـ اداره ثبت اسناد در خیابان خیام شمالی و ساختمان آن استیجاری است

اداره دارائی در خیابان خیام شمالی ساختمان آن دولتی و
با اسلوب صحیح و با توجه باحتیاجات شهر ساخته شده
است ۵ ـ اداره کشاورزی در خیابان خیام ساختمان آن
استیجاری است ۶ ـ اداره آموزش‌وپرورش درخیابان خیام
شمالی محل آن استیجاری است ۷ ـ اداره اوقاف‌درخیابان
کیان واقع ومحل آن استیجاری میباشد ۸ ـ اداره آمار
وثبت احوال در خیابان خیام شمالی محل آن استیجاری
۹ ـ اداره بهداری در خیابان بوستان ساختمان آن دولتی
است ۱۰ ـ اداره شهربانی درخیابان‌خیام‌جنوبی‌و محل‌آن
استیجاری است ۱۱ ـ اداره تربیت بدنی ۱۲ ـ اداره‌پست
وتلگراف ۱۳ ـ شعبه‌ا بانك ملی ایران ۱۴ ـ شعبه بانك
صادرات ۱۵ ـ بانك رهنی ۱۶ ـ اداره ریشه کنی ومالاریا
۱۷ ـ اداره قندوشکر وانحصار دخانیات ۱۸ ـ اداره‌بهداری
آموزشگاهها ۱۹ ـ شعبه مخابرات تلفنی ۲۰ ـ درمانگاه
۲۵ شهریور ۲۱ ـ دوباب دفترخانه اسناد رسمی ویك دفتر
خانه ازدواج وطلاق ۲۲ ـ مرکز شیروخورشید سرخ‌ایران
در شهرضا

بیمارستان و امور بهداشتی

شهرضا دارای یك باب بیمارستان ۴۰ تختوابی می‌باشد
که در ضلع شمالی خیابان بوستان واقع شده ساختمان آن

دولتی ودرزمین قبرستان متروکه بنا گردیده بیمارستان
ازهرجهت مجهز بوسائل لازم میباشد فعلا دارای پنجنفر
دکتر که دررشته های امراض عمومی ودندانپزشکی و
امراض اطفال وحلق وبینی تخصص دارند انجام وظیفه
مینمایند یکنفر قابله وسه نفر پزشگیار وعده‌ای پرستار
درکادر بیمارستان بانجام وظیفه اشتغال دارند ضمیمه بیمارستان
درمانگاه عمومی میباشد که دارای داروخانه و به بیمارستان
داروی را یگان داده میشود بیمارستان مجهز بدستگاه
رادیولژی ورادیو گرافی بوده علاوه بر بیمارستان که از
هرحیث درانجام خدمات عمومی بنحو شایسته‌ای آماده
گردیده ساختمان یکباب درمانگاه در خیابان خیام
جنوبی آماده بهره برداری گردیده که بیاد بود بیست و
پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایونی بنام در مانگاه
۲۵ شهریور نامگزاری گردیده است

درشهرضا سه باب داروخانه یکی درفلکه مرکزی
ششم بهمن ویکی درخیابان خیام شمالی ودیگری درخیابان
خیام جنوبی دایراست مطب آزاد پنج باب ودندانپزشگی
یکباب ودندانسازی ٦ باب دائر میباشد

تشکیلات اداری آموزش وپرورش شهرضا ـ عبارتند
از دایره کارگزینی ـ دایره بازرسی دایره تعلیمات متوسطه

وابتدائی دایره سپاه دانش، تعلیمات روستائی وسالمندان وسازمان جوانان شیر وخورشید سرخ دایره حسابداری شامل ساختمان ـ حقوق ـ اموال ـ کارپردازی تحویلداری دایره دبیرخانه واطلاعات دایره تربیت بدنی ـ پیشاهنگی بایگانی و کتابخانه وبهداری آموزشگاهها درکادراداری آموزش وپرورش شهرضا ۳۸ نفر کارمند و ۱٤ نفر خدمتگزار انجام وظیفه مینمایند تشکیلات آموزشی شهرضا و توابع درشهرستان شهرضا جمعاً سه باب دبیرستان پسرانه ودو باب دبیرستان دخترانه دایر است که جمعاً ۹۹۵ نفر پسر و ۲۵۱ نفر دختر در آنجا بادامه تحصیل اشتغال دارند در بخش های تابعه و دهات شهرضا چهارباب دبیرستان سیکل اول دایر است که جمعاً دارای ۲۵۵ نفر دانش آموز پسر میباشد در داخله شهرضا ۱۳ باب دبستان پسرانه و ٦ باب دبستان شش کلاسه دخترانه دائر است که تعداد ۳۲٦۷ نفر پسر و ۱۳۰۹ نفر دختر در دبستانهای داخلی شهر و تعداد ۵۰ باب دبستان پسرانه و دخترانه در دهات و بخش های تابعه شهرضا دائر میباشد که جمعاً ۱۰۱۵۱ نفر دانش آموز پسر و دختر در دهات و شهر بتحصیلات ابتدائی اشتغال دارند یکباب هنرستان صنعتی که دارای شعب بنائی درودگری ـ مکانیکی ـ فلز کاری میباشد و تعداد ۷۲ نفر

هنرجو در دو کلاس چهارم و پنجم آن مشغول فرا گرفتن امور حرفه‌ای بوده و همچنین یکباب کودکستان ملی با ۳۶ نفر کودك در مرکز شهر میباشد که از اول سال تحصیلی ۴۴ ـ ۴۵ زیر نظر مربی کلاس دیده تأسیس شده است عده کل دبیران و آموزگاران اعم از رسمی و پیمانی وروزمزد که در کادر اداری و آموزشی شهرضا بخدمت اشتغال دارند ۶۴۱ نفر میباشد که از این عده ۴۵ نفر مهندس ـ فوق‌لیسانس ولیسانسیه بوده وبقیه دارای مدرك دیپلم یا کمتر میباشند که در مراکز مشروحه زیر بامر تعلیم وتربیت اشتغال‌دارند

۱ ـ دبیرستان سپهر دارای دوره کامل شعبه طبیعی واقع در خیابان خیابان‌خیام شمالی ساختمان آن دولتی و با خشت آجر در سال ۱۳۱۴ شمسی بنا شده دارای‌دوفضا وسالن و سن ومیدان ورزشی‌اسفالته ومجهز بآزمایشگاه فیزیك شیمی ـ طبیعی و یکباب کتابخانه ضمیمه دبیرستان میباشد تعداد ۴۹۱ نفردانش آموز پسر در این دبیرستان سرگرم تحصیل‌میباشند

۲ ـ دبیرستان نظام وفا دارای دوره کامل‌شعبه‌ادبی واقع در بخش شمال غربی‌شهر ساختمان آن دولتی و با خشت و آخر در سال های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ در اراضی

واگذاری شهرداری بفرهنگ ساخته شده دارای دوفضا ومیدان ورزشی اسفالته وسالن وآزمایشگاه فیزیك وشیمی ویك کارگاه مجهز وکتابخانه میباشد تعداد۲۲۹ نفر دانش آموز پسر دراینددبیرستان سرگرم تحصیل – میباشند

۳ ـ دبیرستان سعدی دارای دوره کامل شعبه ریاضی واقع درخیابان خیام جنوبی اول خیابان رضا پهلوی – ساختمان آن دوطبقه وبنای آن باآجرآهن وسیمان ساخته شده از هرجهت درقسمت ساختمان رعایت اصول بهداشتی بعمل آمده است این ساختمان درزمین موقوفه مرحوم ملك ازطرف بانك ساختمانی باتمام رسید دارای یك فضا وکارگاه فنی آزمایشگاه فیزیك وشیمی وطبیعی دارای میدان ورزشی اسفالته میباشد دراینددبیرستان تعداد ۱۷۵ نفر دانش آموز پسرسرگرم تحصیل هستند دبیرستان سعدی قبلا دریك ساختمان استیجاری درسال ۱۳۳۲ تاسیس ودرسال ۱۳۳۵ بمحل فعلی منتقل شد

٤ ـ دبیرستان دخترانه آذرمیدخت در خیابان خیام شمالی واقع دارای دوره کامل طبیعی ساختمان آن از محل صدی پنج عوارض شهرداری درمحل موقوفات نواب ساخته ساختمان دبیرستان مجهز بتمام وسائل ودارای ۱٦٤

نفر دانش آموزدخترمیباشد در اول سال تحصیلی ٤٤ـ٤٥
دبیرستان دخترانه ٢٥ شهریور درمحل استیجاری با ٨٧
نفر دانش آموز درسه کلاس تأسیس شده

٥ ـ هنرستان صنعتی اول خیابان کیان واقع
ساختمان آن درسال ١٣٢٣از طرف فرهنك انجام گرفته
دارای دو میدان وکارگاههای مجهز میباشد هنرستان
فعلا دارای دو کلاس بوده وتعداد ٧٢ نفر هنرجودرشعب
مختلف فلزکاری ـ بنائی ـ آهن تراشی و اتومکانیك
بتحصیل اشتغال دارند

٦ ـ دبستان خیام واقع در خیابان خیام جنوبی
ساختمان آن از خشت وآجر متعلق بدولت درسال ١٣١٤
بناشده ایندبستان قبلا بنام دبستان دولتی نمره ٥ نامیده
میشد واولین دبستانی است که در شهرضا دائر گردیده
است در دبستان خیام تعداد ٣١٢ نفر دانش آموزپسردر
کلاسهای اول تا ششم ابتدائی به تحصیل اشتغال دارند

٧ ـ دبستان کیان درساختمان استیجاری ودارای
٥٠٥ نفر دانش آموز میباشد

٨ ـ دبستان حکیم اسدالله واقع دربخش دوشهرضا
ساختمان آن خشتی متعلق بدولت دارای ٢٠٣ نفردانش
آموزاست

۹ ـ دبستان معین‌زاده در شمال‌شرقی شهرضاواقع ساختمان آن خشتی و آجری ودر سال ۱۳۳۳ از محل صدی‌پنج شهرداری ساخته شده‌دارای ۲۱۱ نفردانش‌آموز میباشد

۱۰ ـ دبستان حکیم‌صهبا دربخش‌شمال‌غربی جنب دبیرستان نظام‌وفا واقع‌است ساختمان آن‌ازطرف‌شهرداری جهت ایجاد نوانخانه ساخته شد و سپس باداره فرهنك واگزار گردیده‌این‌دبستان‌دارای ۲۵۲ نفر دانش آموز پسره‌میباشد

۱۱ ـ دبستان ملك‌درشمال‌غربی‌شهرواقع ساختمان آن یك طبقه با آجر وسیمان وآهن در سال ۱۳۳٤ از طرف بانك ساختمانی ساخته شده ساختمان آن طبق‌اصول بهداشت و دارای ۲۹۵ نفر دانش آموز پسر میباشد

۱۲ ـ دبستان مهرگان دربخش‌جنوب شرقی واقع ساختمان آن یك طبقه کاملامجهز وطبق اصول بهداشتی و از آجر آهن سیمان میباشد این‌دبستان ازمحل‌صدی پنج شهرداری ساخته شده‌ودارای ۲۷۱ نفر دانش آموز پسر میباشد

۱۳ ـ دبستان ۲۵ شهریور که ساختمان آن طبق اصول بهداشتی وکاملا مجهزاست ازمحل‌عوارض‌شهرداری

در منتها الیه جنوبی شهر ساخته شده ودر روز بیست وپنجم شهریور ۱۳٤٤ بمناسبت بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایونی افتتاح ونامگزاری گردید این دبستان دارای ۲٥٦ نفر دانش آموز پسر میباشد

۱٤ ـ دبستان آزرمیدخت دخترانه دارای ۳۰۷ نفر دانش آموز ساختمان آن دولتی وازهرحیث مجهزدر خیابان خیام شمالی واقع است دبستانهای بوستان پسرانه با ۲٥۰ نفر دانش آموز و تاج‌الدین پسرانه با ۱۸٥ نفر دانش آموز خواجه نصیر پسرانه با ۲٦۰ نفر دانش‌آموز فضل‌آباد پسرانه با ۲۱۱ نفر دانش آموز رأفت دخترانه با ۲۱۸ نفر دانش آموزشهناز پهلوی دخترانه با ۲٦۸نفر دانش آموز فردوسی دخترانه با ۷۹ نفر دانش آموز گلستان دخترانه با ۲۰۹نفردانش آموز ودبستان‌دخترانه ششم بهمن که بمناسبت روز تاریخی ششم‌بهمن روزانقلاب شاه وملت نامگزاری گردیده دارای ۲۱۸ نفردانش‌آموز دختر میباشددبستانهای‌فوق‌الذکر عموماًدر محل‌استیجاری ودر نقاط مختلف شهر واقع است

۱٥ ـ دبیرستان کشاورزی درسه کیلو متری جنوب شهرواقع‌ساختمان آن آجری‌وخشتی‌ازطرف‌اداره‌همکاریهای فنی اصل چهار در سال ۱۳۲۲ ساخته شده ومتعلق بدولت

میباشد دارای چهار هکتار زمین مزروعی وموتور و کلیه
وسائل کشاورزی وپرورش طیور میباشد با اینکه منطقه
شهرضا کشاورزی و دانش آموزان دارای استعداد کافی
میباشند متاسفانه دراثر عدم توجه اولیاءِ فرهنك اینموسسه
عام‌المنفعه در سال ۱۳۳۸ تعطیل وفعلا بصورت یك‌ساختمان
متروك در آمده

۱۶ ـ آموزشگاههای تابعه بخش های خارج شهر
در موقع ذکر نام قراءِ وقصبات هربخش با تعداد دانش
آموز ونوع آن ذکرخواهدشدمدارس قدیمهو مکاتیب .
شهرضا از قدیم الایام مهدعلمودانش بوده‌دانشمندان‌بزرگی
را پرورش داده که در بخش دانشمندان وبزرگان‌شهرضا
شهرضا با اسناد و مدارك بمعرفی آنان اقدام میگردد در
حال حاضر در شهرضا دوباب مدرسه قدیمه یکی حسینیه
سادات در بخش‌جنوب غربی اول خیابان گلستان ودیگری
بنام اقدمیه دربخش شمال غربی‌دائر است که عده‌ای از
طلاب علوم دینیه بالغ بر هشتاد نفر به تحصیل و کسب
دانش زیر نظرمدرسین بزرگوار به‌تحصیل اشتغال دارند
کلاسهای بزرگسالان در شهرضا وتوابع تعداد۵۸
کلاس جهت بزرگسالان و مبارزه با امر بیسوادی دائر
است که تعداد۱۴۸۴ نفر در کلاسهای مزبورسر گرم تحصیل

شبانه هستند

بهداری آموزشگاهها ـ تحت نظر یك نفر دکتر و یکنفر پزشکیار بامور بهداشتی آموزشگاههای داخلی شهر رسیدگی مینماید تربیت بدنی ـ دایره تربیت بدنی شهرضا تحت نظر رئیس انجمن تربیت بدنی و دارای یکنفر مدیر فنی پنجنفر مربی ورزش میباشدو بامور تربیت بدنی و تفریحات سالم و تنظیم مسابقات دانش آموزان رسیدگی مینماید در شهرضا یك باب سالن ورزشی مجهز در قسمت شمالی شهر و یك باب کلوب ورزشی در منتها الیه جنوبی شهر دائر میباشد درسه کیلومتری جنوب شهردر سرراه شهرضا به سمیرم یك قطعه زمین به مساحت سی هزارمترمربع جهت ایجاد استادیوم ورزشی اختصاص داده شد که تا کنون نسبت به محصور نمودن آن اقدام شده وسایر قسمتهای ساختمانی آن دردست اقدام است پیش آهنگی . امور پیش آهنگی زیرنظر یکنفرمدیر فنی و پانزده نفر مربیان پیش آهنگی درکلیه آموزشگاههای شهرضا دائر میباشد

شیروخورشید سرخ شهرضا

موسسه عام المنفعه شیروخورشیددر سال ۱۳۳۰ دریك ساختمان استیجاری در بخش شمال شرقی شهرضا دائر و شروع بکار نمود از بدو تأسیس هیئت مدیره و اعضاء این سازمان با فعالیت وعلاقه زائدالوصفی درکلیه اموراجتماعی شروع

بکار نموده و بالنتیجه شیر و خورشید مرکزی با توجه بعلاقه واقدامات هیئت مدیره و اعضاء این سازمان اقدام بساختمان شیرو خورشید در شمال شهر نموده ساختمان شیروخورشید که ازسال ۱۳۳٤ رسماً فعالیت خودراشروع نموده دارای ساختمان بسیار مجهز و آبرومند دارای مرکز اداری است که درکلیه امور عام‌المنفعه و خیریه مخصوصاً درمواقع بروز حوادث و سوانح بکمك آسیب دیدگان میپردازد شیروخورشید سرخ شهرضا دارای موسسات درمانی از قبیل بخش حمایت‌مادران و کودکان اندرزگاه زایشگاه خانوادگی است که زیر نظر یکنفر نرس ماما و دونفر پزشك یك بهیار و ٥ نفر کمك‌پرستار اداره میشود روزانه متجاوز از ۲۰۰ نفر بیماران مستمند بطور رایگان با داروی مجانی معالجه میگردند یکباب زایشگاه چهل تختخوابی ضمیمه به بخش اورژانس و درمانگاه عمومی در دست ساختمان‌است که دراواسط سال ۱۳٤٥ تمام‌و شروع بخدمات اجتماعی مینماید

روزنامه‌ومجله

از سال ۱۳۲۰ به بعد عده‌ای‌ازروشنفکران شهرضا در صدد گرفتن امتیاز روزنامه‌برآمده‌وامتیازپنج‌روزنامه به اسامی ندای شهرضا ـ طلایه امید ـ بهبود ـ شکوه

شهرضا وشهرضا . بمسئولیت پنجنفر ازاهالی شهرضا صادر
وهر یك مدتی کوتاه بطور هفتگی چاپ و منتشر میشد
باستثنای روزنامه ندای شهرضا که بمدیریت آقای مهدی
مولائی تاکنون بطور هفتگی چاپ و انتشار میباید بقیه
در محاق تعطیل افتاده‌است روزنامه ندای شهرضا زیر
نظر هیئت تحریریه چاپ و در خدمت فرهنگی و بیان
احتیاجات مردم شهرضا مشناً خدماتی میباشد

چاپخانه

در شهرضا فقط یك موسسه مطبوعاتی بنام چاپخانه
ندای شهرضا بمدیریت آقای مهدی مولائی دائرمیباشد
که‌درسال ۱۳۳۰ تأسیس‌و مجهز بماشین‌های‌مدرن میباشد

وسائط نقلیه

بعلت موقعیت جغرافیائی شهرضا و واقع‌شدن آن
درسر راه اصفهان ـ شیراز ـ سمیرم علیا ـ بروجن
بختیاری و مرکزیت داد و ستد ایل قشقائی در شهرضا
و وجود راههای اسفالته امر مسافر بری و حمل کالای
تجارتی رونق بسزائی دارد از اینرو درشهرضا چهارباب
گاراژ مسافربری بنام گاراژ نادری ـ مسافربر شاهی
(اتوتاج) گاراژ خراسان مسافر بری دانش میباشد که
وسائل نقلیه آن‌عبارت است از اتوبوس‌وماشین های‌سواری

که در راه اصفهان شهرضا و سمیرم علیاودهاقان و بروجن ایاب وذهاب مینمایند گاراژهای باربری گلابی ـ دانش شاهی ـ طیاره ـ باغملی در امر حمل کالاهای تجارتی از شهرضا بکلیه نقاط ایران در رفت و آمداست در داخله شهر چند دستگاه درشگه و چند دستگاه ماشین سواری وسیله ایاب وذهاب مردم میباشد

مسافرخانه واماکن عمومی

در خیابان خیام شمالی یکباب هتل بنام هتل پارك در ساختمان دو طبقه تاسیس گردیده که دارای ۳۰ دستگاه تختخواب و نسبتاً مجهز میباشد یکباب مسافرخانه بنام مسافرخانه خیام نزدیك فلکه ششم بهمن دائر است که دارای ۲۰ دستگاه تختخواب میباشد درشهرضا ۸ باب کافه دائر است که منحصراً محل پذیرائی ازمسافرین و رانندگان کامیون هائیست که ازشمال ایران بسمت جنوب یا بعکس مسافرت مینایند در شهرضا کافه و رستوران که مرکز اجتماع مردم شهر باشد وجود ندارد واصولا مردم شهرضا چندان تمایلی برفتن در کافه ورستوران ندارند در شهرضا یکباب سینما بنام سینمابهار با مسؤلیت آقای دانشپور دانش تأسیس گردیده است .شهرضادارای مساجد وتکایای زیادی است که معروفترین آنها مسجد جامع

در اول بازار میباشد وضع ساختمانی آن دلالت برقدمت ساختمان دارد واحتمال‌میدهد در زمان سلاطین سلاجقه این بنا با تمام رسیده باشد مسجد خان و مسجد آقامین وتکیه‌خان در بخش یك و مسجدوتکیه‌محل آقادر بخش ۲ مسجد خواجه‌خضر ومسجد مطیعی‌در بخش‌چهار میباشد درمسجد نوشهرضا یکعددمنبر سنگی برنك قهوه‌ای‌موجود است که از لحاظ ساختمان ونوع سنك‌قابل توجه‌است

وضع اجتماعی‌واخلاقی

مردم شهرضا عموماً مردمی با عزم و اراده فعال و دارای پشتکار ودر کلیه اعمال خود ساعی‌و درستکارمیباشند در امور زندگی مقتصد و صرفه‌جوبی اندازه مآل‌اندیش و علاقمند بزندگی آرام‌همراه بافعالیت هستندعموم‌مردم رغبتی تمام بمداخله و مباحثه درامور سیاسی شهر دارند در تفسیر وقایع و مطالب روزنامه بسیار محافظه کار و خوشبین هستند به سنن وشعائر مذهبی پای‌بند ودردوماهه محرم وصفر دراکثر منازل وتکایا و مساجد روضه‌خوانی ومجالس وعظ و خطابه دائر وعموماً در اینگونه‌جلسات شرکت مینمایند علاقه بخانه وخانواده‌وحب وطن‌بمعنای کامل از صفات بارز مردم‌شهرضاست محیط‌خانه‌وخانواده را بهترین مهد آسایش میدانند تفریحات عمومی مردم

منحصراً دید و بازدیدهای خانوادگی میباشد برفتن کافه و رستوران واز این قبیل سر گرمیها علاقه‌ای ندارند و از اینجهت اماکنی از این نوع تا کنون درشهرضا دائر نشده است محل اجتماعات منحصراً مساجدومجالس وعظوخطابه است اکثریت مردم علاقه‌ای زائدالوصف بزیارت بیت‌الله و عتبات عالیات و زیارت حضرت ثامن‌الائمه دارند محل تفریح‌خانوادگی‌مردم در ایام تعطیل باغات‌مجاور شهر و زیارتگاههای شهرضامیباشد زندگی خانوادگی‌در شهرضا برپایه اشتراك مساعی بین افرادخانواده‌است وزن شهرضائی شوهر خودرا تنها پناهگاه و ملجا خود میداندضرب‌المثل شوهر خدای کوچك خانواده‌است درشهرضا ساری میباشد طلاق وجدائی درشهرضا کمتر صورت میگیرد و بطور یقین از اینجهت شهرضا مقام اول را حائز است عقیده زنان شهرضائی براینست که باچادر بخانه شوهرمیروموبا کفن خارج‌میشوم زنان شهرضائی عموماً بامر خانه داری اشتغال دارند و درامور اجتماعی کمتر شرکت مینمایند مردم شهرضا کنجکاو و در کلیه امور رقابت و هم چشمی دارند امر ازدواج در شهرضا همراه با مقررات مخصوص وتوام با مخارج سنگین‌ومهریه نسبتاً زیاداست بعلت آشنائی مردم با یکدیگر مراسم تسییع جنازه وبر گزاری‌مجالس

ترحیم با شرکت اکثریت مردم انجام میگردد

دانشمندان شهرضا

شهرضا ازقدیم الایام مهدعلم ودانش بوده ودانشمندان وعلماء بزرگی را در دامن خودپرورش داده بطوریکه صیت شهرت وآوازه علم ودانش آنها درسراسر ایران موجب شده که علماء ودانشمندان قمیشه را یونانچه ایرانش خوانده‌اند اینك شرح حال علماء و دانشمندان ایران علاوه از استفاده مدارك واسنادیکه درفهرست مأخذ استفاده شده بااستفاده از رساله تحصیلی همکار محترم آقای سنجری بشرح زیر نوشته میشود

ابوبکر قومسی

بطوریکه‌درسالنامه فرهنگی شهرضاصفحه ۷ آمده است ازفلاسفه متقدم بایستی ابوبکر قومسی را نام برد (مولف کتاب تاریخ الحکماء می‌نویسد قومس نام قریه ای از حوالی اصفهان است) صاحب قاموس در تفسیر می‌نویسد (قریه الاصفهان) تاریخ تولدووفات وی نامعلوم ولیکن ابوحیان توحیدی درباره اومی نویسد ابوبکر قومسی را دیدم با آنکه دریائی بود بی پایان ومشغول تاپایان درغایت فقر وفلاکت . بنابر آنکه دررساله آقای سنجری آمده معلوم نیست که نامبرده ازمردم شهرضا

باشد وممکن است مشارالیه از مردم قومس از توابع
خراسان باشد

ملامصطفی قمیشه‌ای

فرزند حاج عبدالله ازحکمای بزرك ومشاهیر عصر
خود بوده تاریخ تولد او صریحا معلوم نیست لکن چون
شهرت وآوازه وی در آغاز دوره قاجاریه بوده است لذا
می‌توان حدس زد که درزمان سلطنت کریم خان زند
متولد شده ودر اوائل سلطنت قاجاریه دراوج شهرت
میزیسته وبخصوص دردربار آغامحمد خان قاجار تقرب
خاصی داشته ومشهور است که علت تقربش بآن جهت
بوده که بسوال یکی ازعلماء اهل سنت که سایر فضلا
ودانشمندان درجواب آن عاجز مانده پاسخ مقنع میدهد
وشاه قاجار دروصیت نامه خود می‌نویسد که پس ازمرك
جنازه او بوسیله ملامصطفی به نجف اشرف انتقال یابد
در این باره درفارسنامه ناصری صفحه ٢٤٤ چنین مسطور
است . . . . . موکب والادر ماه جمادی دوم این سال
(یعنی سال١٢١١) نزول اجلال به تهران نمود وشهریار
کامکار (یعنی فتحعلیشاه) هفته ای بسوگواری نشسته
پس محمد علی خان قاجار ودوهزار نفر سواره وده‌هزار
مثقال زرمسکوك باتفاق ملامصطفی قمیشه‌ای که وحید

دهروفرید عصر بود ومیرزا موسی منجم باشی را مامور
به نقل جنازه بجانب نجف اشرف شدند وچون نزدیك بغداد
رسیدند سلیمان پاشا والی بغداد باستقبال بیرون آمد و
خدمتی لایق نمود ...

پس از بازگشت ملامصطفی همیشه ای تقرب خاصی
دردستگاه پیدا مینماید واز مراحم شاهانه برخوردار میگردد
واز همین عطایا دانشمند مذکور بمرمت وساختمان قسمت
جنوبی وغربی صحن بزرك شاهرضا اقدام مینماید

آثار ملامصطفی

حکیم دانشمند درحکمت و عرفان ازمشاهیر عصر
بوده وبنا بر آنچه درنشریه فرهنك آمده درباره تفسیر
آیه نور وبعضی دیگر از آیات قرآن و اخبار تحقیقاتی
دارد که هنوز باقی است وبرذوق او درعرفان و حکمت
دلالت میکند .

ضمناً دارای خط بسیارزیبائی بوده واسفار ملاصدرا
را بخط خویش استنساخ نموده که اکنون درکتابخانه
حکیم فرزانه موجود است .

ملامصطفی درسال ۱۲۱۵ وفات نموده وبنا بر آنچه در
رسالهٔ تحصیلی فوق الذکر صفحه ٤ ثبت شده راجع بفوت او در
حاشیه کتاب تذکرة القبور نوشته آقای سید مصلح الدین

مهدوی صفحه ۲۳۰ چنین نوشته است .

. . . . ملامصطفی قمیشه ای از معاریف علماء زمان خود واجلاء بوده درسال ۱۲۱۵ وفات یافته قبرش نزدیك قبرخواجوئی درتخت فولاد اصفهان است

حکیم صهبا

آقای محمد رضا معروف به حکیم صهبا فرزندشیخ ابوالقاسم درسال ۱۲۴۱ هجری درمحله فضل آباد شهرضا متولد شده است پس ازطی دوران جوانی باصفهان عزیمت وسپس بطهران رفته ودارای شهرتی بسزا گردیده شرح حال این دانشمند از صفحه ۷۵ شماره اول مجله یادگار وصفحه ۱۹ رساله تحصیلی نقل میگردد در کتاب ریحانةالادب صفحه ۳۲۵ چنین آمده قرمشهی میرزا محمدرضا اصفهانی از اهالی قومشه اصفهان حکیمی مشهور از اکابر مدرسین اوائل قرن حاضر چهار دهم هجرت که نخست دراصفهان بتدریس کتب عرفانی اشتغال داشت واخیرا به تهران آمده ودرمدرسه جلوخان مسجد شاه که از آثار خیره میرزا شفیع خان صدر اعظم ایران است مشغول افاده و کتب حکمت ومصنفات عرفانیه وتصوفیه خصوصا کتب محی الدین عربی ومشروح آنهارا تدریس میکرده وبسیار خوش اخلاق ودرویش نهاد ومتادب بوده واز تالیفات اوست

درباره آقامحمد رضـای قمیشه ای

درالمآثر والآثار چنین نوشته شده (درصفحه ١٦٤ چاپ تهران) آقامحمد رضا ازقومشه اصفهان و از صنادید مدرسین کتب عرفان بود اواخر عمر بطهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدر اعظم افاضت وافادت همی داشت کتب محی الدین وشروح آنهارا بضمیمه سایر مصنفات متصوفه ورسایل عرفا تدریس میفرمود مردی درویش نهاد و بلاادعا وبی تعین بود امسال که یکهزار وسیصد وشش هجریست در دار الخلافه وفات یافت . کنت گوبینو که از سال ١٢٧١ تا ١٢٧٤ در تهران منشی سفارت فرانسه وازسال ١٢٧٨ تا ١٢٨١ وزیر مختار این دولت درایران بود در کتاب خود بنام ملل ونحل درآسیای مرکزی دربـاب آقامحمد رضـا قمیشه‌ای چنین می نویسد - این مرد درزیرکی وفطانت دردرجه اول ودرعلم صاحب مقامی جلیل است حکمت و کلام را پیش حاجی محمدجعفر لاریجانی ومیرزا حسن نوری فرا گرفته ودرعرفـان و تصوف که فن خاص اوست ودر آن مهارتی بسزادارد شاگرد حاجی سیدرضی است وحالیه دراصفهان بتدریس مشغول است .

صاحب طرائق الحقائق درباب اوچنین نوشته شده است . آن بزرگوار مشرب صافی واخلاق شافی داشت

چندین سال در آن دیار تدریس کتب حکمت وعرفان نمود درسال مجاعه آنچه ازضیاع وعقار ومالیه داشت بفروخت وصرف طلاب وفقرا نمود دراواخر بطهران آمد ودرمدرسه میرزا شفیع صدر اعظم که درجلوخان مسجدشاه واقع است افادت وافاضت همی داشت گمان نمیرود فصوص الحکم را بعداز صدر قونیوی کسی بهتر ازوی مباحثه نموده باشد در آداب ونوامیس چنان محکم بود که گوئی ابوذر وقت وسلمان عهد است . بهر تقدیر درسال ۱۳۰٦ غره صفر در دارالخلافه وفات یافت ودرابن بابویه نزدیك مزار حاجی آخوندمحلاتی مدفون شد واین شعر از منظومات آن جناب درخاطر است

ساغر زخون ماست باندازه نوش کن

این جامه باده نیست که لبریز میکنی

حال داستانهائیکه در باره عارف قمشه ای نگارنده این سطور از استادان موثق خود شنیده است در اینجانقل مینماید .

آقامحمد رضا ازشاگردان میرسید رضی لاهیجی است کهدراصفهان به تون تابی اشتغال داشت وروز گاری باآن کسب می نمود واواز شاگردان میرزاعبدالجواد شیرازی بودوسلسلهاستادانش .

ورساله‌مفتاح مفاتیح‌الفصوص صدرالدین قونوی باحواشی شاگرد ارشد آقامحمد رضا مرحوم آقارضا میرزا هاشم اشکوری گیلانی که‌بررساله مفتاح مفاتیح الفصوص نوشته‌اند بضمیمه چند رساله وحواشی دیگر از معاریف حکماء وعرفا دریك مجله درتهران بچاپ رسیده است درسال ۱۳۱۶ هجری قمری

۳ - حواشی بـر کتاب اسفار اربعه ملاصـدرای شیرازی (خطی) ٤ ـ حواشی بـرشرح فصوص الحکم قیصری (خطی) ٥ ـ رساله‌در موضوع الخلافه الکبری ٦ ـ رساله درموضوع العلم

در کتاب شهداء الفضیله در ذیـل ص۲۷٥ درضمن اشاره مختصری‌ازاحوال آقامحمدرضا از جمله تالیفاتش را (کتاب الخلافته الآلهیه و کتاب الولایته الآلهیه) راذکر کرده‌است ممکن‌است این‌دو کتاب یك کتاب باشدچه رساله خلاقت کبری دراثبات ولایت است وشاید مولف شهداء الفضیله رساله مزبوررا دو کتاب‌دانسته باشد عجالة باقید احتیاط ودراینجا این نکته را یاد آوری میکنیم تابعد از تحقیقات وتفحص های لازم حقیقت معلوم شود این کتاب ها ورسائل تماما بزبان عربی است .

اشعار او آقامحمدرضا گاهگاهی برسبیل‌تفنن واز

روی وجد وحال اشعاری سروده است که از نظر ادب وعرفان قابل توجه می باشد ودراشعار (صهبا) تخلص میکرد متاسفانه تذکره نویسان معاصرش مانند رضاقلیخان هدایت درمجمع الفصحاء وریاض العارفین متعرض اشعاراو نشده اند فقط درحواشی و پاورقی بعضی از کتابها وجنگها اشعاری بنام آقامحمدرضا قمشه‌ای ثبت شده است واینك برای نمونه يك شعر نقل میگردد .

دل سرگشته بزلف تو بزنجیر افتاد
باز کارم همه با ناله شبگیر افتاد

سر زلفت دل شوریده بابروسپرد
کار سودائی عشق تو بشمشیر افتاد

کس بتدبیر عمل راه بسوی تونبرد
درازل دولت وصل تو بتقدیر افتاد

گفته بودی بنمایم رخ؛ زارت بکشم
جان فدای توچرا کار بتأخیر افتاد

باسرزلف تودل نردمحبت می باخت
زاهد آشفته شد وازپی تکفیر افتاد

درازل حسن رخت نقش معانی میکرد
مانی از جلوه آن درپی تصویر افتاد

چکند دل که فتاده است بسر پنجه عشق
چکند صید که در معرکه شیر افتاد
آب دندان تو با آن لب شیرین آمیخت
الفتی نغز میان شکر و شیر افتد
خواب دیدم شبم آشفته و روزم سیداست
زلف مشگین برخت دیدم و تعبیر افتاد
عشق و مستی و جوانی همه باهم بودند
ازچه صهبا طلبش درسر این پیر افتاد

شرح احوال علماء و حکما و شعرای شهرضا که درقید حیات نیستند

بطور کلی از رساله تحصیلی همکار محترم آقای سنجری نقل میشود

حاج ملامهدی امامجمعه

حاج ملامهدی فرزند حسن یکی ازفقها و مجتهدین طراز اول شهرضا درقرن سیزدهم هجری بوده است وچون بیشتر زندگانی او درنجف اشرف گذشته درشهرضا چندان آثاری که ارزش علمی داشته باشد از اونمانده است لذا اینحقیر در صدد تحقیق برآمدم و از حجه الاسلام آقای سیدمهدی حجازی (فرزند آقای حاج سیدفضل الله حجازی از علماء حاضر) که در نجف مقیم

اندخواستم تااز آثار حاج ملامهدی هرچـه پیدا نمودند جهت بنده ارسال دارند .

اینك خوشبختانه شرحی مبسوط در باره حاج ملا مهدی ارسال فرمـوده انـد ضمن اظهار تشکر ازمساعـی معظمله عین آنرا نقل میکنم وقبلا بـرای اینکه مـدارج نبوغ و نیروی فکری این شخص بدست آید داستانی را که یکی ازنوادگان آنمرحوم که اینك اهل تحقیق و مطالعه است ازدوران کودکی حاج ملامهدی از مـادر بزرك خویش کهدختر حاج مـلامهدی است نقل میکند مینگارم :

مهدی پدری پیشهور وتهی دست داشت و با کسب وکار امرار معـاش مینمود وقتی مهدی بسن هشت سالگی رسید اورابشاگردی دنبال کسبی فرستاد تاضمن آموختن کاردستمزدی نیز بیاورد ، روزی مهدی درحالیکه دنبال کارخویش میرفت چند نفر ازهمسالان ودوستانخودرادید که باوسائل تحصیل بطرف مکتب رهسپارند .

علاقه شدیدی که بتحصیل علم درنهاد مهدی مخفی بود تحریك شده وباترغیب دوستان از کسب منصرف شد وراه مکتب را بدون اطلاع بـاستاد و پـدر خویـش پیش گرفت معلم وقتی آثار نبوغ را در ناصیه مهدی مشاهده

کتب مکتبه مترجم‌له

مترجم‌له یکسال قبل از وفاتش کتب مکتبه خود را که قریب هزارجلد بوده برای وقف نمودن بعهده وصی خود علامه الکبیر الشیخ محمد حسین بن قاسم قمشه‌ای الکبیر میگذارد ووصی مذکور بعد ازموت موصی این کتب را برحسب وصیت موصی وقف عام مینماید وبعضی از این کتب موقوفه درکتابخانه حسینیه شوشتریه که یکی از کتابخانه های بزرك نجف اشرف است موجود است .

مولفات مترجم له

عمده‌چیزی که‌جلب‌توجه‌نویسندگان ودانشمندان رانموده است‌مولفات ونوشتجات مترجم‌له میباشد تصانیف ومولفات مترجم‌له دراصول وفقه عربی وفارسی زیاد است چنانکه ذکرخواهد شد .

درپایان حیات ، مترجم‌له این کتاب راوقف‌مینماید وتولیت آنرابعهده فرزند خود وبعد ازاو بعهده وصی - مذکورالشیخ محمدحسین کبیر و بعد از او برای علمای قمیشه وسپس برای سایر علماء میگذارد .

بعد از وفات وصی یعنی شیخ محمدحسین کبیر بعضی ازاین کتب‌را بکتابخانه حسینیه شوشتریه منتقل میسازد واما بقیه که‌درصفحات متفرقه وجزوه‌های نامرتب

بوده ودر گوشه خانه وصی بواسطه مرور زمان از بین رفته وقسمت معظمی از آنها خوراك موریـانه واقع میشود .

درسال ۱۳۷۸ هجری بنابتقاضا والتماس فـرزنـد وصی مذکور الشیخ حسین علی ، جناب علامه بزرك حاج آقابزرك طهرانی المترجم همت گماشته وزحمت فراوانی درراه اصلاح وتربیت ایـن اوراق علمی مبذول داشتند و قسمتی از آنها را کهقابلیت استفاده داشته بصورت کتابهائی در آوردندومجموع آنهاهفت جلد کتاب بزرك در کتابخانه عامه ایشان مورد استفاده است .

فهرست مولفات مترجم له

۱ـ حاوی مدارك الاحکامفی شرح شرایع الاسلام ـ این کتاب مشتمل برمجلدات زیادیوشرحی است بر کتاب شرایع الاسلام واز کتاب جواهر الکلام فیشرح شرح شرایع الاسلام تالیفالشیخ محمد حسن مشروحتر ومفصل تراست . متاسفانه تمام این کتاب دردست نیست و درزیر دست وپای موریانه از حیز انتفاع افتاده است جز تعداد شش جلد ازآن که آقای حاج آقابزرك تهرانی ازلابلای جزوات متفرقه واوراق ازهمپاشیده جمع آوری نموده اند ودر کتابخانه ایشان موجود است چنانکه بدان اشاره شد تفصل شش جلد کتاب حاوی مدارك الاحکام :

جلد ۱ ـ فـی صلوة الجمعه وقر یـب ۵۵۰۰۰ سطر است . این جلددر نهایت شرح و تفصیل نماز جمعه ووجوب آنست وسی دلیل اقامه کرده است بروجوب صلوة جمعه وتابحال کسی باین شرح و تفصیل صلوة جمعه را ننوشته است روی همین اصل که ایشان نماز جمعه را اقامه مینموده و واجب میدانسته معروف بوده بامام جمعه .

مخفی نماند که این نسخه درتـاریخ ۱۲۸۰ بقلم غلامرضا العطار ابن محمد حسین حناساز مبیضه وپاك نویس شده است وتمام است مگر مقدار يك فرم از آن که از چر کنویس ومسوده ضمیمه وتمام شده است .

جلد ۲ ـ فی افعال الصلوة المسافر و قضاء الصلوة در ۴۰۰۰۰ سطر است .

جلد ۳ ـ فـی خلل الصلوة درزیـادتر از ۱۰۰۰۰۰ سطر است درپشت این جلد بخط خود نوشته است شروع کردم دراین جلد از کتاب حاوی مدارك الاحکام فی شرح شرایع الاسلام دراواخر سال ۱۲۶۱ یعنی قبل از وفاتش به بیست سال .

جلد ٤ . فی الصوم ، در ۴۰۰۰۰ سطر است .

جلد ۵ ـ فی الخمس ، در ۲۰۰۰۰ سطر است .

جلد ۶ ـ فی الزکوة ، در ۶۰۰۰۰ سطر است .

وقطعه ایست درشرح کتاب احیاءالموات و کتاب الحدود در ۱۰۰۰ سطر است .

صاحب کتاب‌الذریعه آقای حاج آقا بزرك تهرانی احتمال میدهد که این کتاب حاوی مدارك الاحکام را آقای سید محمد جزایـری در بعضی از کتابخانه هـای اصفهان دیده‌ازاین‌جهت محتمل‌است‌بعضی از مجلدات آن در بعضی از کتابخانه های اصفهان موجود باشد .

بقیه مولفات مترجم له

۲ ـ عده رسائل که جمع نموده‌است علامه‌بزرك‌حاج آقابزرك درجلدی‌بزرك و در مکتبه ایشان موجود است .

۳ ـ فقه فارسی مشروح از اول طهارت تـادیات

٤ ـ رساله فی الصحیح والاعم ، فارغ شده است از این رساله درتاریخ ۳ ـ ع ۱ ـ ۱۲٤۸

٥ ـ رساله فارسیه فی الصوم ؛ فتوائی درمستند لاتی تااواسط باب عاشر درروز های حرام .

٦ رساله فارسیه فی الغصب ؛ استدلالی

۷ ـ رساله فارسیه فی‌احیاء الموات ،

۸ ـ رساله فارسیه فی‌الغناء مفصل است

۹ ـ رساله فارسیه فی صلوه الجمعه ، در نهایت ـ تفصیل است .

١٠ ـ رساله عربیه فی الحسن و القبح العقیلتین ، قرب ۳۰۰۰۰۰ سطر است ۰ درپشت آن نوشته شده‌است تاریخ شروع و تالیف سه‌شنبه وسط ماه صفر ١٢٦٠ و در حاشیه آن مثل کتب دیگرش حواشی زیاد است .

١١ ـ رسالدفارسیه فی افعال‌الصلوه وواجباتهاومندوباتها ، در ٤٠٠٠ سطر است .

١٢ ـ کتاب بزرگی است درتقلید در ٢٧٠٠٠ سطر اوله فائده التقلید لغه تعلیق القلاده علی العنق

١٣ ـ رساله فارسیه فی صلوه المسافر ؛ قریب ـ ١٠٠٠ سطر .

١٤ ـ رساله فارسیه فی الطهاره .

١٥ ـ رساله فارسیه‌فی‌الصلوه والغسل والتیمم .

١٦ ـ رساله فارسیه‌فی منافیات الصلوه .

این بود شرحی که آقای حجازی درباره حاج ملامهدی و آثارش فرستاده بودند ضمنا باید متوجه بود که این شرح‌و آثاردارای تعقیدات‌لفظی واشتباهات جمله بندی است ومعلوم نشد دراصل چنین بوده یادر نسخه برداری باین صورت درآمده است بهرحال بنده بمنظور حفظ امانت عین آنرا نقل کردم .

دیگر ازکارهای مفید وعام المنفعه این شخص

ساختمان پل و مسجد جامع امامزاده شاهرضا و پل معروف سیدخاتون میباشد که در سالنامه فرهنگی شهرضا چاپ شهریور ماه ۱۳۳٦ صفحه ۳۰ باو نسبت داده شده است .

بازهم مطالبی ارزندگانی این شخص دیندار در گوشه و کنار برلوح سینه ها محفوظ است و بطوریکه در اقوال مردم این شهر رایج است وخود آنمرحوم در حاشیه کتاب صلوه جمعه اشاره فرموده اسیر بودم در دست بعضی از ظلمه وجمیع اموال من غصب شده بود ....

این فقیه احکام دین را باشدت اجراء مینموده و گویا وقتی شخصی بهائی در بازار کلام ردءای بزبان جاری نموده که بگوش این مجتهد میرسد و برقتل اوفتوی میدهد و پس ازاین حادثه مورد مواخذه دستگاههای دولتی قرار میگیرد ولی باشهامت وپایداری واستدلال از خود دفاع نموده وتبرئه میشود وظاهرا این اسیری در آن روزگار بوده است وروی همین اصول درشهرضاهم مورد رقابت روحانیون واقع شده بطوریکه اسباب زحمت اورا فراهم ساخته‌اند وآخرالامر درپایان عمر ناچار میشود که مجددا بنجف اشرف عزیمت نموده ودرآنجا مجاور شود ،

میرزا محمد علی خلیفه‌سلطانی

میرزا محمد علی خلیفه سلطانی فرزند میرزاسید
محمد است و پشت هفتم او منتهی میشود بـه میرزا علاء
الدین حسین مشهور به‌خلیفه سلطان و برابر نسبت نامه
ایکه دردست وراث میرزا محمدعلی موجود است و این
بنده آنرا استنساخ نموده‌ام پشت بیست و یکم سیدعـلاء
الدین حسین بحضرت سید سجاد میرسد ومیرزا علاءالدین
حسین درزمان شاه عباس ثانی از سلسله صفویه دراصفهان
میزیسته استوچون‌ازخلیفه سلطان چند سلسله درشهرضا
باقی مانده واغلب اهل‌علم‌ومطالعه بوده‌اند وبرای اینکه
بچگونگی نفوذ خلیفه‌سلطان و آغاز شهرت این خانواده
دردربار صفوی آشناشویم قسمتی را که در تـذکره نصر
آبادی تالیف میرزا محمد طاهر درسال ۱۰۸۳ هـجـری
صفحه ۱۵ راجع بسید علاء الدین حسین جداعلای میرزا
محمد علی نوشته شده نقل میکنیم :

خلیفه سلطان ـ اسم شریفش سیدعلاء الدین حسین
است ولد خاف میرزا رفیع محمد مشهور بخـلیفه نسبت
شریفش منتهی میشود ازجانب پدر بمیربزرگ که ازاکابر
سادات مازندران است اماوالده نواب از سادات شهرستان
است درزمان شاه جنت مکان شاه عباس ماضی والد ماجد

آنجناب را بمنصب صدارت وایشان را بسعادت ومصاهرت ومنصب وزارت سرافراز داشتند درازمنه سابق هیچ سلسله باین سعادت واین دومنصب عالی سربلندی نیافته‌اند ـ

نواب معزی الیه ازفنون علوم بهره کلی برده در قواعد اصول دین مبین‌درنهایت متانت وفطانت بوده لحظه ای تعطیل دراوقات روانداشتی در اوائل جلوس شاه صفی علیه الرحمه بسعایت بد گویان بیجهت معزول شده مدتی درقم متوطن بود بعد ازقتل سارو تقی بتکلیف شاه عباس ثانی مسند وزارت اعظم بوجود آن یگانه مزین شد ودر تاریخ‌شهور سنه١٠٦٤درولایت‌مازندران‌طایرروح‌پرفتوحش بقصد مامن جاوید بال پرواز گشوده گاهی برباعی حقایق بنیان خاطرش توجه مینمود واین چند رباعی از آنجمله است :

افسوس که عمر گشت بیهوده تلف

دنیا بتعب گذشت ودین رفت ز کف

رنجید خدا و خلق راضی نشدند

ضایع کردیم پاره آب و علف



میکوش که کیسه توبی زرباشد

تادر دوجهان عیش توخوشتر باشد

ملا محمد باقر

ملامحمد باقر فضل‌آبادی (فضل آباد نام یکی‌از محله‌های شهرضا واقع درقسمت غربی شهراست) فرزند حاج محمدرضا ونوه دختری ملامصطفی قمشه‌ای مـار الذکر میباشد این شخص ازعلمای مسلم وجامع معقول ومنقول بوده است برابر آنچه درنشریه فرهنگی شهرضا صفحه ۹ ـ ۱۰ درباره این شخص نقل شده حکمت را در اصفهان نزد ملااسمعیل واجدالعین وملاعلی نوری کسب نموده است وفقه واصول را درنجف نـزد صاحب جواهر خوانده است درحسن خط وانشاء نیزیکانه عصر خـویش بوده‌وازشاگردان‌اومیرزا محمد مهدی پدر حجه الاسلام آقای مهدوی ازمجتهدین شهرضا بوده شرح احـوال او خواهد آمد بوده است .

وفـات ایـن شخص درسال ۱۲۹۶ هجری قمری اتفاق افتاده ودرآستانه شاهرضا مدفون‌می‌باشد ،

بطوریکه حکیم فرزانه اظهار داشته‌اند مـلامحمد باقراز معمرین قمشه‌بوده است وسن اوبین ۸۰و ۹۰سال بوده وروی این حساب تاریخ تولد اوبین سالهای ۱۲۰۶ تا ۱۲۱۶ هجری قمری بوده است .

درکتاب رجال اصفهان صفحه ۱٦٦ درباره محمد

باقر چنین نقل شد :

« .. .. .. دیگر در خود شاهرضا که امامزاده بادستگاه است در قرب قمشه در صحن بزرگ قدیم رو بحرم شاهرضا که بروی طرفی که اطاقهای بلند بسته ـ است در ایوان بزرگی که میان عمارت واقع است و بوضع حوضخانه است ـ از قبور علماء و فضلاء قمشه چند قبر است که در میان آن قبر مرحوم آخوند ملامحمد باقر قمشه ای ست که او عالمی حکیم و کامل وفاضل و باتقوی ودیانت ومواظب تقوی بوده ومواظب عبادات ودر نزد خواص از علماء وغیر علماء قمشه مکرم ومحترم بلکه باو ارادت داشتند ودر انشاء نوشتجات ممتاز ودر قمشه شخص اول ائمه وعلماء آنجا بوده .....»

درسالنامه فرهنگی شهرضا صفحه ٢٤ درباره فضل ودانش این شخص چنین نوشته شده است :

«....مرحوم ملامحمد باقر فضل آبادی فرزند مرحوم حاج محمد رضا جامع معقول ومنقول واز حکمای معروفی میباشد که در علوم حکمت واصول وفقه تالی نداشته . ودانشمندان معاصرش براین عقیده بوده اند که بعد از خواجه نصیر طوسی کسی مانند مرحوم ملامحمد باقر قمشه ای درفضل وحکمت پا بعرصه وجود نگذاشته من جمله

مرحوم آقامیرزا محمد مهدی دانشمند وعالم شهیر قمشه‌ای
(شرح حال ایشان بیاید) درحق ملامحمد باقر چنین
گفته است ،

.. دراسلام پس ازخواجه نصیر طوسی وشیخ بهائی
کسی را درعلم حکمت جامعتر ازملامحمد باقر نمیشناسم

روایت شده که مرحوم حاج فرهاد میرزا عموی
ناصر الدین شاه که از علماء معروف وصاحب تالیفات و
تصنیفات زیادی است ضمن سفری که بقصد حکومتی
شیراز گذارش بقمشه افتاده ازحال علمای این محل
جویا میشود مرحوم ملامحمد باقر وآقامیرزا محمد خلیل
امام جمعه را باو معرفی میکنند آنمرحوم پس از ساعتی
مباحثه ومذاکره باملامحمد باقر چون خودرا بادریای
فضل ودانش این حکیم و فیلسوف نامی روبرو می بیند
پس رو بهمراهان نموده ومیگوید :

بارها بزمین بگذارید که کشتی ما در اینجالنگر
انداخت ، پس حاج فرهاد میرزا یکهفته درقمشه توقف
نموده واز محضر مرحوم ملا باقر درحل مشکلات علمی
خود استفاضه واستفاده کرده است ، وفات مرحوم ملا
محمد باقر درسال ١٢٩٦ هجری قمری (١٢٥٨ شمسی)
اتفاق افتاده ودر آستانه شاهرضای شهرضا مدفون

شده است . »

حکیم فرزانه روایت فوق را تأیید میکنند وحتی معتقدند که پس از آنکه حاج فرهاد میرزا باملامحمد باقر ملاقات نموده همواره هنگام ایاب وذهاب خود بشیراز بااین حکیم مرابطه ومباحثه داشته است .

آثار علمی از او بدست نیامد . از نامبرده فقط دختری مانده که او نیز اینك وفات یافته است .

آقا میرزا محمد خلیل امام جمعه

آقامیرزا محمد خلیل فرزند میرزا عبدالواسع ـ شهرضائی بوده است این پدر وپسر هردو پیشوای جماعت بوده اند .

آقامیرزامحمد خلیل که برابر نسب نامه موجود (درنزد وراث مرحوم) پشت بیست وپنجمش بحضرت سید سجاد میرسد یکی از مجتهدین طراز اول شهرضا بوده است .

وتاکنون چهار پشت از اعقاب ایشان درشهرضا باکمال حقیقت وصداقت پیشوای جماعت بوده وهستند .

متاسفانه از چنین شخصی درهیچیك از دونشریه و سالنامه شهرضا ذکری که درخور مقام علمی او باشد بمیان نیامده است درصورتیکه سزاوار بوده بیش از این درباره

این شخص دانشمند تحقیق بعمل آمده باشد .

تنها در نشریه فرهنگ شهرضا صفحه ١٦ متذکر شده اند که چون شرح حال مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد خلیل امام جمعه وچند نفر دیگر دیر بدفتر نشریه رسید لذا انتشار آن بنشریه بعدی موکول شد ونیز درسالنامه شهرضا ضمن شرح حال ملامحمد باقر وملاقات او با حاج فرهاد میرزا تنها نام میرزا محمد خلیل امام جمعه برده شده است .

از جزئیات زندگانی آقامیرزا محمد خلیل اطلاعی بدست نیامد وبنابر آنچه باز ماندگان او اظهار میدارند بیشتر دوران تحصیلی او درنجف اشرف گذشته بوده وبدرجه اجتهاد رسیده است .

از آثار علمی این شخص اینک تنها حاشیه‌ای بر جواهر در کتابخانه امام جمعه وقت موجود است ولی بقرار معلوم رسائل وحواشی زیادی درفقه واصول که رشته تحصیلی مخصوص وی بوده نوشته است ومتأسفانه دراثر عدم توجه ومواظبت بازماندگان آن مرحوم بیشتر آنها مفقود شده است .

این فقیه بزرگ دارای شش نفر فرزند بوده که ارشد آنان بنام میرزا محمد مهدی به امامت رسیده است

و پس از او دو نفر از فرزندانش بنام آقا میر سید علی و آقا میرزا محمد خلیل پیشوای جماعت گردیده‌اند شخص اخیر اینک بحمدالله در قید حیاتند و باميل خويش امر پيشوائی را بفرزند ارجمند خود حجة الاسلام و المسلمين جناب آقای حاج سید مهدی وا گذار فرموده‌اند .

فضیلت و تقوی و دانش معظم له (آقای حاج سید مهدی) بدرجه ایست که مورد تأیید و تصدیق علماء اصفهان نظیر حجة الاسلام آقای خراسانی وغیره میباشد .

دیگر از فرزندان آقا میرزا محمد خلیل بـزرك آقای سید محمدهاشم امامی هستند که اینك در تهران ساکن و دارای نفس قدسیه و ذوق عرفانی میباشند بخصوص درباره رموز مطالب عرفانی دیوان مولوی دارای تبحری کامل میباشند .

ونیز جناب آقای سید تاج الدین امام زاده از فرزندان آقای میرزا محمد خلیل هستند که اکنون در قید حیاتند واز سال ۱۳۱۳ شمسی تامدتی ریاست فرهنك اصفهان راعهده دار بودند ودر این مدت نسبت به توسعه فرهنك شهرستان اصفهان و توابع بخصوص نسبت بتوسعه فرهنك شهرضا خدمات شایانی مبذول داشته اند کـه در نشریه وسالنامه فرهنك شهرضا منعکس است

آقا میرزا محمد خلیل امام جمعه در اول شوال ۱۳۱٤ هجری قمری در شهرضا وفات یافته اند و بطوریکه بازماندگان وی اظهار میدارند درسن ٦۲ سالگی وفات او مصادف باعید فطر بوده است وعید نوروز نیز در آن‌روز بوده و بااینکه باید مردم جشن‌وشادی داشته باشندمع‌الوصف تمام اهالی شهرضا درتشییع جنازه آن مرحوم شرکت جسته و تامدت سه روز مراسم عزاداری باتمام تشریفات مذهبی اجراشده است .

اگر٦۲را از تاریخ وفات آن مرحوم بکاهیم تاریخ تولدوی درسال ۱۲٥۲هجری قمری خواهد بود .

قبر آن مرحوم درصحن بزرك شاهرضا درایوان بزرك واقع شده ودارای سنگی تمام قد میاشد واین اشعار روی آن حك شده است :

همین که گشته چومه زیر ابرخاك نهان

بدی بچرخ فضیلت چوآفتاب جمیل

انیس جد کبارش محمد عربیست

کنون بجنت اعلا زلطف رب جلیل

سه سال کم کن‌وتاریخ سال فوتش گو

امام جمعه که نام ونسب برد زخلیل

میرزا نصرالله حکیم قمشه‌ای

میرزا نصرالله فرزند حاجی شیخ مرتضی نوه دختری ملا مصطفی حکیم که ذکرش گذشت بوده است تاریخ تولد او درسال ۱۲۵۷ هجری قمری بوده ودرخاندان علم و حکمت نشوونما یافته است .

پس از آنکه علوم مقدماتی رادرشهرضا فرا گرفته باصفهان مهاجرت نموده وفقه واصول را نزد مرحوم ملاحسینعلی تویسرکانی که از مجتهدین مسلم آنعصر بوده تکمیل نموده است ؛ پس از آن جهت تحصیل علم و حکمت به سبزوار مسافرت نموده واز محضر درس حاج ملاهادی سبزواری استفاضه واستفاده نموده است .

بطوریکه در نشریه وسالنامه فرهنگی شهرضا در باره این حکیم مندرج است .

حکیم (میرزا نصرالله حکیم است) برای تکمیل علم‌حکمت قصدمسافرت بنجف اشرف راداشته ولی‌موقعیکه باصفهان میرسد بجهاتی ازتصمیم خودمنصرف میشود وراه دیار سبزوار را درپیش میگیرد وضمنا مراتب رابیان‌این شعر :

از کعبه گشت جانب میخانه راه‌ما

ای بهتر از هزار یقین اشتباه ما

بکسان و نزدیکان خود درشهرضا اطلاع میدهد .

این دانشمند بس از تکمیل دوره فلسفه وحکمت واحساس بی نیازی ازاستادان معاصر بوطن اصلی خود شهرضا مراجعت نموده است ودرآنجا همواره بمطالعه و تدریس کتب حکمت مشغول بوده است ضمناً بطوریکه انزوا و گمنامی شیوه اغلب حکما بخصوص دانشمندان این شهربوده حکیم نامبرده مجلس درس و بحثی کەدر خور مقام علمی او باشد نداشته است .

از شاگردان اومرحوم شیخ اسدالله رحمت‌الله‌علیه متخلص بدیوانه (ازحکما وشعرای شهرضا بوده شرح احوالش خواهد آمد) وآقای شیخ محمد هادی فرزانه بوده‌اند .

بطوریکه حکیم فرزانه که ازشاگردان میرزا درحکمت بوده‌اند اظهار میدارند استادشان از اوان طفولیت دارای استعدادی کافی وهوشی سرشار بوده ودر فهم کلمات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا نیزمانند او کمتر یافت میشده وبالجمله حکیمی بارع بوده است کەتقدم اوبر بسیاری ازحکماءمعاصرش حتی‌بعقیده حکیم فرزانه براستادش (مرحوم سبزواری) مسلم است

انواع فنون حکمت را از منطق ، طبیعیات ،

الهیات ، ریاضیات دارا بوده‌است‌ولی متأسفانه تصنیفی از اوباقی نیست مگر بعدا بدست آید .

آنچه مسلم است‌و آقای فرزانه تایید میکنند این شخص حاشیه ای براوایل امور عامه اسفار ملاصد را که بسیار مفصل وقابل توجه بوده نوشته است ولی نسخه‌های از آن بدست نیامد در اواخر عمر بیشتر در مقام این بوده است که مطالب تصنیفات ملا صدرا و کلمات اورا از گفتار شیخ‌الرئیس بیرون بیاورد زیرا معتقدبوده‌است که مرحوم ملاصدرا بسیاری از مطالب خودرا از شیخ دارد . بنابگفتار حکیم فرزانه :

طریقه میرزا نصرالله درحکمت تقریباً نزدیک به‌شمائین‌بوده وخیلی بشیخ الرئیس وابونصر فارابی معتقد بوده است .

وفاتش درسال ۱۳۲٤ هجری قمری ومدفنش در شاهرضا نزدیك‌قبر ملامحمد باقراست .

در کتاب رجال اصفهان صفحه ۱٦٦ درباره این حکیم چنین نوشته است :

مرحوم میرزا نصرالله حکیم قمشه‌ای که در این زمان اعلم حکما شمرده میشد صاحب تصنیف باتحقیق و باتقری واحتیاط دراین‌حجره (منظور حجره ایست که

ملامحمد باقر در آن دفن است) جنب قبر مرحوم میرزا محمد خلیل امام جمعه قمشه‌ای از اجله سادات ومرجع شرعیات ......

این شخص اولاد ذکور نداشته وتنها دارای دختری بوده است وشاید یکی ازعلل مفقود شدن تصنیفات او نداشتن فرزند ذکور باشد .

این عبارت ثقیل ماده تاریخ وفات او آمده است .

بط بحر علم حکمت یافت آب

میرزا محمد مهدی

آیه‌الله میرزا محمد مهدی معروف به‌میرزا فرزند حاج میرزامحمد حسن از مجتهدین وحکماء طرازاول شهرضا وجامع معقول ومنقول بوده‌اند .

این شخص درسال ۱۲۶۱ قمری متولد شده ودرسن ۱۴سالگی برای کسب کمال باصفهان رفته ومقدمات صرف ونحو وادبیات عرب را نزد مرحوم ملامحمد لاری ودیگران فرا گرفته‌اند .

سپس درحکمت و کلام وفقه از محاضر درس اساتیدی مانند ملامحمدباقر قمشه‌ای وحکیم صهبا وملامحمد اسماعیل وآقامحمد حکیم وغیره استفاضه واستفاده نموده‌اند وازفقها ومجتهدین بزرگواری نظیر حاج شیخ محمد باقر

نجفی اصفهانی وملامحمد باقر فشارکی ومیرزا محمد حسن نجفی ودیگران اجازه اجتهاد گرفته‌اند.

مرحوم فرصت‌الدوله شیرازی در آغاز دیوان خویش ضمن اشاره بمسافرت از شیراز بتهران که درسال ۱۳۲۳ (جمادی الاخری) روی داده است درباره اقامت خود درشهرضا وملاقات بامجتهد مذکور چنین نوشته است:

« ..... جناب میرزا محمد مهدی مجتهد آنجارا هم زیارت کردم، آدم بسیار بافضل وتقوائی است و دارای اجتهاد وفتوی .... »

وفات آن مرحوم درعصر چهارشنبه ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۳۰ قمری روی داده وبنابر وصیت خود جنازه ایشان را از شهرضا به‌نجف اشرف حمل ودرآنجا دفن کرده‌اند.

آثار آنمرحوم ــ درنشریه فرهنك شهرضا از آثار میرزا محمد مهدی حاشیه براسفار ملاصدرا و رساله ای در استصحاب وسایر ابواب اصولی استدلانی وفقه استد لالی دانسته اند.

باتحقیقی که اینحقیر شخصاً بعمل آوردم این آثار اینك نزد آیت‌الله مهدی فرزند بزرگوار میرزا محمد مهدی موجود است ولی هنوز درباره جمع آوری وچاپ آن

اقدامی بعمل نیامده . توفیق معظم‌له را دراهتمام به طبع ونشر این آثار بزرك ازخداوند متعال مسئلت دارم .

آخوند ملامحمد حسین معروف بزرك

آخوند ملامحمدحسین فرزند محمد قاسم از اعقاب ملاشمس الدین است . ملاشمس الدین بنابرآنچه مولف کتاب رجال اصفهان نوشته از مردم بحرین بوده که‌ضمن تجارت بایران آمده واینك قبرش درحرم امام‌زاده شاه سیدعلی اکبر (زاده ایست در دوفرسخی شمال شهرضا وبنابر بعضی روایات فرزند موسی‌بن جعفر میباشد . این قبر فاقد سنك لوح است وباآجر کاشی پوشیده است .

(درباره زندگانی ملامحمد حسین هرچه تحقیق کردم وحتی کتبا از طلاب شهرضا که‌در نجف اشرف مقیم اند خواستم که مطالبی بدست آورم متاسفانه موفق نشدم تنها درضمن‌شرح‌حالی که‌از مرحوم حاج ملامهدی ازنجف ارسال گردیده و ذکرآن گذشت معلوم میشود که این شخص وصی حاج ملامهدی بوده وبعد ازوفات‌وی (۱۲۸۱قمری) درقیدحیات بوده است ونیز معلوم‌میشود که فرزند این شخص بنام شیخ حسینعلی اینك درنجف اشرف مقیم است زیرادرسال ۱۳۷۸ قمری (سه‌سال قبل)

از حاج آقا بزرك طهرانی خواسته است که آثار حاج ملامهدی را انتشار دهند.

درسالنامه فرهنك شهرضا هم تنهاضمن شرح احوال حاج ملامهدی نام این شخص و کتابخانه‌اودر نجف اشرف بدین طریق آمده است: « استاد الفقها آخوند ملا محمد حسین قمشه‌ای که از مجتهدین طراز اول نجف و مرجع تقلید بوده ... »

بانهایت تاسف اغلب مردم شهرضا از احوال چنین شخص هیچ اطلاع ندارند وتاآنجاکه اینحقیر پـژوهش نمودم تنها کتابیکه از این فقیه وآثـارش شرحـی نسبتا کافی نوشته کتاب رجال اصفهان است که عین مطالب آن درمورد آخوند ملامحمد حسین واجدادش از صفحه ۱۶۵ ۱۶۶ نقل میشود:

.. .. .. از جمله مـدفونین درامامـزاده شاه سید علی اکبر قریب بقمیشه است مرحوم ملاشمس الدین مشهور بملا شمسی بحرانی که‌از علما بوده وبجهت تحصیل معاش تجارت هم مینموده وبهمین قصد از بحرین بایران مسافرت مینموده ومدتی درقمشه مقیم بودو وآنجا وفـات نموده:

اعقاب ایشان در آنجا هستند وبین آنها نـوابغ و

وبزرگانی بوده اند .

منجمله آخوند ملامحمد حسین قمشه‌ای معروف به‌بزرك که از معمرین واجلاء علماء بودند ودرنجف اشرف‌ساکن واز مشایخ روایت حقیر (۱) هستند واز آثار خالده آنمرحوم: تصحیح‌دوره‌وسائل‌ودوره‌جواهرودوره‌وافی ودوره‌مستندودوره بحار ازروی خطوط مولفین آنها وفعلا درنجف اشرف آن کتب‌مرجع محصلین علوم دینیه است جزاه‌الله خیراً . واز جمله نوابغ آن سلسله‌مرحوم مبرور حاج شمسی ثانی است که ازشعراء وعلماء بوده ودرزمان مرحوم محمدشاه قاجار والد ناصر الدین شاه از ادباء مشهور بوده . . - - -

آقای سید مصلح الدین مهدوی در حاشیه کتاب رجال اصفهان نام پدر این شخص (ملامحمد حسین) را محمد قاسم وتاریخ وفات اورا درمحرم ۱۳۲۶ درنجف دانسته‌اند وضمنا کتاب ادله الرشاد درشرح نجاة العباد در۱۸ مجلد وعده الطریق در ۱۴ مجلد را برآثار او - افزوده‌اند .

آقای شیخ مرتضی

آقای شیخ مرتضی فرزند حاج حسینعلی شهرضائی

---

۱ - مرحوم آخوند ملاعبدالکریم گزی

درسال ۱۲۳۶ شمسی درشهرضامتولد شده در آغاز زندگی از محضر درس میرزا نصرالله حکیم فلسفه وحکمت آموخته ودرسن ۱۷ سالگی به اصفهان رفته است وفقه و اصول را نزد میرزا ابوالمعالی فرزند مرحوم حجهالاسلام کلباسی فرا گرفته ودیگر از استادان او مرحوم جهانگیرخان - قشقائی بوده است .

درعلوم فقه واصول و حکمت وفلسفه ؛ ریاضی و هیات ونجوم تبحری بسزا داشته است وبنابر اجازه مرحوم میرزا محمد هاشم چهارسوقی بدرجه اجتهاد رسیده است

مرحوم آخوند گزی وسیدالعراقین وفشارکی و دیگران درجه فضل ودانش این شخص را تایید مینموده اند

ضمنا مدتی هم درمدرسه جده بزرك اصفهان فقه و اصول را از خارج تدریس میکرده است

در سال ۱۳۰۱ شمسی (حدود ۱۳٤۱ قمری) در اصفهان وفات نموده ودر تخت پولاد تکیه ملك نزدیك قبر آخوند کاشی مدفون گردیده است

اعقاب ایشان درشهرضا واصفهان ساکنند وآقامیرزا نصرالله برادر این شخص یکی از خوشنویسان معروف شهرضا درزمان خویش بوده است وبسیاری از نوشته‌های آنمرحوم هنوز باقی میباشد

از آثار علمی حاج شیخ مرتضی ــ دوجلد کتاب در علم معانی و بیان است که بخط مؤلف نوشته شده و هنوز بچاپ نرسیده و اینك در دستورثه آنمرحوم موجود میباشد .

شیخ اسدالله (دیوانه)

شیخ اسدالله ــ فرزندجعفرحاج عبدالوهاب در سال۱۲۹۷ قمری در شهرضا متولد شده ، پدر او دارای چند اولاد بوده که یکی از آنـان بنام یدالله بشغل دیواتی اشتغال داشته است و اسدالله که بعدهابه شیخ‌اسدالله معروف و بدیوانه متخلص بوده در آغاز زندگی بشغل زراعت اشتغال داشته است لکن از همان زمـان بفکر مقام بهتری گردید و در ضمن کار مزبور وارد در حلقه ارباب دانش گردیدو و شروع به تحصیل نموده است و بطوریکه آشنایان او اظهـار میدارنـد عشق تحصیل در نهادوی بدرجه ای بوده است که لحظه ای از مطالعه غفلت نمی‌ورزید وحتی شبها در مزرعه از هوای آزاد و نسیم مـلایم استفاده نموده و در روشنی مـاهتاب درس روز را مطـالعه مینموده است .

شیخ اسدالله پس از تحصیلات مقدماتی علوم عربی و منطق و کلام و حکمت الهی را در خدمت میرزا نصرالله

حکیم بحد کمال فرا گرفته و در حدود ۲۶ سالگی بواسط فراهم نبودن اسباب معیشت باصفهان عزیمت فرموده و مدتی علوم مذکور را در مدرسه چهار باغ اصفهان تدریس میکرده ـ است و در آنجا علوم ریاضی و زبان فرانسه را فرار گرفته است همان اوقات متأهل شده و مدتی هم ـ بواسطه تنگدستی در مدرسه گلبهار اصفهان با حقرقی مختصر استخدام و مشغول تدریس گردیده است و بنابر نقل نشریه فرهنگی شهرضا صفحه ۱۱ در تاریخ هیجدهم ذیقعده الحرام سال ۱۳۳٤ هجری قمری در سن ۳٦ سالگی بواسطه ابتلاء بمرض حصبه وفات یافته است .

قبر آنمرحوم در تکیه ملك واقع درتخت پولاد اصفهان پائین قبر مرحوم آخوند ملامحمد ـ کاشانـی است و ایـن جملات روی‌سنك لـوح آن نقر گردیده

''هوالحی ـ وفات مرحوم حکیم فاضل وارسته شاعر ارجمند آقا شیخ اسدالله قمشه‌ای متخلص بدیوانه بتاریخ ۱۸ ذیقعده سنه ۱۳۳٤ قمری بسن ۳٦ سالگی ، خودچه خوش فرمود

عاقل اگر چه عاقبت از جوی بگذرد

اما مسلم است که دیوانه وار نیست

گرچه شیخ اسدالله در علم حکمت وفلسفه از نوابغ عصر خویش بشمار میرفته است لکن متأسفانه ـ آثاری که در این رشته نگاشته باشددردست نیست فقط از آثار او یکدوره کتب کلاسی مربوط بعلوم طبیعی آن زمان که در دبستانها تدریس میشده موجود است که دارای بسی مطالب علمی مفید و پیچیده است وامروزاین کتب درخور برنامه دبیرستانها میباشد .

در پشت این کتب که بنام علم الاشیاء ـ معروف است چنین نوشته شده :

,, علم الاشیاء تألیف حکیم فیلسوف و یگانه دانشمند معروف آقاشیخ اسدالله قمشهٔ مطابق پروگرام وزارت جلیله معارف نوشته شد . . . . '' ؛

تاریخ تالیف جلد سوم آن در سال ۱۳۳۳ قمری است و در پایان آن چنین نوشته :

,, ... چون مقصود ما توسعه معارف است تا سال ششم علم الاشیاء را ترجمه و تألیف و انشاالله بطبع میرسد و جلد اول و دوم علم الاشیاء بطبع رسیده و ملحق باغاز نامه سال اول و دوم شده . ''

گویا تاسال چهارم این کتب در چاپخانه گلبهار بطبع رسیده ولی متأسفانه رشته عمر این دانشمند در آن سال گسیخته و موفق به نشر بقیه آن نگردیده است .

اشخاصیکه در آنزمان دانش آموز بوده اند و این کتب رامیخوانده اند اظهار میدارند بعضی از دروس آن بقدری مشکل بود که حتی آموزگاران نمیتوانستند مطالب آنرا تقریر نمایند .

دیگر از آثار دیوانه اشعاری است که تعداد ۲٤ غزل آنرا آقای الفت اصفهانی فرزند مرحوم آقای نجفی که از دوستان آنمرحوم بوده اند در گلچینی بنام (دانش نامه) جمع آوری و منتشر فرموده اند و با این خدمت منت بزرگی بردوش مردم شهرضا نهاده اند .

اشعار دیگری هم بطور جسته و گریخته درسالنامه شهرضا بمرحوم دیوانه نسبت داده اند و نیز قصائدی در مدح اساتید خویش سروده است که فقط چندبیتی از آنها را جناب حکیم فرزانه بطور پراکنده بخاطر دارند .

روی این اصل نام این حکیم یگانه را در شمار شعـــرای آوردیم و گرنه ســـزاوار آن بود که جزو دانشمندان گفته شود .

اینك مقدمه ایکه آقای الفت در آغاز غزلیات دیوانه نوشته اند نقل میشود :

«شرح حال ناظم ـ آقـاشیخ اسدالله از اهـل بلده‌قمشه که در چهارده فرسنخی جنوبی ـ اصفهان واقع است ، پـدرش مشهدی جعفر خـود آنجناب از ابتدا حد بلوغ بتحصیل علوم راغب گشته باوجود فراهم نبودن اسباب و اشتغال بشغل زراعت علوم عربیت و ـ منطق رادر بلده قمشه بحد کمال رسانده و در خـدمت حکیم یگـانه مرحوم آقا میرزا نصرالله قمشهٔ که از شاگردان مرحوم سبزواری بوده علوم کلام و حکمت الـهی و غیره هارا بهردو ـ طریقه اشراق و مشأ تکمیل فـرموده پس از آن بشهر اصفهان هجرت نموده سالها بدرس حکمت و کلام غیره هامشغول و در مدرسه چهارباغ فیلسوفانه در کمال نزاهت و آزادی و عفت بسر میبرد و در ضمن انواع علوم ریاضی را بدو طریقه مـرسومه قدیم و جدید برفضائل خود افـزوده تدریس مینمود و لغت فـرانسه را نیز بدون رجـوع بـاستاد بقدر کفایت میدانست وخط شکسته را در کمال خوبی مینوشت ولی باعتقاد بنده هر چند که در معلومات مسطوره و غیرها همسری نـداشت با این وصف مقام علو طبع ،حدت ذهن قوه حافظه وجمیع

فضائل اخلاقش بدرجه‌ای بود که از روی انصاف میتوان گفت که چنین گوهری گرانمایه کمتر زیب عالم انسانیت گشته افسوس که در عنفوان جوانی تقریبا بسن ۳۶ سالگی در هیجدهم شهر ذیقعده سنه ۱۳۳٤ در اصفهان دارفانی را وداع و دل دوستان را بداغ مفارقت خود گداخت ، قبر شریفش در پائین مزار مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی در اراضی تخت فودقرب لسان الارض معروف است .

حکیم مزبور دارای یك مذاق عارفانه و طبع عاشقانه بسیارعالی بود که ازاینروی گاهی بنظم اشعار میپرداخت و دیوانه تخلص میفرمود ، نظر باینکه آنمرحوم راحق صحبت و منت عهد دوستی و محبت برذمه این بنده ثابت است بنشر چند غزلی از نتایج طبع موزونش مبادرت نمودم که یادگاری از او در عالم ادب و کمال باقی بماند اگرچه نامش تاابد ثبت دفتر آزادگان عالم است . الفت

بدیهه سرائی دیوانه

درسالنامه فرهنگی شهرضا دراین مورد در صفحه ۳۳ چنین نقل شده :

وقتی مرحوم حاج میرزا علی آقاشیرازی که از اجله علماء معاصر واز مدرسین و وعاظ معروف اصفهان

بودند در کنار باغچه‌ای پراز گل اطلسی بامرحوم شیخ
اسدالله نشسته بودند مرحوم حاج میرزا علی آقا ازشیخ
اسدالله درخواست میکنند که قطعه‌ای دروصف گل‌اطلسی
بسراید پس‌شیخ بیدرنك این قطعه را بامداد روی کاغذ
نوشته بدست حاج میرزا علی آقامیدهد

رسته گل اطلسی بروی زمین است
یا که مگر اطلس سپهر برین است
کودك وموی سپید رسته برویش
تربیت مادر زمانه چنین است

ونیز درصفحه ۲۵۱ سالنامه مذکور چنین نقل شده
: هنگامیکه مرحوم شیخ‌اسدالله حکیم معروف قمشه
ای درمدرسه چهارباغ اصفهان اقامت داشت روزی بقصد
خرید گوشت درب دکان قصابی که جنب مدرسه دکان
داشت ایستاده وبه پسر قصاب که دارای حسن بی نظیری
بود بمصداق

(من دراین آینه‌دروضع خدا مینگرم)
کافرم من بخدا گر بخطا مینگرم

نظاره میکرد ناگاه قصاب براین معنی واقف شد
وچون شیخ را درست نمیشناخت واز مقام علمی او باخبر
نبود سیگاری که دردست داشت بقصد آزار کردن روی

عمامه‌او فکند چند نفر از طلاب که دیدند عمامه شیخ
اسدالله شروع بسوختن نموده آتش را خاموش و قصاب را
سرزنش کرده واورا وادار بپوزش نمودندو ازشیخ تقاضا
کردند که قطعه ای بمناسبت این پیش آمد بسراید ، پس
شیخ این قطعه رافی البدیهه سروده و برای حاضرین -
برخواند که مورد تحسین واعجاب فراوان گردید :

پروانه صفت چشم براو دوخته بودم
وقتی شدم آگاه که خود سوخته بودم
خاکستر جسمم بسر، ای شمع فروریخت
این مهرو وفا را زتو آموخته بودم

ونیز بنا برنقل نشریه‌فرهنگی شهرضا صفحه ۱۹ این قطعه
راآن مرحوم درهنگام بدارزدن‌مرحوم حاج شیخ فضل‌الله
نوری درآغاز مشروطیت ایران سروده

بدار فانی بردارشد بلند چهار
کز آن چهاردراین‌دار مفتخر شددار
نخست عیسی مریم مهین پیمبر پاك
سپس زپیکر منصور واقف اسرار
مذاق عالمیان تلختر زحنظل شد
جونخل دار برآورد میثم تمار

چهارم آنکه بفضل اززمانه‌افزون بود

که تافت زآتش سردار نور او سردار

واین چند بیت راحکیم‌فرزانه بطور جسته و گریخته

از آنمرحوم درمدح‌استاد خویش آقامیرزانصرالله‌حکیم

برلوحه خاطردارند :

دوشینه سحرگاه که دیبای منقش

افکند شب‌تار براین توسن‌سرکش

تابان ببساط فلکی گشت کواکب

باعقد جواهر بگسستند بمفرش

....

نصرالله منصور بتایید خدایش

بونصر بیان ؛ صدرلسان بوعلی‌اسلوب

سقراط نشان فخر فرانباز قلس وشی

علام زمانستی واعلام جهان را

پیش سخنت دست‌ارادت‌همه‌برکش

دیوانه‌نپرداخت بتطویل ، سخن‌بود

چون قافیه موقوف لغات متوحش

همچنین این ابیات رادرمدح آقامیرزا محمد مهدی

مجتهد از آنمرحوم بخاطر دارند :

دوش‌چون‌برافق چرخ‌عیان گشت‌هلال

همچو آویزه آذان عروسان حجال

کج ولیکن درجی چند فراز خورشید

راستی پنداری چون آبروی خوبان بمثال

صرت من ناعیه الدهر حزیناحتی

سال من عینی الدمع کسیل السلسال

واینك نمونه‌ای از غزلیات آنمرحوم از مجموعه

دانش نقل میشود :

نیست یکذره بجز مهر تواندر دل ما

گوئی آمیخته بامهر تو آب و گل ما

برطواف حرم دوست روانیم ولی

عشق دریاو عمل کشتی وغم ساحل ما

درپس زانوی غم تیره شیان بنشینم

بو که روشن شوذ از شمع رخت محفل ما

خوش هوائی است درمیکده یارب که مباد

جز که درسایـه فرخنده اومنزل مـا

ازخرددم مزن ایخواجه که درمزرع عشق

سوخت یکباره زغم برق جنون حاصل ما

آنچه معلوم شد از مدرسه و بحث اینست

که بتدبیر خرد حل نشود مشگل ما

حالیا عشق زدیوانه برانگیخت غبار

تاچه اندیشه نماید پس ازاین عاقل ما

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۱/فروردین ۱۳۴۵

. دانشمند محترم آقای بهرامی دبیر دبیرستان اصفهان ازمن خواستند نیمرخی از زندگی شادروان سیدحسن مدرس نماینده انقلابی ایران در ادوار دوم تاهفتم مجلس شورای ملی را بقلم بکشم گرچه اینکار برمن که بضاعتی مزجاة از تاریخ دارم مشکل بود و نویسنده ای نحریر و محققی متبحر میخواست که بانهایت شجاعت و شهامت زندگی سرتاسر نبرد و پرافتخار ایشانرابرای اطلاع هم میهنان عزیز برپرنیان بریزد و قبل از من نیز نویسندگان بزرگ ومحققین و سیاسیون معمر چون جنابان آقایان حائری زاده - فرخ - مکی - خواجه نوری - مرحوم مشیرالدوله - مرحوم ملك الشعرای بهار - مورخ الدوله سپهر هریك بسلیقه خودقیافه تابناك آنمرد شهیمرا مجسم کرده اند ولی از نظر قرابتی که بامرحوم مدرس طاب ثراه دارم و وظیفه میهنی دریغم آمد این مشك ختن را که ازاوان مشروطه تاحال صفحات تاریخ ایرانرا معطر کرده و اعمال و رفتارش درسی آموزنده برای آیندگان بوده درعدم اجرای دستور مولف کتاب جغرافیای تاریخی شهرضا در غبار گذشت ایام مستور دارم.

بقلم سید حسن مدرس اسفه‌ای
دبیر دبیرستانهای اصفهان

سید حسن مدرس

مرد دین و سیاست

امپریالیزم انگلستانرا اگر باسیم خار داری محاصره کنند دنیا از جنگ و خونریزی راحت خواهد شد (شادروان مدرس)

دشمن سرسخت انگلستان و برهم زننده جمهوری و مظهر حمیت و مجسمه عزت و نمونه تقوی در سال ۱۲۸۷ هجری در قریه سرابه کچو از توابع اردستان بدنیا آمد پدرش اسماعیل و جدش میر عبدالباقی از طایفه میرعابدین و بالاخره از سادات طباطبائی و ازطرف مادرزواره ای بود پیشه پدر و جدش تبلیغ احکام الهی و بطوریکه مسطور است نیز عبدالباقی از زهاد محسوب بود در اثر اختلاف با یکی از خوانین از اردستان بشهرضا (قمشه) رفت و تا پایان عمر در آنجا زیست میرعبدالباقی سیدحسن را از ٦ سالگی بقمشه برد و در زیر بالهای آهنین اراده و تقوی و فضیلتش پرورش داد مدرس در ۱٤ سالگی جدش را ازدست داد و حسب الوصیه او برای تحصیل عازم اصفهان گردید میرعبدالباقی واسماعیل جد پدرش مدرس در اسفه دوستانی داشتند و هوانست ورفت وآمد آنها با مردم ثمره از دواج مدرس

بایکی از فامیلهای مقتدر اسفه بنام(بیورتها) شد که ریشه عشایری داشتندو (نفر) نامیده میشدند (نفرهادسته ای هستند کهدر قصرچم نزدیك شهرضادر نقاط کوهستان زندگی میکنند)مدرس درحین ازدواج بتحصیل خود دراصفهان ادامه داد

در بیست و یك سالگی نیز پدرش در شهرضا روی در نقاب خاك کشید مدرس که خود واعقاب و انسابش ازقشرهای قعر اجتماع بوده و هستند ۱۳ سالدر اصفهان باگرسنگی کتاب خواند و از دریای بیکران دانش سی نفر استاد کهازجمله آنها آقامیرزا عبدالعلی هرندی نحوی ـ جهانگیر خانقشقائی آخوند محمد کاشانی بودند کسب فیض نمودند

بعداز واقعه دخانیه برای کسب فضیلت بیشتر بعتبات عالیات رفت وپس از زیارت اعتاب مقدسه و استمداد ازارواح طیبه بحضور آیت الله حاج میرزاحسن شیرازی مشرف ومدت هفت سال در اشرف متمرکز شد علاوه براستفاده ازمحاضر استادان فن واستفاضه از دانشمندان فرهومند و ادیب افتخار تلمذ مرحومین مغفورین حجتین کاظمین خراسانی و یزدی راپیدا کرده وپس از کسب درجه اجتهاد باپای پیاده و وضعی ناهنجار باصفهان مراجعت نمود

ابتدا در مدرسه جده کوچك (مدرسه ای است در بازار) بتدریس فقه واصول مشغول شد دیری نپائید که آثار نبوغ ودهای او ظاهر گشت تقوی و پاکدامنی وشجاعت تهور او مردم را باعجاب واداشت رقیبتی سرسخت برای ملاهای متنفذ گردید مردم اصفهان چون هاله ای اطرافش جمع شدند مدرس مشهور شد (چیزی را که دوست میداشت).

در جریان مشروطه جانب آزادی را گرفت و برای گسلانیدن زنجیرهای استبداد بامشروطه خواهان همرزم شد چون مرد دین وسیاست ومجتهد مسلم بود تا آخر عمر تقیه راهم روا نداشت جناحهای مخالف وقتی کوکبه اقبالش را درخشان دیدند کمر به قتلش بستند ویکروز در مدرسه جده بزرك درحالیکه پدرم در معیت او بود و بمهمانی مخالفین میرفت چهار نفر بسوی اوشلیك کردند که تیر ها بخطا رفت مدرس وقتی اسلحه کمری یکی از آنهارا گرفت گفت توقاتل من نیستی! ولی مهاجمین را ببخشید یکروزهم درعمارت فرمانداری درجواب صمصام السلطنه بختیاری که عازم تهران بود و میگفت سیصد چادر قلندری برای ماکافی نیست گفت درمراجعت از نجف درکوههای بختیاری یك دانه بلوط ندیدم وتو و ایادیت

همه را خورده بودید حالا نازمیکنی کـه صمصام السلطنه برآشفت ولی مدرس استفـاده خود را کرد .

پس از مدتی حسب الامر حجج اسلام بعنوان نماینده طراز اول مجلس شورای ملـی بایك گاری که مشهدی عباس سورچی آن بود بطهران حرکت و پس ازچندروزی توقف در منزل حاج امام جمعه خوئی (پدر جمال امـامی سناتور سابق) منزل مناسبت وارزانی گرفت و تا آخر روز ۱٦ مهرماه ۱۳۰۷ که بخواف تبعید شد درتهران مقیم گردید .

ابتدا ازمجلس حقوق نگرفت زیرا بنظرخودکاری نکرده بود .

مدرس میدانست عمر آنقدر کوتاهست که نمیارزد باینکه آدمی حقیر و کوچك بماند بهمین مناسبت تنها حربه خودرا که زبانش بود بکار انداخت .

مدرس اعلم‌تر واتقی‌تر واز کی‌تر ازهمه نبود ولی درشجاعت تالی نداشت باقدی بلند چهره‌ای زرد چشمانی نافذ . بدنی نحیف وزبانی چون شمشیر بجنك اقویا رفت ازطوفان حوادث هراسی نداشت برای نیل بهدف تاسرحد مرك پیش رفت درچنددوره وکالتش ضرب وشتم فراوان از ایادی استعمار دید اماهیچ بروی اثر نکرد در مجلس

طوری اظهار وجـود نمود کـه دشمنانش دوستش میداشتند .

راست میگفت عمل میکرد وبه خـدایان قـدرت و حکام دنیوی نیش میزد.

مبارزات سرسختانه اوعلیه استعمار مـخصـوصاً انگلستان که اورا دشمن سعادت ایرانیان میدانست اورا معروف کرد.

بهیچ قیمت خودرا نفروخت مرحوم ارباب کیخسرو نماینده اسبق مجلس نقل کرده بود دریکی از مسافرتهایم بانگلستان رهبر حزب کارگر بمن گفت مجلس ملی ما فقط یکنفر مدرس شمارا کم دارد سایه اندیشه های تابناك اوکم کم برتمام درو دیوار مملکت گسترده شد . شهری - بیابانی - کرد - لر - بلوچ - ترکمن - قشقائی - دهاتی اورا دوست میداشتند - مجتهد بود - مسلمان بود - نماز میخواند آز وحرص جمع آوری مال نداشت بهیچ چیز دنیا عشق نمی ورزید حتی فرزندان و اقاربش را از تهران راند که مبادا خارراه او بشوند.

مدرس مجموعه ای از نجابت - عظمت - عدالت بود خشن وبی پروا - آشتی ناپذیر ولجوج - میهن‌پرستی پرشور ومومن باصول مشروطه‌سلطنتی از اینکه درمجلس

اظهار میداشت بسیار دلنشین بودمدرس یك چهره استثنائی نبود ولی برای ایران تب آلود که استعمار گران برای ربودن کانها ومعادن ونفتش خواب میدیدندطبعی حاذق ومدافعی جسور بود -

یکربع قرن دولت انگلیس را ببازی گرفت - انگلیسی که با ١٦ میلیون کیلومتر مستعمره وشبه قاره هندبر دنیاسیادت داشت چه زمانیکه اصلاح طلب بود - چه‌دورانیکه رهبری‌اقلیت رابعهده‌داشت وچه‌موقعیکه‌نائب رئیس‌مجلس ورهبرا کثریت بودوهمیشه هشیارحوادث‌بود

مدرس درعین حال که یکنفر روشن فکر واقعی بود باتعصب درموقع تصویب قوانین‌مذهب اسلام‌راحفظ وازآن‌دفاع مینمود -

به‌نویسندگان به‌سخنرانان به‌دشمنان که‌نابخردانه سنك بهتان باو میزدند وروزی اورا نوکرانگلیس و روز دیگر کارگر روس وزمانی نور چشم آمریکا میدانستند هیچوقت نامز انگفت واز قدرتش سوء استفاده ننمودحتی روزی به سلیمان میرزا گفت چون سوسیالیست شدی باتو مخالفم .

مدرس‌میدانست که باارتجاع‌پیکار را آغاز کرده وبایدرنج را تحمل کند .

ازسیلی دکترا حیاء الاسلطنه که بتحریك تدین بصورت اوزده شد نرنجید ولی درمقابل موج بزرگی از جمعیت که مسلح به تفنك - سرنیزه - چوب و چماق وآجر بودند ومرده باد مدرس میگفتند گفت زنده باد خودم (آفرین براین روح واقعا اولاد علی ع بوده‌است)

مدرس بااین جرئت زور وزر نداشت برقلبها حکومت میکرد پس ازدوره‌دوم دوره‌های بعد بارای مردم بمجلس میرفت واز حق مردم دفاع مینمود .

مدرس پهلوانی بود بمیدان نبرد آمده و از کسی گریزان نبود درجنك بین‌الملل اول برای مباره باروسها ورد عقایدشان باتفاق دوستان بمهاجرت رفت ودرتشکیل حکومت‌ملی بریاست نظام‌السلطنه پست‌وزارت‌عدلیه‌واوقاف‌را گرفت درحین حرکت روزنهم از کاروان عقب افتاد و از میان سربازان روسی گذشت ولی لباس ساده وسروضع او احتمال شناسائی را بسربازان نداد و وقتی فهمیدند که مرغ ازقفس پریده بود .

مدرس پیرو این عقیده بود « سیاست راز دوستی جدا نگهدارد »

بابسیاری از رجال مثل وثوق الدوله دوست بود ولی در قرار داد ۱۹۱۹ برپیکر سیاستش زخم کاری زدو

بااین عمل دشمنی مجدانه انگلیس را برای خود خرید
قوام السلطنه‌را دوست میداشت چون قوی بود وضدانگلیسی
برخلاف آنچه نویسندگان تاحال نوشته‌اند روابط -
رضاشاه کبیر بامدرس ازلحاظ دوستی بسیار صمیمانه بود
وبطوریکه نقل میکنند رضاشاه گفته بود درایران دو مرد
هست یکی تو ودیگری من .

مدرس از این جهت پای بند مشروطه سلطنتی بود
که میدانست ملت ایران ازلحاظ رشد فرهنگی بسیار فقیر
است واگر خدای ناکرده حکومت جمهوری شود هرشب
یکدولت خارجی برای اویك رئیس جمهوری میسازد

مدرس چون شاهین تیزپری بود که از اوج -
آسمانها برتوده خاك ایران پرواز میکرد ومیخواست همه
چیزهاراهم سطح بانظرش بالا برد واینکار درکشور ایران
بسیار مشکل بود چون در انزمان یك جامعه متشکل نمیشد
بوجود آورد وآخوند وعامی نظامی وژاندارم و کارمند و
کاسب رادریك جبهه متحد کرد وبرای اعتلای وطن کوشید
واین بود که قوابطور تفکیك برای نیل به پیروزی -
شخصی کوشش میکرد -

سقوط دولتها - ترورها - خیمه شب بازیها هرج

ومرج دربیابانها واختلال دروضع دولت وکابینه همه معلول
همین انفکاك بود ساحل نشینان تایمز وخداوندان ماوراء
بحاروساکنین سیبری با گذاشتن چوب لای چرخ مجلسیان
ودولتها وسر گرم کردن بعضی ازسران عشایر خود بخود
قدرت مملکت را تحلیل میبردند روز نه امیدی برای هیچکس
نبود دراین حال باز بجان مدرس که یك تنه خودرا بآتش
زده میجنگد سوء قصد شد بدین شکل درشب ۷ آبانماه
۱۳۰۵ از پشت بام مدرسه سپهسالار چند نفر ناشناس مدرس
را بگلوله بستند ولی مشیت حق بقول خود مرحوم مدرس
سبب را بی اثر نمود وروز ۸ آبان ۱۳۰۵ روز نامه اطلاعات
چنین نوشت

خطر نیروریزم هرروز بما نزدیك میشودو بایدبگوئیم
هرقطره خون مدرس صدها مدرس تولید وجان خود را
درراه استقلال میهن واعتلای آن نثار خواهد کرد

ولی این عمل نیز برشهرت مدرس افزود و مقام
معنوی اوزیادتر شد ،

ایلات وعشایر نیز اورامی ستودند .

او ازترور دوم هم نیز نترسید وصلابت خود را از
دست نداد مدرس طوری بازی کرد که هم دنیارا داشت
وهم پس از شهادت نمرد (قبرش درکاشمر زیارتگاه خاص

وعام است)

مدرس تادوره هفتم مرتب نماینده شد و۱۷ مهرماه ۱۳۰۷ وقتی شب بالهای سیاه خودرا برجهان گسترد در خانه مسکونیش واقع در کوچه میرزا محمود وزیر خیابان چراغ برق تهران دستگیر وبخواف یکی از توابع خراسان نزدیك افغانستان تبعید گردید - مدت ده سال تنها زیست (فقط دراینمدت ٤۸ ساعت آقای دکتر عبدالباقی مدرس بامر واجازه شاه فقید نزدمدرس رفت واورا از نزدیك دید ولی این توفیق دیگر نصیب بـرادر و سایـر اولادان و خویشان او نشد)

مدرس دوجلد کتاب نوشت یکی فقه که نزد فرزند خویش آقای دکترعبدالباقی مدرس موجود است ودیگر کتاب زرد (راجع بسیاست) که بچنك مرحـوم دکتر ملك زاده افتاد وبفامیل مدرس نداد .

مدرس در روز ۱۹ رمضان ۱۳۱۷ یکساعت بغروب درزیرزمین منزل مخروبه ومحقری درکاشمر که من دیده‌ام مسموم ودرقبرستانی نزدیك آنخانه دردل شب هنگامیکه فقط چشمان ستارگان بازبود ومرغان حق میخوانـدند بخاك رفت .

درسال ۱۳۳۰ شمسی بدستور محمدرضاشاه شاهنشاه

آریامهر بپاس آزادگی وی بنای آبرومندی برایش ساخته شد مدرس اسفه برای فامیلش که از چند نفر انگشت شمار تجاوز نمیکنند ودروزارتخانه های آموزش وپرورش دادگستری - بهداری - انجام وظیفه میکنند دوچیز بیادگار گذاشت -

یکی خاطراتی خوب وافتخاراتی عظیم ودیگر پیراهنی سفید که باخون گلویش رنگین شد - خاتمه

۲۳ فروردین ۱۳٤٥ سیدحسن مدرس اسفه‌ای
دبیردبیرستانهای اصفهان

شیخ محمد علی زاهد

شیخ محمد علی متخلص بزاهد فرزند مشهدی حسین یکی ازدانشمندان وشعرای عارف شهرضا است که درماه رمضان ۱۲۹۰ قمری درشهرضا متولد شده وازدوران کودکی بفرا گرفتن علم و کسب کمال پرداخته وپس از آنکه مقدمات صرف ونحو وادبیات فارسی رادر موطن خود آموخته است درسن ۱۵ سالگی باصفهان مهاجرت نموده و تامدت بیست سالگی نزد اساتیدی بزرك مانند مرحوم جهانگیر خان قشقائی وآیت‌الله نجفی و آخوند کاشی و آیت‌الله فشارکی کسب دانش نموده است سپس برای کسب

ومعلومات بیشتر و سیاحت در قسمتهای مختلف درسن ۳۵ سالگی ببغداد ، کویت وشهرهای جنوبی ایران مسافرت نموده ومحضر بسیاری از حکما ودانشمندان آن نواحی رادرك واستفاده علمی نموده است .

بالاخره در ٤٥ سالگی مجددا بشهرضا مراجعت نموده وتا آخر عمر دراین شهراوقات خودرا بمطالعه و تدریس میگذراند وچون برای تشکیل فرهنك و مدارس بطرز جدید اولین بار درشهرضا پیش قدم شده وشخصا تدریس نموده لذا اورا ابوالمعارف این شهر نامیده اند

درسالنامه فرهنگی شهرضا صفحه ۴۹ دراینخصوص

چنین نوشته شده

.... مرحوم زاهد دارای افکار بسیار روشن وطبعی بس سلیس وروان وذوقی عارفانه بود و در انواع علوم حکمت وفلسفه ، فقه و اصول ومعانی بیان تسلط کامل داشت وچون اول کسی بوده که درفرهنك این شهرستان شغل آموزگاری اختیار وخدماتی بمردم این دیار نموده است لذااورا ابوالمعارف شهرضا مینامند

مرحوم زاهدازسال ۱۲۹۸ شمسی که اولین مدرسه درشهرضا افتتاح گردید تاسال ۱۳۲۰ درفرهنك شهرضا بتدریس اشتغال داشته است ودرآخر عمر بواسطه ضعف

قوا از شغل خویش کناره گیری نموده ودر روز جمعه۲۲ تیرماه /۱۳۲۲ شمسی (حدود ۱۳٦۲ قمری) درشهرضا وفات نموده است ازنامبرده چند نفر اولاد ذکور باقـی مانده که اغلب دررشته های علوم جدید تحقیقاتی دارند واینك دردبیرستانها دررشته‌های مختلف مشغول تدریس میباشند ،

زاهد درسرودن اشعار مهارت بسزائـی داشته و دیوانی خطی ازوی بیادگار مانـده است کـه فرزندانش بفکر چاپ آن میباشند .

این دیوان قریب ۱۰۰۰ بیت دارد وبطوریکـه بستگان آنمرحوم اظهار میکنند مقدار زیادی هم اشعار پراکنده دارد که میبایست جمع آوری وطبع شود توفیق آنانرا دراهتمام باین اندیشه ازخداوند خواهانم .

اکنون نمونه‌ای ازشعار مرحوم زاهد نقل میشود

ماعلم عشق ازدل آزاد خوانده‌ایم

نی ازطریق صحبت وفریاد خوانده‌ایم

فاش وعیان حقایق اسرار کائنات

بی قیل وقال خدمت استاد خوانده‌ایم

ماصرف و نحوومنطق واعراب‌واشتقاق

فقه و اصول وکافی وارشادخوانده ایم

اکسیر روح وجفروطلسمات‌پنج‌پنج

رمل‌ونجوم وهیائت‌واعـدادخوانده‌ایم

اداب ختم وخلوت وتسخیرانروا

سرحروف زایج وارصاد خوانده‌ایم

ماحکمت بیـان و معانی بس بدیع

زاشراق جام‌درخط بغداد خوانده‌ایم

آئین‌دین ودانش واحکام‌شرع پاك

بی‌مکرو کبرو کینه والحادخوانده‌ایم

جغرافیای‌خطه اقلیم معرفت

ازروی لوح نقشه ایجادخوانده‌ایم

تاریخ دهر ونسخه اوضاع روز گار

خالی‌زشك وشبهه‌وایرادخوانده ایم

طب وحساب‌وهندسه‌و سحروکیمیا

اسفار نفس و مبداومیعادخوانده‌ایم

ماعکس‌روی سیرت آباء وامهات ـ

زآئینه سرائر اولادخواندایم

شیرین تراز حکایت مجنون عابری

ماداستان دلکش فرهاد خوانده‌ایم

بیهوده بود و باطل و نابود هجی اثر

عمری که کنج مدرسه اوراد خوانده ایم

مادرس عشق وشیوه رفتار عاشقی

(زاهد) صفت بمحضر اوتاد خوانده ایم

تفسیر دل پذیر خطایات ارجعی

ازسنك لوح تربیت اجداد خوانده ایم

حکیم فرزانه

یکی از اساتید بزرگوار و حکماء عالیمقدار معاصر آقای شیخ محمد هادی فرزانه شهرضائی است پدر او مرحوم ملا محمد مهدی از جمله علما وائمه جماعت مراجع تقلید این شهرستان بوده ودرعلوم مقدماتی وصرف ونحو ومعانی بیان وغیره استادی کامل بشمار می رفته است ریاضیات از قبیل حساب و هندسه وهیئت را نیکو میدانست ، فقه واصول را نزد مرحوم حاج ملا حسینعلی تویسرکانی دانشمند معروف تحصیل و سپس برای دوره مربوطه و انجام تحصیلات عالیه بنجف اشرف مهاجرت و مدت سه سال در آنجا بتحصیل علم و دانش اشتغال داشته است . حکیم فرزانه در سال ۱۳۰۲ هجری قمری درخاندان علم و دانش و کانون فلسفه و حکمت پا بعرصه ی وجود گذاشت ، تحصیلات

مقدماتی خود را از محضر پدر دانشمند خود استفاده و سپس
برای تحصیل منطق و کلام مدت هفت سال محضر فیلسوف
بزرك میرزا نصرالله حکیم را درك و چون دارای استعدادی
کافی و هوشی سرشار وتند بوده است همواره مورد توجه و
احترام استاد خود قرار می گرفته پس از فوت نا مبرده
باصفهان مهاجرت و فرائد و متاجر را نزد مرحوم آخوند
عبدالکریم گزی رحمت الله علیه تکمیل و فقه و اصول
را نزد مرحوم آقا سید محمد باقر و حاج میر محمد صادق
و قسمتی هم نزد مرحوم حاجمیرزا عبدالحسین سیدالعراقین
و علم طب را خدمت مرحوم میرزا محمد باقر اصفهانی که
در طب قدیم استاد بود انجام و پس از تکمیل تحصیلات
بموطن اصلی خودشهرضا مراجعت و مشغول مطالعات علمی
و تحقیقات فلسفی گردیده است . اگر در باره مدارج
علمی و مراتب فضل و دانش استاد گرامی توجه شود بخوبی
مسلم خواهد شد که از دانشمندان معاصر وبلکه قرون
اخیر کمتر کسی بپایه و مایه وی در عالم علم وحکمت پا
بعرصه وجود نهاده است در انواع فنون حکمت،طبیعی،الهی
ریاضی وغیره وهم چنین در ادبیات و علوم عربیه و علم کلام
فقه واصول و غیره استادی کامل محسوب ودانشمندی
جامع منقول است .

از فلاسفه متقدم بیشتر به معلم ثانی ابونصرفارابی وشیخ الرئیس ابوعلی سیناعقیده‌مند ودرباره تصنیفات این دو فیلسوف شهیر تحقیقات و بررسی های مفصل‌دارد وبالجمله برای‌فهم مطالب‌شیخ الرئیس‌و تدریس تصنیفات او(اشارات وشفاوقانون‌وغیره)اگرمدعی‌شویم که‌بین‌حکماء معاصر منحصربفرد می‌باشد تحققاً بخطانرفته وراه گزاف نپیموده ایم وروی‌همین‌اصل دانشکده‌های‌اصفهان وتهران نیز مکرر محضر مشار الیه را درك و تقاضای مسافرت بشهرستانهای نامبرده و تشکیل حوزه علمی و فلسفی را نموده اند ولی شخص‌ایشان همچنانکه عادت اساتید این فن‌است هرگز بقبول این امر تن درنداده انزوا و اعتکاف را برمسافرت ومهاجرت اختیار کرده‌است.

طریقه او در حکمت تقریبا نزدیك بمشائین است اینکه می‌گوییم نزدیك بمشائین بدین مناسب است که در بعضی موارد عقیده ایشان بانظریه حکما مشائین اختلاف داشته است مثلا در مساله علم واجب باشیاء که مشائین قائل بصور مرتسمه می باشند او بنحو دیگری استدلال واضافه می‌نماید که از گفتار شیخ هم درشفا و اشارات و سایر تصنیفات او مطلبی که دلیل بر اتخاذ وتایید این عقیده باشد وجود نداردوهمچنین‌در اثبات‌واجب

الوجود و توحیداودارای برهانی است که بطریقهٔ‌ی صدیقین بیشتر شبیه است تاطرق دیگر و بالاخره درتطبیق قواعد و آداب حکمت بااصول وموازین شریعت استادی کامـل می باشد .

« نقل از نشریه فرهنگی شهرضا سال ۱۳۲۹»

همانطور که درمقاله سابق ذکرشده است استاد پس‌ازفراغ از تحصیل و بازگشت به مـوطـن خـود درمنزل شخصی جلسات تدریسی دائر نمود ایـن جلسات همه روزه صبح ها بدون وقفه و تعطیل واغلب عصرها دائر بود

حکیم بزرگوارمدت ٤٧ سال به تدریس کتابهای متعدد درعلوم مختلف بشرح‌اذیل اشتغال ورزید درصرف ونحو غربی : سیوطی ، شرح نظام ، شرح جامی ، مغنی مطول

درفقه : شرایع ، شرح لمعه ، مکاسب ، شرح کبیر

دراصول : معالم ، قوانین ، کفایه .

درمنطق : حاشیه ؛ شرح شمسیه ، شرح مطالـع منطق اشارات ؛ منطق منظومه ؛ منطق شفا ـ

درفلسفه : شرح منظومه، شرح اشارات ، الشواهد الربوبیه ، اسفار ، شفا ؛ شرح تجرید ـ

درعرفان : شرح حکمه الاشراق ؛ شـرح فصوص

محی‌الدین ابن عربی

در ادبیات عرب : مقامات حریری ؛ نهج البلاغه

در تفسیر : تفسیر صافی .

اهتمام این حکیم بزرگوار در افاده و افاضه و تدریس بدون هیچ گونه توقع و انتظاری بحدی بود که تا روز دوشنبه اول آذر ماه ۱۳۴٤ یعنی دو روز قبل از فوت خود نیز اسفار و مکاسب و قوانین و حکمة الاشراق و منظومه را تدریس فرمود که بطور کلی باید گفت که آن فقید سعید از تدریس کتب فلسفه و حکمت و کلام و فقه و عرفان و تفسیر و ادب و صرف و نحو بهر کس و در هر زمان دریغ نداشت و ابواب افاضات او بروی طلاب از کوچك و بزرك و مبتدی و منتهی باز بود -

در سال ۱۳۳۵ دانشگاه از حکیم فرزانه دعوت نمود تا برای تدریس حکمت بدانجا رود - حکیم جلیل القدر در پاسخ دانشگاه نامه‌ای نگاشت که در آن این عبارت ذکر شده بود

«. . . افسوس که وقتی از من یاد شده است که قوت رو بضعف نهاده وضعف رو بقوت . . . »

استاد علامه مفضال جناب فروزانفر رئیس محترم دانشکده علوم معقول و منقول در جواب نامه حکیم فرزانه چنین نگاشتند :

محضرشریف جناب مستطاب افضل المتأخرین زمانا قدوه

اهل حکمت ومعرفت آقای شیخ هادی فرزانه دامت افاضاته

مرقومه شریفه را زیارت کردم از دیدار خط منیف نوری دردل وجان یافتم اما تقاضای تشریف فرمائی جناب عالی به تهران و تدریس دردانشگاه مبتنی برچند امر بود

یکی آنکه علوم عقلی بعلت عدم توجه در این نیم قرن اخیر مشرف برزوال وانقطاع است وحفظ آن برعهده کسانی است که وارث این علم وحامل این امانتند و شخص جنابعالی چنانکه شنیده‌ام امروز دراین رشته کم نظیر هستید و گمان دارم که نشروحفظ آن بیشتر در عهده‌ی همت‌اوفداکاری آن جناب باشد تادیگران . خاصه این ضعیف که درفنون حکمت خوضی نپیوسته است و مفاد حدیث شریف فعلی العالم ان یظهر علمه مصداقش در عهد ما نسبت بعلوم عقلی‌وجود عالی است که ینبوع فضائل ومعدن کمالات نفسانی وملکی است .

دیگر آنکه وجود کثیر الخیر عالی درآن شهر مانند گوهری خسروانی و یاجوهری عرشی است که در کاهدان افتاده ویابدست آلودگان خاك رسیده باشد و

و ارادتمند براین عزیمت بود که آن گوهر در دست خریداران گوهر شناس باشد و در عرصه دانشگاه که مرکز حقیقی علم است نورپاشی کند چنانکه از هنگام تصمیم بدعوت جنابعالی همه روز قریب هزارطالب علم که متعطشان زلال حکمت ومشتاقان فیض دریای معرفت آن حکیم منفرد هستند مترصـد خبرورود قـدوم کثیر البرکات جناب عالی بوده‌اند .

سدیگر که تصور میکردم برشخص عالی که قطعا مایل بنشر علوم ومعارف آل محمد « ص » هستید اکنون کەوسایل آن درطهران درحد امـکان فراهـم شده است خوشتر خواهد گذشت واز آفتاب فضایل عالی ذرات‌حقیر امثال‌این ضعیف مستفیض‌خـواهندشدوهمین امر مـوجب تقویت باطن وتأیید ضمیر منیر آن دانشمند خواهدبود .

امامسأله ضعف قوی وقـوت جهات ضعف چنانـکه میدانم عوامل آن درطهران وشاهرضا یکسان است بلکه شاید وسایل ظاهری تقویت بنیت درطهران فراهم تر باشد وامااشکالات خانوادگی آنهمه هیچ است وتاحد امکان در آسایش خیال جناب عالی سعی خواهد رفت هیچ نگران نبایدبود وابوبتی باهلکم‌اجمعین واگرمختصرملاحظه‌یی‌هم دارند ممکنست یك چند بعنوان تفرج وبرسبیل اختیار

تشریف بیاورند بعد از آن راه شاهرضا همیشه باز است و بازگشت میسر باکمال‌صدق نیت عرض میکنم که بنده در تقاضای خود مصرم و آنرا بصلاح عالم و صلاح شخص ارجمند عالی و آقازادگان که باید در محیط وسیعی زندگی کنند میدانم وحق‌تعالی شاهد است که هیچگونه عرض نفسانی ندارم و چه جای غرض تواند بود که بنده اینجا و جنابعالی در شاهرضا جز عشق بفضیلت محرض نمیشود که بمقام عالی استادی دانشگاه که هم اکنون عده کثیر هر گونه وسیله‌ای می انگیزند تا بدان رتبه نایل آیند و کسی جوابشان باز نمیدهد وجود مبارك را دعوت کند و مقدمات‌و وسائل آنرا بدون‌تقدیم طلب‌از جانب مفیض عالی فراهم آورند

بهر حال اینکه خط عالی را زیارت کردم و ثمره وجود شریف‌آقای دکتر فرزانه را ایده‌الله‌بمواهب التوفیق دیدار نمودم موجب تشکر ومسرت است و امیدوارم که حقتعالی اسباب دیدار و شرف دستبوس و افاضات و افادات عالیه را هرچه زودتر میسر فرماید باتقدیم ارادت ۳۵/۹/۱۶

مخلص فروزانفر

حضرت آیت‌اله حاج میرزا محمدرضا مهدوی

حضرت حجت‌الاسلام آقای حاج میرزا محمدرضا مهدوی فرزند مرحوم آیت‌اله میرزا محمد مهدی در سال ۱۳۰۲ قمری در شهرضا متولد و تحصیلات مقدماتی وفقه و اصول و فلسفه را در محضر پدر دانشمند خود فرا گرفته پس‌از آن مدتی برای تکمیل معلومات و تحقیق و تتبع در علوم مختلف بمسافرت پرداختند و فلسفه را نزد

مرحومین ملامحمد کاشی و جهانگیرخان قشقائی و در نجف اشرف
در محضر آقاشیخ مرتضی طالقانی و آقا سید حسین‌باد کوبه‌ای بپایان
رسانیده و فقه‌و اصول را به‌ترتیب در خدمت مرحوم حاج میرزامحمدصادق
مدرس و مرحوم سید ابوالقاسم دهکردی و آسید ابوالحسن اصفهانی
و آقا ضیاء عراقی تکمیل فرموده و بدرجه اجتهاد نائل آمده‌اند حضرت
آقای مهدوی درک محضر ۳۷ نفر از اساتید بزرگوار را نموده
ودر انواع علوم‌و فنون و دانش‌و حکمت تبحر وتسلط کامل یافته‌اند چنانکه
اغلب از اساتید و علماء معاصر مراتب فضل‌و دانش معظم‌له را ستوده‌و
درجه اجتهاد و تسلط علمی ایشان را تایید و تصدیق نموده‌اند که
برای نمونه باظهار نظر حضرت آیت‌اله اصفهانی و مرحوم فشارکی
اشاره میگردد ملخص نظریه مرحوم آیت‌اله آقای آسید ابوالحسن
اصفهانی ———————— وبعد فان جناب العالم الفاضل المهذب
الکامل عمادالاعلام و مصباح الظلام ولدنا الزکی النقی‌الورع التقی
الحاج شیخ محمدرضا القمیشه سلمه‌اله تعالی من صرف عمره‌الشریف
فی‌التحصیل العلوم الشرعیه و تنقیح مبانیها النظریه و قدادر تقی
من‌العلم و العمل مدارج عالیه و بلغ مرتبه الاجتهاد و صار بحمداله تعالی
من‌العلماء الاعیان . . الخ سنه ۱۳۴۴ الاحقر ابوالحسن‌الموسوی الاصفهانی

ملخص نظریه مرحوم آیةاله فشارکی

. . . مختصراً الیوم سرکار شریعتمدار قدوة العلماء و المجتهدین و
مرجع الانام فی‌احکام شریعت سیدالمرسلین العالم الفقیه‌و المجتهد البصیر

جامع المعقول و المنقول حاوی‌الفروع و الاصول النافذ حکمه و تعلیمه‌فی امورالدین آقای حاج‌میرزا محمدرضا قمیشه‌ای میباشد ... الخ ۱۴ محرم ۱۳۵۱ حسین الفشارکی

حکیم بزرگوار از افتخارات شهرضا و در موطن خود به بیان احکام اسلامی و نشر حقایق دینی اشتغال دارند

استاد بزرگوار محیی‌الدین‌مهدی‌الهی قمشه‌ای

متولد ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ قمری

دانشمند نامی جناب آقای حاج شیخ محیی‌الدین مهدی‌الهی قمیشه‌ای فرزند مرحوم شیخ ابوالحسن الهی اجدادشان اهل و ساکن بحرین بوده همگی از زهاد و علمای عصر خویش بشمار میرفته‌اند بطوریکه استاد در شرح حال خودکه در ابتدای کتاب توحید هوشمندان بنظم در آورده متذکر شده‌اند درزمان نادرشاه افشار اجدادشان از بحرین کوچ کرده‌و در شهرضا (قمیشه‌سابق) رحل اقامت افکنده‌اند چه این محل را از نقطه‌نظر استعدادورو حیه‌مردمش برسایر نقاط ترجیح داده‌اند

چه شهری شیعه خوی و مرتضی دوست

بصدق و ذوق و هوش اهلش مخمر

یکی شهریست حکمت خیز و دروی

بسی بودند مردان سخن‌ور

چنان دیوانه و صهبای دانا

حکیم مصطفای فضل گستر

همان نصرالـه و فـرزانـه استـاد

بـخلقـان هـادی شـرع پـیمبـر

استاد الهی در عنفوان جوانی برای کسب دانش و تحصیل علم باصفهان مسافرت نموده و بعداً به مشهد مقدس رفته و مدتی در آنجا از محضر اساتید چندی از قبیل حکیم آقابزرگ و فقیه حاج آقـا حسین قمی که از مشاهیر فقهـای عصر بودنـد و شیخ عـارف استفاضه فرموده وتحصیلات خودرا دررشته حکمتو فلسفهو فقهو اصول بپایان رسانده‌اند پس از آندر محرم ۱۳۴۶ قمری به تهران رهسپار و در آنجا مقام گزیده‌اند و اکنون چند سال است که در دانشگاه تهران دانشکده معقول و منقول بتدریس فلسفه و حکمت اشتغال دارند از آثار ایشان که‌منتشر شده کتا های چندی در تفسیر قرآن و حکمت و فلسفه و اخلاق همچنین حکمت الهی و توحید هوشمندان و چندین جلد کتاب دیگر را می توان نامبرد .

بخش سمیرم بالا

بخش سمیرم بالا در سمت جنوب و متصل به بخش سمیرم پائین ومحدود است ازشمال بدهستان سمیرم پائین از جنوب به سی سخت از مشرق‌به شهرستان آباده و از مغرب به بخش گندمان و شهرستان شهرکرد منطقه‌ایست کوهستانی آب و هوای آن معتدل دارای زمستان شدید بطوریکه در این فصل راههای دهات این بخش از برف مسدود میشود مهمترین کوههای بخش سمیرم در جنوب کوه دینار است که بلندترین

قله آن ۵۰۰۰/ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و کوه بهروز و الجوق
در شمال سمیرم کوه چال قفاو ابوساقی در مغرب و کوه بابك در جنوب
وکوه سیاه که قصبه سمیرم در جنوب این کوه واقع شده تنگه‌های آن
در جنوب تنگ‌خشك برون‌و تنگ خون. در شمال که‌مهرخل قصبه سمیرم
محسوب میشودو راه ماشین‌رو شهرضا به سمیرم از این تنگ میگذرد و
دارای گردنه‌های زیادی است از رودخانه‌های سمیرم رودخانه حنا
گندمان . شمس‌آباد که همگی برودخانه · خرسان ملحق‌و برود کارون
میریزد. ازسمیرم بشهرضا و قصبه‌های ونك وحناو فلارد راه ماشین‌رو
بوده و به بقیه قراء بوسیله راههای مال‌رو ایاب‌وذهاب میشود . این بخش
از ۱۱۳ آبادی بزرگ و کوچك تشکیل شده و جمعیت آن در حدود
سی هزار نفر مذهب آن‌ها شیعه‌اثنی عشری‌و زبان آنهافارسی لری و ترکی
است . محصول عمده این بخش گندم . جو نخود عدس و فراورده‌های
دامی از قبیل پشم روغن پوست و شغل اکثر سکنه گله‌داری و زراعت است
صنایع دستی آنها قالی بافی گلیم‌و جاجیم بافی است که رنگهای انها
طبیعی و دارای ظرافت خاص و مرغوبیت بافت میباشد . آب آشامیدنی
و مزروعی آنها از چشمه‌سارها و رودخانه میباشد بخش سمیرم علیا را
سابقاً شش ناحیه میخواندند و مرکزآن سمیرم فعلی بوده قسمتی از مندرجات
کتاب تاریخ‌فارسنامه ناصری که مربوط به این بخش میباشد عیناً نقل میکنیم
« درقدیم به شش بلوك قسمت بوده همه را یکی نموده در تحت یك
حکومت قرار داده‌اند و از قدیم تا کنون همیشه حکومت و ضابطی

این بلوك با خوانین قشقائی بوده و تا کنون در تصرف داراب‌خان ایل بگی قشقائی باقی است و این شش ناحیه از اینقرار است ناحیه پادنا قصبه آن خور است . ناحیه حنا قصبه آن را نیز حنا گویند ناحیه سمیرم قصبه آن نیز سمیرم ناحیه فلارد قصبه آن نیز فلارد ناحیه وردشت قصبه آن گرم آباد و ناحیه ونك قصبه آنرا نیز ونك گویند تمیزوتشخیص هر یك از این نواحی از دیگری بدست نیامد که نگاشته گردد و و اکنون قصبه تمام سرحد شش ناحیه قصبه سمیرم است عرضش از خط استوا ۳۱درجه و ۲۳ دقیقه وطول آن از گرینویچ رصد خانه انگلستان ۵۱ درجه ۴۷ دقیقه و ۲۰ ثانیه است .... جماعتی از اعیان از سمیرم بر خواسته‌اند مانند وزیر بی نظیر عبدالرحمن سمیرمی وزیر شاه سلطان برکیارق پسر سلطان‌ملك شاه‌سلجوقی در سال چهارصدو نود بدست ملاحده اسماعیلی کشته شد و مانند کمال‌الدین ابوطالب علی‌سمیرمی مدتها بوزارت سلطان شاه محمود پسر سلطان محمد پسر ملکشاه سلجوقی برقرار بوده و ابواسماعیل حسین مویدالدین‌ابن علی اصفهانی مشهور بطغرائی صاحب قصیده لامیه العجم که در اکناف عالم شهرتی تمام دارد وزیر سلطان مسعود برادر سلطان محمود بود در نزدیکی شهر همدان میان این دو برادر جنگ اتفاق افتاد و سلطان محمود غالب گشت و طغرائی اسیر گردید و کمال‌الدین علی‌سمیرمی که دشمنی دیرینه با طغرائی داشت در خدمت سلطان محمود بدگوئی از طغرائی نمود که سلطان او را بکشت و در سال ۵۱۶ هجری بخونخواهی

طغرائی غلام سیاهی کمال‌الدین علی‌سمیرمی را در بازار بغداد بکشت و طغرائی کسی را گویند که در صدر فرامین سلاطین‌خطی بطلا نگارد ودر صفحه ۳۱۸ کتاب بستان السیاحه راجع به سمیرم مینویسد سمیرم‌علیا از مضافات فارس است اب و هوای خوش دارد مردمش شیعه مذهب و لر مشربند و سمیرم سفلی تابع قمیشه است

شهرستان سمیرم علیا

شهرستان سمیرم در ۷۳ کیلومتری جنوب شهرضا واقع گردیده طول جغرافیائی آن ۵۱ درجه و۴۷ دقیقه و ۲۰ ثانیه‌شرقی از نصف‌النهار گرینویچ وعرض آن۳۱ درجه‌و ۲۳ دقیقه شمالی ارتفاع آن‌از سطح دریا ۲۴۰۰/ متر است که۷۸۴ متر از شهرضا مرتفع‌تر است

هوای قصبه بواسطه ارتفاع زیاد و کثرت درختان تابستان معتدل و زمستان سرد است در موقع نزول برف راه اتومبیل‌رو این منطقه در تنگ دلیه بسته‌میشود اطراف بکوههای‌بلند محاط شده و مرکز رفت‌وآمد و دادوستد ییلاقی عشایر قشقائی است آب‌مشروب زراعتی‌آن‌از چشمه ورودخانه تأمین میشود چشمه‌های معروف آن چشمه خونسار چشمه علی چشمه شیر برنجی و چشمه‌خونی که‌آب آنها بسیار گوارااست و اهالی باوجود عدم مراعات بهداشت بعلت آب و هوای خوب اغلب سالم و با نشاط میباشند.

محصولات عمده‌آن غلات و حبوبات ودر سابق تریاك بوده است جمعیت آن ۱۲۰۰۰ نفر وزبان‌آنها فارسی وترکی‌شیعه مذهب و مردمی فعال وروشن ضمیر دارد شغل ساکنین آن زراعت‌و گله‌داری است‌در حدود ۱۰۰ باب

مغازه دارد که در زمستان اغلب آنها تعطیل است در حدود ۱۵۰۰ خانه دارد

که در دامنه کوه شهیدان طوری واقع شده که خانه‌های طبقه بالا بخانه‌های

طبقه پائین چشم‌انداز دارد و از اکثر خانه‌ها چشمه‌های ذکرشده عبور میکند

ساختمان منازل اغلب گلی و سنگی است صنایع دستی مردم سمیرم گلیم بافی

و جاجیم و قالی‌بافی است

سمیرم محل ییلاق ایلات عمله دره‌شوری فارسی مدان قراچه از ایل بزرگ

قشقائی است از آثار تاریخی امامزاده ابراهیم که زیارتگاه عموم اهالی است و

مقبره سرهنگ قشقاهی که در واقعه جنگ سمیرم در سال ۱۳۲۲ بدست عشایر و

بویراحمد ناجوانمردانه شهید و در دامنه کوه شهیدان مدفون گردیده است

از مشاهیر و معاریف سمیرم در قرن اخیر مرحوم علامه و دانشمند بزرگوار

جهانگیرخان قشقائی را می‌توان نامبرد ۱۱۵ قصبه و دهکده جزو توابع

سمیرم است که از شرح جزئیات خودداری میگردد

بخش سمیرم پائین

این بخش در شمال باختری شهرستان شهرضا واقع و محدود است از

شمال بدهستان دشتنا بخش فلاورجان شهرستان اصفهان از جنوب به

سمیرم بالا از مشرق برشته ارتفاعات زرد کوه طالخونی که خط‌الراس آن

از حدطبیعی این بخش تا بخش حومه میباشد. از مغرب برشته ارتفاعات کوه

قمیشلو و کوه بیدگان که خط‌الراس آن حد طبیعی این بخش با شهرستان

بروجن است وضع طبیعی این بخش دارای دو رشته کوه میباشد ۱ رشته کوههای

شرقی که در جهت جنوب شرقی به شمال شرقی کشیده شده و مهمترین

کوههای آن زردکوه و طالخونی است ۲ رشته ارتفاعات غربی که درجهت جنوب شرقی بشمال شرقی کشیده شده مهمترین کوههای آن عبارتست از کوه قمیشلو و کوه بیدگان که تنگ دزدان در انتهای شمال شرقی کوه قمیشلو واقع شده وراه مالرو این بخش با بخش بروجن از این تنگه میگذرد رودخانه وراب که از دامنه ارتفاعات شرقی سرچشمه گرفته و در نزدیکی دهکده شیخ آباد بزاینده رود میریزد و چند رودخانه کوچك دیگر از قبیل رودخانه دهقان و اسفرجان که عمده آنها مسیل سیلابهای بهاری میباشد وغیر از فصل بارندگی در تمیر ایام سال خشك می باشد .

آب وهوا نظر باینکه قراء و قصبات ایـن بخش در جلگه واقع شده دارای هوائی معتدل وسالم میباشد آب زراعتی قراء تابعه بخش از قنوات و چاهها تامین میشود محصول عمده این بخش غلات وحبوبات ومیوه جات وصیفی میباشد شغل عمده اهالـی زراعـت وگلـه داری و صنایـع دستی محلی کرباس بافی وگیوه چینی میباشد .

راهها ـ راه ماشین رومبارکه بطالخونچه وقمبوان که در حد شرقی ازدامنه ارتفاعات این قسمت میگذرد ودهات عمده در کنار این جاده واقع و بوسیله راههای ماشین رو بهم مربوطند دیگری راه شهرضا ، دهاقان که این راه از شهرضا تابروجن اسفالت گردیده وقسمتی از جاده شهرضا به اهواز محسوب میگردد وراه ماشین رو شهرضا باسفرجان وهونجان کـه بطـور طبیعی قـابل عبور میباشد ضمناً اکثر دهات این بخش بوسیله راههای فرعی بیکدیگر مربوطند تقسیمات بخش ـ این بخش از ۵۲ آبادی بزرك وکوچك تشکیل شده و جمعیت

آن درحدود ۴۶۰۰۰ نفر که‌زبان آنها بجز چنددهکده‌عشیره‌نشین که‌ترکی میباشد بقیه‌فارسی ومذهب آنها شیعه‌اثنی‌عشری است قراء‌وقصبات‌مهم‌این‌بخش عبارتند از دهاقان‌ـاسفرجان ـهونجان‌ـطالخونچه‌ـقمبوان‌ـقمیشلوـ بابکان وپوده که‌ذیلا بطور مشروح ذکر میشود .

۱ـ اسفرجان ـ واقع است در ۳۱ کیلو متری جنوب شهرضا متصل براه ماشین‌رو شهرضا باسفرجان درسرراه شهرضا بهونجان واقع‌شده‌از آبادیهای قدیمی که‌درکتاب بستان‌السیاحه درصفحه ۷۲ درذکرآن اینطور نوشته شده . . . قریه‌ایست مسرت مقرون قریب پانصدباب خانه دارد و مواضع چند مضافات اوست جائی است خرم ومحلی است بهجت‌توام آبش ازرودودوکواره اکثر فواکه‌سردسیریش ممتاز خصوصاً گردکان و بادام و زردالو در اینجا بامتیازاست‌مردمش‌شیعه مذهب ورند مشربند وآن‌قریه‌ازتوابع‌قصبه‌قمیشه‌میباشد اسفرجان ازمغرب وجنوب محدود وبکوه وآبادی در دوطرف دره واقع که ابنیه وخانه‌های آن در بلندی و باغات ومزارع آن در پائین قرار دارد ساختمان خانه‌ها ازخشت و سنك و کوچه‌های آن پست و بلند و پرپیچ‌وخم میباشد هوایش کوهستانی ومعتدل و محل‌تفریح وییلاق اهالی شهرضا میباشد آب آن ازرودخانه وچشمه وقنات ومحصولات‌عمده‌آن غلات‌وحبوبات‌وانگور وزمینیت عیناشف میوه‌جات سردسیرش‌ممتاز مخصوصاً سیب‌وگردووآلبالووهلو آن معروف ومیوه‌عمده‌شهرضا ازآنمحل تامین میشود .

ازصنایع دستی قالی بافی وکرباس‌بافی رواج دارد شغل‌عمده اهالی زراعت وگله‌داری است جمعیت‌آن ۵۵۰۰ نفر مذهب عموم شیعه‌اثنی‌عشری وزبان

مردمش فارسی است از ابنیه تاریخی اسفرجان آثار سد قدیمی قتلق شاه و امامزاده ای که زیارتگاه اهالی وچند سنگ لوح قدیمی رامیتوان نامبرد

۲ـ امین آباد دهی است واقع در ۴۴ کیلومتری جنوب شرقی شهرضا متصل براه شوسه شهرضا بهشیراز درجلگه واقع هوایش معتدل وجمعیت آن ۶۳۰ نفر مذهب اهالی شیعه زبان آنها فارسی آب مشروب ازقنات محصولات عمده غلات وپنبه وحبوبات شغل عمده اهالی زراعت دارای یکباب دبستان میباشد

۳ـ آبرو دهی است واقع در ۵۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا متصل بدره فرعی مبارکه بحوض ماهی منطقه ایست کوهستانی معتدل و سکنه آن درحدود ۳۰۰ نفر مذهب اهالی شیعه زبان فارسی آب مشروب از قنات محصولات غله پنبه وانگور شغل اهالی زراعت وگله داری ساختمانهای آن گلی وخشتی دارای یکباب دبستان پسرانه میباشد

۴ـ اسماعیل خان دهی است واقع در ۴۹ کیلومتری شمال غربی شهرضا نزدیک کیلومتری راه شوسه مبارکه بهشهر کرد واقع درجلگه هوایش معتدل وجمعیت آن در حدود ۹۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی آب مشروب ازقنات وشعبات رودخانه شور وفاینده رود محصول عمده آن غلات پنبه وبرنج شغل اهالی زراعت دارای راه ماشین رو بهشهرضا درحدود ۱۰ باب دکان دارد ودارای یکباب دبستان پسرانه است .

۵ـ بودجان دهکده کوچکی است در ۴۲ کیلومتری جنوب غربی شهرضا سه کیلومتری راه یحیی آباد به بروجن منطقه ایست کوهستانی معتدل درتابستان محل ییلاق گله داران و ۳۰ نفر زارع درآنجا بامر زراعت مشغولند

۶ـ با باشیخ‌حسین درچهار کیلومتری شمال غربی قصبه دهاقان واقع و محل زیارت و تفریح قراء اطراف دارای دو خانوار میباشد .

۷ـ پوده دهی است واقع در۲۸ کیلومتری شمال غربی شهرضا متصل براه حسین‌آباد بطالخونچه واقع در جلگه هوایش معتدل جمعیت آن در حدود ۳۰۰۰ نفر مذهب اهالی شیعه زبان فارسی شغل‌اکثر اهالی‌زراعت‌آب‌مشروب ازقنات ومحصولات عمده تریاك وپنبه وانگور دارای راه ماشین رو به‌شهرضا ویکباب دبستان پسرانه ویکباب دبستان دخترانه داردمردمش به‌مهمان‌نوازی وحسن‌خلق مشهورند ازآثار باستانی‌دارای یکباب مسجد قدیمی‌است

۸ـ جمیزه دهی‌است واقع در ۳۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا واقع در جلگه هوایش معتدل سکنه‌آن ۶۵۰ نفر مذهب شیعه زبان‌فارسی و ترکی‌آب ازقنات محصولات عمده‌آن غلات وپنبه شغل‌اهالی‌زراعت وگله‌داری است

۹ـ چشمه‌مصطفی مزرعه‌کوچکی است که‌دوخانوار سکنه‌دارد

۱۰ـ حسین‌آباد ده‌کوچکی است واقع‌در۲۰ کیلومتری مغرب شهرضا واقع درجلگه هوایش‌معتدل درزمستان سکنه آن‌سه‌خانوارودرتابستان عده‌زیادترکم در آنجا سکونت دارند

۱۱ـ حکیم‌آباد دهکده کوچکی است در۱۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا که‌ده‌نفر سکنه درآنجا به‌امر زراعت‌مشغولند

۱۲ـ حوض‌ماهی‌دهی استواقع در۴۹ کیلومتری‌شمال غربی‌شهرضا

منطقه‌ایست کوهستانی معتدل سکنه‌آن در حدود ۵۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی آب مشروب ازچشمه ومحصولات عمده‌غلات حبوبات شغل‌اهالی‌زراعت وگله داری‌است

۱۳ـ حسن‌آباد دهی‌است واقع‌در۴۵ کیلومتری مغرب شهرضا واقع‌درجلگه هوایش معتدل سکنه آن ۹۳۰ نفر مذهب شیعه‌زبان‌فارسی آب آن ازقنات محصولات عمده غلات پنبه وانگور شغل‌اهالی زراعت دارای یکباب دبستان پسرانه و۵ باب‌دکان دارد .

۱۴ـ هاقان بزرگترین بخش شهرضا واقع در۲۴ کیلومتری جنوب غربی شهرضا متصل بجاده شوسه شهرضا به‌بروجن ازسمت جنوب و مغرب‌محدود بکوه وهوایش معتدل جمعیت آن در حدود ۷ هزار نفر مذهب اهالی شیعه وزبان فارسی آب زراعت وآشامیدنی ازقنات و چشمه و چاه بسیار گوارا میباشد درحدود ۱۰۰۰ باب خانه‌دارد دارای بازار بدون سقف بطول‌تقریباً ۲۰۰ مترکه‌متجاوز از۲۲۰ باب مغازه دارد میوه‌جاتش‌بحد و فور وگلابی وانگورش معروف ازمحصولات عمده غلات و حبوبات و از محصولات دامی لبنیات مرغوبی دارد ازصنایع دستی قالی‌بافی وکرباس بافی‌را میتوان‌نام‌برد در سمت غربی‌آن رودخانه‌ای میگذرد که‌درفصل تابستان خشك و درفصول بارندگی دارای آب است‌دهاقان‌محل‌ییلاق وگردشگاه مردم‌اصفهان‌وشهرضا بوده‌وقسمت عمده میوه شهرضا ازدهاقان تـأمین میگردد دارای چند باب مسجد وحسینیه وشش باب حمام دارای‌یکباب دبیرستان پسرانه است‌که‌درسال ۱۳۲۸ ساختمان آن‌ازطرف اهالی‌انجام وبفرهنگ واگذار شددارای دوباب

دبستان پسرانه ویکباب دبستان‌دخترانه میباشد دوائر دولتی آن عبارتند از نمایندگی فرهنگ پاسگاه ژاندارمری نمایندگی آمار و دفتر اسناد رسمی شعبه مخابرات تلفن دفتر پست و اداره بهداری دارای دوباب گاراژ وازتفریحگاههای آن اردسته دردامنه کوههای جنوبی

۱۵-دزج دهکوچکی است در۴۲ کیلومتری جنوب شهرضا سر راه شهرضا به‌بروجن سکنه آن درحدود ۱۲۰ نفر زبان‌آنها فارسی و لری شغل اهالی زراعت وگله‌داری صنایع دستی آن‌ها قالی‌بافی وجاجیم است‌دزج‌دارای‌هوائی بسیار معتدل ودرتابستان تفریحگاه عمومی مردم اصفهان وشهرضاست

۱۶-دولت‌آباد واقع در۱۵ کیلومتری جنوب شهرضا واقع درجلگه هوایش معتدل سکنه آن ۲۵۰ نفر مذهب شیعه زبان‌فارسی آب‌ازقنات محصولات عمده غلات پنبه وانگور است

۱۷-دهنو قریه‌ایست در۵۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا واقع درجلگه هوایش معتدل سکنه آن ۲۲۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی آب مشروب از قنات محصولات عمده غلات‌وپنبه و برنج شغل اهالی زراعت دارای ۲۰ باب دکان ویکباب دبستان پسرانه میباشد

۱۸-سرچاه مزرعه‌ایست درسه کیلومتری قصبه‌دهاقان ودارای ۱ نفرسکنه که بامر زراعت مشغولند

۱۹-سرارود-دهی است در۴۸کیلومتری شمال غربی شهرضاواقع در جلگه هوایش معتدل سکنه‌آن درحدود ۹۰۰ نفر مذهب شیعه‌آب مشروب از قنات وشیمه‌رودخانه شور محصولات‌عمده غلات پنبه شغل‌اهالی زراعت دارای یکباب

دبستان پسرانه است

۲۰ـ سنگ سفید مزرعه کوچکی است دو سه کیلو متری دهاقان فاقد سکنه

۲۱ـ شریف آباد مزرعه کوچکی است درمجاورت طالخونچه درحدود ۱۵ نفر سکنه دارد

۲۲ـ شاه کوچک دهی است در ۴۹ کیلومتری شمال غربی شهرضا واقع درجلگه هوایش معتدل سکنه آن ۴۵۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی آب مشروب از قنات و رودخانه شور محصولات عمده پنبه و انگور شغل اهالی زراعت است

۲۳ـ شیخ آباد دهی است در ۵۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا واقع درجلگه هوایش معتدل سکنه آن حدود ۱۲۰۰ نفر مذهب شیعه و زبان فارسی آب مشروب ازقنات وشعبه‌ای اززاینده‌رود محصولات عمده پنبه برنج و میوه‌جات شغل اهالی زراعت دارای یکباب دبستان و ۸ باب دکان دارد

۲۴ـ طالخونچه قصبه‌ایست در ۴۰ کیلو متری شمال غربی شهرضا متصل براه ماشین رو واقع درجلگه هوایش معتدل وسکنه آن در حدود ۵۷۰۰ نفر مردمی علاقمند بفرهنگ بسیار فعال ومهماندوست دارد آب مشروب آن ازقنات محصولات عمده غلات وپنبه شغل اکثر اهالی زراعت وگله‌داری صنایع دستی کرباس‌بافی وصادرات آن پنبه میباشد درحدود ۱۰۰۰ باب خانه دارد طالخونچه دارای سابقه خیلی قدیمی وتاریخی است روایاتی در باره این آبادی نقل شده که در قدیم قبل از اسلام جنگهای خونینی در این نقطه واقع شده ومشهور است که نام اصلی آن (تل خونی) بوده است دارای دبستان پسرانه ودخترانه بهداری

ودرمانگاه پاسگاه ژاندارمری پست وتلفن ونماینده امار میباشد

۲۵ـعباس آباد ده مخروبه ایست درسه کیلومتری دهاقان بدون سکنه

۲۶ـعطاآباد در۲۲ کیلومتری جنوب غربی شهرضا ودو کیلومتری دهاقان واقع درجلگه هوایش معتدل سکنه آن درحدود ۲۰۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی آب مشروب ازقنات محصولات عمده آن غلات وپنبه وانگور ومیوه جات سردسیری شغل اهالی زراعت وگله داری ازآثارتاریخی آن برجی است معروف به برج میرزامهدی خان (میگویند میرزامهدی خان منشی نادرشاه افشار اهل عطاآباد بوده است)دارای یکباب دبستان مجهز است که به کمك اهالی ساخته وبفرهنك انتقال داده شده است

۲۷ـعلی آباد دهی است دریازده کیلومتری مغرب شهرضا سرراه طالخونچه به قمبوان واقع در جلگه هوایش معتدل سکنه آن ۱۲۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی ترکی وآب مشروب ازقنات میباشد شغل اهالی عموماً زراعت است

۲۸ـقاسم آباد مزرعه کوچکی است درسه کیلومتری بخش دهاقان که ۱۰ نفر سکنه آن بامر زراعت مشغولند

۲۹ـقمبوان قصبه ایست در ۲۵ کیلومتری شمال غربی شهرضادارای راه ماشین رو به شهرضا واقع درجلگه هوایش معتدل سکنه آن درحدود ۲۵۰۰ نفرمذهب شیعه زبان فارسی شغل اهالی اکثر زراعت دارای یکباب دبستان پسرانه و یکباب دبستان دخترانه است

۳۰ـ قمیشلو در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا منطقه ایست کوهستانی هوایش معتدل جمعیت آن درحدود ۲۵۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی (دارای لهجه محلی) آب مشروب ازقنات شغل اهالی زراعت وگله داری است دارای یکباب دبستان پسرانه میباشد

۳۱ـ قهنویه در ۴۸ کیلومتری شمال غربی شهرضا کنار راه ماشین رو شهرضا به شیخ آباد واقع در جلگه هوایش معتدل جمعیت آن تقریباً ۱۵۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی شغل اهالی زراعت محصولات عمده غلات و پنبه دارای یکباب دبستان پسرانه میباشد

۳۲ـ قلعه سفید در ۶ کیلومتری طالخونچه و دارای ۲۰ نفر سکنه که بامر زراعت اشتغال دارند

۳۳ـ قهه در ۲۲ کیلومتری شمال غربی شهرضا کنار راه ماشین رو شهرضا بطالخونچه واقع در جلگه هوایش معتدل سکنه آن تقریباً ۲۰۰ نفر مذهب شیعه زبان فارسی شغل اهالی زراعت و محصولات آن غله میباشد

۳۴ـ کرویه قریه ایست در ۳۱ کیلومتری جنوب شهرضا متصل براه ماشین رو شهرضا به سمیرم علیا منطقه ایست کوهستانی هوایش سرد در حدود ۲۲۰۰ نفر جمعیت دارد مذهب شیعه زبان فارسی و ترکی آب زراعتی و آشامیدنی از قنات و چشمه محصولات عمده انگور و حبوبات شغل اهالی زراعت و گله داری صنایع دستی آن قالی و جاجیم بافی خانه ها در بلندی واقع است دارای یکباب دبستان پسرانه که با کمك اهالی ساخته شده همچنین دارای پاسگاه ژاندارمری و یك امامزاده میباشد در ۹ کیلومتری شمال غربی کرویه در منطقه کوه تنك چاقلو معروف به کوه آب باغ معدن سرب وجود دارد که در دست استخراج میباشد

۳۵ـ کره دهی است در ۱۹ کیلومتری غرب شهرضا منطقه ایست کوهستانی هوایش معتدل دارای ۵۰۰ نفر سکنه که بزراعت اشتغال دارند دارای یکباب دبستان میباشد

۳۶ـ کیاز اباد، مزرعه ایست در ۱۱ کیلو متری شمال غربی شهرضا متصل براه

ماشین‌رو چندخانوار درآنجا بامرزراعت اشتغال‌دارند

۳۷ــ کریم‌آباد ــ ده کوچکی‌است در ۱۹ کیلومتری طالخونچه جمعیت آن درحدود ۵۰۰ نفر که بامر زراعت اشتغال دارند

۳۸ــ گچ‌قباد در ۲۷ کیلومتری شمال غربی شهرضا واقع‌در جلگه هوایش معتدل ودارای ۱۴۰ نفر جمعیت که‌بزراعت اشتغال دارند

۳۹ــ لاریچه در ۱۷ کیلومتری شمال غربی شهرضا منطقه‌ایست کوهستانی هوایش‌سرد دارای ۹۵۰ نفرجمعیت که‌بزبان ترکی‌فارسی(لهجه‌مخصوص‌محلی) صحبت مینمایند دارای یکباب دبستان پسرانه‌میباشد

۴۰ــ لار در۴۹ کیلومتری شمال غربی شهرضا واقع در جلگه هوایش معتدل وسکنه آن ۴۴۰ نفر که‌بامرزراعت‌اشتغال‌دارند

۴۱ــ مرشدآباد مزرعه کوچکی است در۳۱ کیلومتری جنوب‌شهرضا که‌در تابستان چندخانوار درآنجا سکونت نموده‌بامرزراعت‌اشتغال دارند

۴۲ــ موسی‌آباد در۱۵ کیلومتری‌جنوب‌غربی‌شهرضامتصل براه‌ماشین‌روشهرضا بدهاقان واقع درجلگه هوایش‌معتدل سکنه‌آن ۲۲۰۰ نفرمذهب‌شیعه‌زبان‌فارسی محصولات عمده آن غلات وخشکبار واهالی‌بامر زراعت اشتغال دارنددارای یکباب دبستان‌پسرانه ویکباب‌دبستان دخترانه میباشد

۴۳ــ مهدی‌آباد در۱۵ کیلومتری جنوب‌شهرضا در۷ کیلومتری‌راه‌شهرضا به‌سمیرم وراه‌شهرضا بدهاقان واقع‌شده هوایش معتدل‌سکنه آن ۱۵۰ نفر که بزراعت و گله‌داری اشتغال دارند

۴۴ــ محمودآباد در۱۸ کیلومتری جنوب‌شهرضامتصل براه شهرضابه بروجن

سکنه آن ۳۰۰ نفر ازآب‌قنات‌استفاده نموده محصولات عمده آن‌غلات‌وانگور پنبه وحبوبات میباشد

۴۵ـ ملك آباد مزرعه‌ایست در ۲۰ کیلومتری طالخونچه‌یك‌خانوارسکنه‌دارد

۴۶ـ نقنه در۵۶ کیلومتری جنوب‌غربی شهرضاوسه‌کیلومتری بروجن‌درسرراه شوسه شهرضا به‌بروجن واقع‌شده هوایش سرد سکنه‌آن‌حدود۱۵۰۰ نفرمذهب شیعه‌زبان‌فارسی محصولات عمده غلات ولبنیات شغل اهالی‌زراعت و گله‌داری است زنبور عسل تربیت مینماید ودارای یکباب‌دبستان پسرانه‌ویکباب‌دبستان دخترانه میباشد

۴۷ـ ناصر آباد مزرعه‌ایست در۱۲ کیلومتری‌طالخونچه‌دارای‌یك‌خانوارسکنه

۴۸ـ نهچیر واقع در۴۸ کیلومتری شمال غربی شهرضا بفاصله یك کیلومتر ازراه قمبوان به‌شیخ‌آباد منطقه‌ایست کوهستانی معتدل سکنه‌آن‌درحدود۵۰۰ نفر که‌بامرزراعت‌وگله‌داری اشتغال‌دارند

۴۹ـ همگین در۵۱ کیلومتری جنوب غربی‌شهرضادرسرراه شهرضابه‌بروجن واقع درجلگه هوایش معتدل درحدود ۹۰۰ نفر سکنه‌دارد مذهب اهالی شیعه زبان فارسی وترکی آب‌مشروب از چشمه و قنات محصولات عمده آن غلات ولبنیات ومیوه‌جات است شغل اهالی گله‌داری زراعت وصنایع دستی آن‌قالی وجاجیم بافی است دارای یکباب دبستان پسرانه است که‌بهمت‌اهالی‌ساختمان گردیده است

۵۰ـ هفت‌یکی در۱۵ کیلومتری شمال غربی شهرضا دارای سه‌خانوارسکنه که بزراعت اشتغال‌دارند

۵۱ـ هونجان در ۴۲ کیلومتری جنوب شهرضا متصل براه ماشین رو شهرضا بحناه منطقه‌ایست کوهستانی وسردسیر جمعیت آن‌درحدود ۲۸۰۰ نفرمذهب اهالی شیعه وزبان فارسی وترکی‌است مردمش نیکو مشرب‌وستوده‌سیرعلاقمند بامور فرهنگی ودرحداعلای مهمان نوازی وصفات عالیه میباشند محصولات عمده آن غلات لبنیات و تریاك روغن حیوانی هونجان به مرغوبیت و خوبی مشهور است آب مشروب ازچشمه وشغل‌اهالی زراعت وگله‌داری است‌صنایع دستی قالی وجاجیم بافی است که‌ازارقام مهم صادراتی و بسیار مرغوب‌وبارنك طبیعی بافته شده‌است خانه‌ها قسمتی دردامنه کوه‌بنا شده‌وقسمتی دردره‌میباشد وازاینجهت دستخوش سیل قرار میگیرد ساختمانها اکثر از سنك و خشت وچوب بنا شده مزارع اطراف هونجان در تابستان محل ییلاق ایـل بزرك دره‌شوری میباشد چشمه‌ای بنام زردچشمه در ۴ کیلومتری جنوب آن‌واقع‌شده که‌دارای آبی گوارا ومحل تفریح اهالی میباشد در نـزدیکی همین چشمه قلعه ماشك قرار گرفته که‌دارای آثارقدیمی و سنك‌هـای قبور آن متعلق به ۷۰۰ سال قبل است دارای‌یکباب دبیرستان‌ودبستان پسرانه‌ودبستان‌دخترانه است که‌ساختمان اکثر آنها باهمت اهالی ساخته وتحویل فرهنك شده‌دارای پست ـ بهداری ـ پاسگاه ژاندارمری ومتجاوز از ۳۰ باب‌مغازه دارد

۵۲ـ یعقوب آباد مزرعـه‌ایست در۴ کیلومتری دهاقان دارای دوخانوار سکنه که‌بزراعت‌مشغولند

۵۳ـ یحیی آباد دهی است در۳۸ کیلومتری جنوب‌شهرضابفاصله۶ کیلومتری ازراه شوسه شهرضا باسفرجان واقع در جلگه هوایش معتدل دارای ۲۰۰ نفر سکنه که بامرزراعت وگله‌داری اشتغال دارنددارای‌یکباب‌دبستان‌پسرانه‌است

پایان بخش سمیرم پائین

بخش حومه

بخش حومه شهرستان شهرضا از ۵۱ آبادی بزرك و کوچك تشکیل شده که ازشمال بجنوب بطول ۷۰ کیلومتردراطراف جاده شوسه اصفهان بـه شیراز وازطرف مغرب بهمشرق درطول ۷ کیلومتر بموازات جاده مزبور دراطراف شهرضا واقع همگی درجلگه ودارای آب‌وهوای معتدل آب‌مشروب و زراعتی جملگی ازقنات میباشد جمعیت این بخش در حدود ۱۶۰۰۰ نفر که همگی دارای مذهب شیعه وبزبان فارسی تکلم میفمایند

۱ـاسفه واقع در۱۱ کیلومتری شمال شرقی شهرضا بفاصلـه ۲ کیلو متری شرق راه شوسه اصفهان به شهرضا درحدود ۱۴۰۰ نفر سکنه داردمحصولات عمده آن غلات پنبه وانار وصیفی میباشد شغل‌اهالـی زراعت و صنایـع دستی قالی بافی وکرباس‌بافی ساختمان خانه‌ها عموماً خشتی دارای یکباب‌دبستان پسرانه ویکباب دبستان دخترانه میباشد درحدود ۱۰ باب دکان دارد اسفه موطن فقید سعید دانشمند معظم وسیاستمدار معروف وشجاع قرن‌اخیرمرحوم سیدحسن مدرس میباشد کهشرح حال‌معظم‌له در صفحه ۹۱ بسرشتـه تحریر درآمده است

۲ـاسفه‌سالار ده‌کوچکی است در۵ کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله۲/۵ کیلومتر غربی جاده شهرضا بهشیراز درحدود ۴۷۰ نفر سکنه دارد که بامر کشاورزی اشتغال دارد

۳ـآسیاب‌شاه در۲۴ کیلومتری شمال شهرضا واقع و یك خانوار در آن زندگی مینماید

افخاریهـواقع در۳۲ کیلومتری شمال شهرضا دارای ۸۰نفرسکنه‌ویکباب دبستان‌پسرانه

۵ـبرکت‌آباد مزرعه‌ایست جدیدالاحداث درشمال‌شهرضا که‌بوسیله‌چاه‌عمیق مشروب ودوخانوار درآنجا بامر زراعت مشغولند

۶ـباغ‌ورق در۲۶ کیلو متری جنوب شرقی شهرضا در کنار جاده شهرضا به‌شیراز درحدود ۳۱۵ نفر سکنه دارد که‌بامرزراعت‌وگله‌داری‌اشتغال‌دارند

۷ـبأبوکان در۷کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله۱/۵ کیلومتر درغرب‌جاده شهرضا به شیراز واقع شده جمعیت آن درحدود ۲۰۰۰ نفر و مردمی فعال وبااستعداد وفرهنك‌دوست دارد محصولات عمده آن‌انگور خشکبار وشغل‌عمده اهالی زراعت است دارای یکباب دبیرستان ویکباب دبستان پسرانه است‌که باکمك‌اهالی ساخته وبفرهنك تحویل‌شده‌است ساختمان‌خانه‌ها خشتی و گلی‌است

۸ـبوان واقع‌در۱۸کیلومتری جنوب شرقی شهرضا بفاصله سه کیلو متر درغرب جاده شهرضا به‌شیراز درحدود ۹۰۰ نفر جمعیت‌دارد شغل‌عمده‌اهالی زراعت محصولات عمده آن پنبه‌وغلات است دارای یکباب دبستان‌پسرانه‌است

۹ـپرزان واقع در۲۰ کیلومتری شمال شرقی شهرضا بفاصله ۷کیلو متری شرقی جاده شهرضا باصفهان درحدود ۳۰۰ نفر سکنه دارد که بامر زراعت اشتغال دارند محصولات عمده آزغلات پنبه وبخصوص‌هندوانه‌آن‌معروف‌است

۱۰ـ جرم افشار ـ واقع در ۷ کیلومتری شمال شرقی شهرضا بفاصله ۲ کیلومتری شرقی جاده شهرضا باصفهان دارای ۷۰۰ نفر سکنه بوده که اخیراً در اثر خشکسالی سکنه آن مجبور بمهاجرت شده‌اند

۱۱ـ جعفر آباد ـ واقع در ۸ کیلومتری شمال شهرضا بفاصله یك کیلو متری شرق جاده شهرضا باصفهان دارای ۶۰ نفر سکنه میباشد که بامر زراعت اشتغال دارند

۱۲ـ چاه مرتضوی در جنوب شهرضا بفاصله ۲ کیلو متری که بوسیله چاه عمیق مشروب میگردد

۱۳ـ جلال آباد در ۱۶ کیلومتری شمال شهرضا بفاصله ۴ کیلومتر درشرق جاده شهرضا باصفهان واقع درحدود ۱۲۰ نفر در این دهکده بامرزراعت اشتغال داشتند که درسالهای اخیر دراثر خشکسالی اکثر مهاجرت نموده‌اند

۱۴ـ جلالیه مزرعه کوچکی است که سه خانوار در آن بامر زراعت مشغولند

۱۵ـ چغاد ـ مزرعه‌ایست درشمال غربی شهرضا که سه خانوار سکنه دارد

۱۶ـ حسین آباد مزرعه‌ایست در ۹ کیلومتری جنوب شهرضا در دو کیلومتری جاده شهرضا به بابوکان که ده خانوار در آنجا بامر کشاورزی اشتغال دارند

۱۷ـ حسین آباد ـ مزرعه‌ایست بفاصله ۴۰ کیلومتری شمال شهرضا که دو خانوار سکنه دارد

۱۸ـ خسرو آباد در ۱۲ کیلومتری جنوب شهرضا در ۴ کیلو متری مغرب راه شوسه شهرضا بشیراز دارای ۲۷۰ نفر سکنه که بامر زراعت اشتغال داشته ومحصولات مهم آن غلات وحبوبات وانگور میباشد

۱۹ـ خیر آباد ـ در ۱۰ کیلومتری شمال شهرضا کنار جاده شهرضا باصفهان

قرار گرفته دارای ۳۰ نفر سکنه میباشد اخیراً در مجاورت آن کارخانه آجرفشاری خیرآباد تاسیس گردیده‌است

۲۰ـدهك در۱۹ کیلومتری جنوب خاوری شهرضا متصل بجاده شهرضا بشیراز دارای ۳۰۰ نفر جمعیه که اکثراً بامر زراعت و گله‌داری اشتغال دارند

۲۱ـرحمت‌آباد در۸ کیلومتری شمال‌شهرضا واقع دارای۸ نفر سکنه میباشد

۲۲ـ رکن‌آباد در۵ کیلومتری جنوب شهرضا ویك‌کیلومتری غربی‌راه‌شهرضا بشیراز واقع شده دارای ۵۰ نفر سکنه است که بامر زراعت اشتغال‌دارند

۲۳ـرحیم‌آباد مزرعه کوچکی است‌درفاصله ۱۹ کیلومتری جنوب شهرضا

۲۴ـزیارتگاه در ۱۰ کیلومتری جنوب شهرضا ودو کیلومتری غرب جاده شیراز باصفهان دارای ۱۲۰۰ نفر سکنه که اکثر آنها بامر زراعت اشتغال داشته محصول عمده آن غلات و پنبه وانگور بسیار مرغوب میباشددارای یکباب دبستان پسرانه است

۲۵ـسپهرآباد مزرعه‌ایست در ۵ کیلومتری شمال شهرضا که اخیراً در اثر خشکسالی کلیه باغات ومزارع آن خشك‌شده

۲۶ـسولار در۱۶ کیلومتری جنوب شهرضا دارای ۹۵۰ نفر سکنه که بامر زراعت اشتغال دارند

۲۷ـسرآن مزرعه کوچکی است در جنوب شهرضا که‌دوخانوار سکنه دارد

۲۸ـشاه‌آباد مزرعه‌ایست در ۱۸ کیلومتری جنوب شهرضا و در تابستان تفریحگاه‌اهالی شهراست

۲۹ـ شاهرضا در ۴ کیلومتری شمال شهرضا در کنار جاده شهرضا باصفهان
ودارای ۵۴۰ نفر سکنه است درمدخل ورودی یك بازارچه سرپوشیده است
که متصل به بنای امامزاده ودارای ۲۵ باب دکان است جاده اصفهان به شهرضا
حد فاصل بین امامزاده ودهکده شاهرضا میباشد درمجاورت صحن امامزاده
کاروانسرای شاهرضا قرار گرفته که ازحیث معماری وزیبائی قابل توجه و
بهره برداری میباشد شاهرضا دارای یکباب دبستان پسرانه ومحصول عمده آن
غلات وانار میباشد نام دهکده شاهرضا بمناسبت مجاورت با امامزاده شاهرضا
نامگذاری شده

۳۰ـ شاه سیدعلی اکبر واقع است در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی شهرضا
دردامنه کوه مرغاب بفاصله ۴ کیلومتری راه شهرضاباصفهان متجاوزاز ۱۲۰۰
نفر سکنه دارد که بامر زراعت اشتغال داشته ومحصولات عمده اش غلات وپنبه
است انار این دهکده ممتاز و یکی از ارقام صادراتی شهرضا میباشد دارای
یکباب دبستان ودرحدود ۱۰ باب دکان دارد مقبره شاهزاده سیدعلی اکبر
که زیارتگاه اهالی شهرضاست دراین آبادی واقع است شجره نامه امامزاده بدست
نیامده

۳۱ـ علی آباد گچی واقع در ۹ کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله یك کیلومتری
جاده شهرضا به بروجن دارای ۴۵۰ نفر جمعیت که بامرزراعت اشتغال دارند
دارای یکباب دبستان پسرانه ومعدن گچ سفید میباشد

۳۲ـ عمروآباد در ۶ کیلومتری جنوب شهرضا وبفاصله سه کیلومتری مغرب
جاده شیراز به شهرضا دارای ۱۲۶۰ نفر جمعیت که بامر کشاورزی اشتغال
دارند محصولات عمده آن غلات انگور وپنبه دارای یکباب دبستان است

۳۳ـعلی آباد مهیار معروف به اکرم آباد در۲۴ کیلومتری شمال شهرضا واقع و ۵۰ نفر سکنه دارد که بامر زراعت اشتغال دارند

۳۴ـغضنفریه مزرعه ایست درشمال شهرضا و۷ کیلومتری مهیار یك خانوار سکنه دارد

۳۵ـقصرچم واقع در۱۶ کیلو متری جنوب غربی شهرضا سرراه شهرضا بهسمیرم و۱۲ کیلومتری جنوب شرقی راه شهرضا بهشیراز در جلگه واقع وهوایش معتدل سکنه آن درحدود ۶۰۰ نفر که بزبان فارسی وترکی تکلم مینمایند شغل اهالی زراعت ومحصولات عمده غلات پنبه و توت میباشد سابقاً در قصرچم توتستان بزرگی به منظور تربیت کرم ابریشم احداث گردیده ولی فعلا استفاده ای نمیشود دراطراف قصرچم حصار محکم بابرج وباروایجادشده است دارای یکباب دبستان پسرانه است

۳۶ـقوام آباد در۱۷ کیلومتری جنوب شرقی شهرضا بفاصله یك کیلو متر مغرب جاده شهرضا بهشیراز واقع شده درحدود ۵۵۰ نفرجمعیت دارد که بامر زراعت اشتغال دارند محصولات عمده غلات پنبه بادام ودارای یکباب دبستان پسرانه است

۳۷ـماران دهی است در۱۴ کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله ۵ کیلو متری راه شهرضا بهشیراز دارای ۳۰۰ نفر جمعیت که بامر زراعت اشتغال دارند

۳۸ـمحمدیه واقع در۹ کیلومتری جنوب شهرضا که دارای ۲۰۰ نفر سکنه وبه زراعت اشتغال دارند

۳۹ـمسینه در۲۰ کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله ۲ کیلومتری راه شهرضا بهشیراز درحدود ۳۹۰ نفر جمعیت دارد که بزراعت وگله داری اشتغال دارند

۴۰ـمغروفه درجنوب شرقی شهرضا بفاصله ۲۶ کیلومتری درشرق جاده شیراز

به شهرضا واقع محل تفریح اهالی میباشد

۴۱ـمقصود بیكـواقع در ۲۶ کیلومتری جنوب شرقی شهرضا در سر راه شهرضا به شیراز واقع شده درحدود ۲۵۰ نفر سکنه است که بامرزراعت اشتغال دارند دارای یکباب دبستان وپاسگاه ژاندارمری میباشد

۴۲ـمنوچهر آباد واقع در ۵ کیلومتری شمال شرقی شهرضا و درحدود ۳۰۰ نفر جمعیت دارد محصولات عمده‌اش غلات و پنبه وخربوزه وهندوانه است

۴۳ـمصلح آباد معروف به قاپچی واقع در ۳۰ کیلومتری شمال غربی شهرضا ویك کیلومتری جاده اصفهان بهشهرضا درحدود ۲۰ نفر جمعیت دارد که بامر زراعت اشتغال دارند

۴۴ـمهیار واقع در ۳۰ کیلومتری شمال شهرضا درسر راه شوسه شهرضا باصفهان درحدود ۹۰۰ نفر سکنه دارد که بامر زراعت اشتغال دارند مهیار بسیار قدیمی وشاید قبل از شهرضا دارای موقعیت واهمیت خاصی بوده ولی بمرور زمان منهدم وخراب گردیده درسالهای اخیر دراثر توجه وعلاقمندی چند نفر از ملاکین عمده باحفر چند حلقه چاه عمیق وایجاد ساختمانهای تازه روبآبادی وپیشرفت میباشد دربستان السیاحه درصفحه ۵۷۴ چنین مینویسد (قریه‌ایست آبش ناگوار هوایش اندك حارو . . . . وآن قریه مابین اصفهان وقمشه واقع است وسمت شمال وجنوب شرقی فی الجمله گرفته و وطرفش واسع است مکرر مشاهده شده است وقریب دویست خانه در اوست و دوسه مزرعه مضافات اوست شاه سلیمان صفوی کاروانسرائی در غایت متانت درآنجا ساخته است دریغا که روبخرابی است) هندوانه وخربوزه مهیار بغایت ممتاز وجزوصادرات مهم زراعتی میباشد اولین خانه انصاف درمهیار ایجاد دارای یکباب دبستان

پسرانه میباشد

۴۵ـ مزرعه آوانس مزرعه جدیدالاحداثی است که بوسیله چاه عمیق م
ویك خانوار سکنه دارد

۴۶ـ مزرعه حسین آباد مزرعه جدیدالاحداثی است در ۲۴ کیلومتری شمال
شهرضا درسر راه شوسه اصفهان به شهرضا که بوسیله چاه موتوری وعمیق م
میگردد دارای باغات مشجر و چندباب خانه نوساز و یك قهوه خانه و پنج خان
آن سکونت دارند

۴۷ـ نظرآباد در ۱۳ کیلومتری جنوب شهرضا قبلا بالغ بر ۱۰۰ نفر ج
داشت که در اثر خشکسالی مجبور به مهاجرت و فعلا بیش از دو سه خانوار ساکن

۴۸ـ واژتان در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی شهرضا بفاصله ۴ کیلومتری
جاده شهرضا باصفهان دارای ۳۰۰ نفر سکنه که بامر زراعت اشتغال دارند

۴۹ـ وشاره واقع در ۱۸ کیلومتری جنوب شهرضا درفاصله ۵۰۰ متری شرق
شهرضا به شیراز سکنه آن در حدود ۶۵۰ نفر که بامر زراعت اشتغال دار
دهکده درسال ۱۳۳۵ در اثر سیل ویران و دهکده جدید طبق نقشه و خیابان بن
کنار جاده احداث گردیده دارای یکباب دبستان مجهز پسرانه است

۵۰ـ وصف واقع در ۸ کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله یك کیلومتری جنوب
راه شهرضا به شیراز جمعیت آن در حدود ۲۷۰ نفر که بامر زراعت اشتغال دارن

۵۱ـ ولندان واقع در ۱۰ کیلومتری جنوب شهرضا بفاصله ۲۰۰ متر در
جاده شهرضا به شیراز واقع در جلگه هوایش معتدل سکنه آن در حدود ۵۰۰ نف
شغل اهالی زراعت و محصولات عمده غلات و پنبه زردالو و انگور و صنایع دس
کرباس بافی میباشد دارای یکباب دبستان پسرانه است

پایان من الله التوفیق و علیه التکلان